

# رساله اول به قرنتیان

بعضی از حیوانات رنگ محیط را به خود می گیرند. بسیاری از موجودات زنده به کمک پوششهای خدادادی، با طبیعت پیرامون خود هماهنگ می شوند تا به بقا ادامه دهند. سازگاری و هماهنگی با محیط، امری طبیعی است. اما پیروان مسیح **خلقیت تازه‌ای** هستند. تولد آنها آسمانی است و تغییر و تبدیل آنان درونی. ارزشها و شیوه زندگی‌شان با دنیا در تضاد قرار دارد؛ به همین دلیل، ایمانداران واقعی به راحتی با دنیا سازش نمی کنند.



مسیحیان قرنتس با محیط اطراف خود در تنش بودند. فساد اخلاقی و گناهان دیگر، آنان را احاطه کرده بود. احساس می کردند که محیط بر آنان فشار وارد می کند تا سازگاری حاصل کنند. آنها می دانستند که در مسیح آزادند؛ اما این آزادی چه معنایی داشت؟ نسبت به بت‌ها و تمایلات جنسی چه طرز تفکری باید می داشتند؟ درباره ازدواج، نقش زنان در کلیسا، و عطایای روحانی، به چه نحو می بایست عمل می کردند؟ این سؤال‌ها، یک رشته پرسشهای نظری نبود. این رفتارهای ضداخلاقی و عدم رشد روحانی، کلیسا را تضعیف کرده بود. ایمان آنها در شهر فاسد قرنتس در بوتّه آزمایش گذاشته شده بود، و برخی از آنها از آزمایش سربلند بیرون نمی آمدند.

پولس از تنش‌هایی که ایمانداران قرنتس داشتند، باخبر شده بود. او این نامه را نوشت تا به مشکلات آنها بپردازد، و به اختلافات ایشان پایان دهد، و به سؤالانشان پاسخ گوید. پولس ایشان را متوجه گناهانشان ساخت و نیازشان را به اصلاح رفتار و تجدید عهد به مسیح یادآور شد.

پس از یک مقدمه کوتاه (۱:۱-۹)، پولس بی‌درنگ به سؤال درباره اتحاد می پردازد (۱:۱۰-۴:۲۱). او اظهار می دارد که همه ایمانداران باید در حول محور پیام ساده انجیل متحد باشند؛ او نقش رهبران کلیسا را بازگو کرده، آنان را تشویق می کند تا در ایمان بالغ شوند.

سپس پولس به بی‌بند و باری برخی از اعضای کلیسا و دعاوی حقوقی بین مسیحیان می پردازد (۵:۱۵ - ۸:۶). او به آنان می گوید که مطیع انضباط کلیسایی باشند و مشکلات داخل کلیسا را خودشان حل کنند. از آنجا که بیشتر مشکلات کلیسای قرنتس، مربوط به روابط جنسی بود، پولس گناهان جنسی را با لحنی کاملاً تند محکوم می کند (۶:۹-۲۰).

سپس به چند سؤال قرنتیان پاسخ می دهد. بخاطر رواج فحشا و بی‌بند و باری در شهر قرنتس، پایه ازدواج متزلزل بود، و مسیحیان نمی دانستند چه واکنشی باید در مقابل آن نشان دهند. پاسخی که پولس می دهد، صریح و عملی است (۷:۱۰-۴۰). در خصوص گوشت قربانی بت‌ها، پولس توصیه می کند که باید نسبت به مسیح کاملاً وفادار بمانیم و نسبت به دیگر ایمانداران، خصوصاً خواهران و برادران ضعیف‌تر حساس باشیم (۸:۱ - ۱۱:۲).

## مشخصات رساله اول به قرنتیان:

### هدف:

تشخیص مشکلات کلیسای قرنتس، ارائه راه حل برای آنها، و تعلیم به ایمانداران در خصوص نحوه زندگی مسیحی در یک جامعه فاسد.

### نویسنده:

پولس

### گیرندگان:

کلیسای قرنتس

### تاریخ نگارش:

در حدود ۵۵ م.، پیش از پایان خدمت سه ساله پولس در افسس، طی سفر سوم بشارتی‌اش **علت نگارش:**

قرنتس یک شهر بزرگ بین‌المللی، بندر و مرکز اصلی تجارت و مهم‌ترین شهر ایالت اخابیه بود. این شهر از بت‌پرستی و فساد پر بود. اکثر اعضای کلیسا غیریهودی بودند. این کلیسا را پولس طی سفر دوم بشارتی‌اش بنیاد گذاشت.

### آیه کلیدی:

«اما ای برادران عزیز، به نام خداوند ما عیسی مسیح به شما التماس می‌کنم که از بحث و جدل دست برداشته، بکوشید با یکدیگر یک دل و یک زبان باشید تا در میان شما جدایی و شکاف پیش نیاید. خواهش می‌کنم که در فکر و هدف، متحد باشید» (۱:۱).

**افراد مهم:**  
پولس، تیموتائوس، اعضای خانواده خلویی  
**محل های مهم:**  
جلسات پرستشی در قرنتس  
**جنبه های خاص:**  
این نامه بیانی پرنفوذ و صریح دارد.

پولس نامه را با بحث درباره عبادت ادامه می دهد، و به دقت نقش زنان، شام خداوند، و عطایای روحانی را شرح می دهد (۳:۱۱ - ۳۹:۱۴). در وسط این بخش، توصیف باشکوه او از بزرگترین عطایا - یعنی محبت - قرار دارد (فصل ۱۳). سپس با بحثی درباره قیام (۱:۱۵-۵۸)، چند توصیه پایانی و سلامها و دعا (۱:۱۶-۲۴) نامه را به پایان می برد.  
در این نامه، پولس قرنتیان را با گناهان و قصوراتشان روبرو می سازد. نامه اول قرنتیان از تمامی مسیحیان دعوت می کند تا مراقب باشند که همشکل جهان نشوند و ارزشها و سیاق زندگی دنیوی را نپذیرند. زندگی ما باید حول محور مسیح بچرخد، ما باید در پاکی و محبت زیست کنیم تا زندگی ما مورد توجه خدا واقع شود. وقتی اول قرنتیان را می خوانید، با توجه به تعهد کاملی که به مسیح داده اید، خود را ارزیابی کنید.

**تقسیم بندی کلی**  
**الف - پولس به حل مشکلات کلیسا می پردازد**  
(۱:۱ - ۲۰:۶)  
۱- شقاق در کلیسا  
۲- بی نظمی در کلیسا

در غیاب پولس، کلیسای قرنتس گرفتار شقاق و بی نظمی شده بود. شقاق و بی نظمی منجر به مشکلات زیادی شده بود که پولس بطور مستقیم آنها را بر می شمارد. ما باید اتحاد و نظم را در کلیسای خودمان مورد توجه قرار دهیم، اما نباید عدم فعالیت را با نظم، و محبت را با اتحاد اشتباه کنیم. ما نیز باید مشکلات کلیسای خود را بطور مستقیم عنوان کنیم.

**ب - پولس به سؤالات کلیسا پاسخ می دهد**  
(۱:۷ - ۲۴:۱۶)  
۱- تعلیم درباره ازدواج مسیحی  
۲- تعلیم درباره آزادی مسیحی  
۳- تعلیم درباره عبادت جمعی  
۴- تعلیم درباره قیام

قرنتیان فهرستی از سؤالات خود را برای پولس فرستاده بودند، و پولس ضمن پاسخ به آنها، می کوشد جلو رفتارهای نادرست را بگیرد و به آنها نشان دهد که چقدر مهم است که مطابق با ایمان خود زندگی کنند. پولس برای حل مشکلاتمان نگرشی مسیحی در اختیار ما قرار می دهد. او کاملاً مشکل را تجزیه و تحلیل می کند تا به ریشه مسأله دست یابد. سپس توجه همه را معطوف به ارزشهای کتاب مقدسی می نماید، ارزشهایی که باید راهنمای اعمال ما باشند.

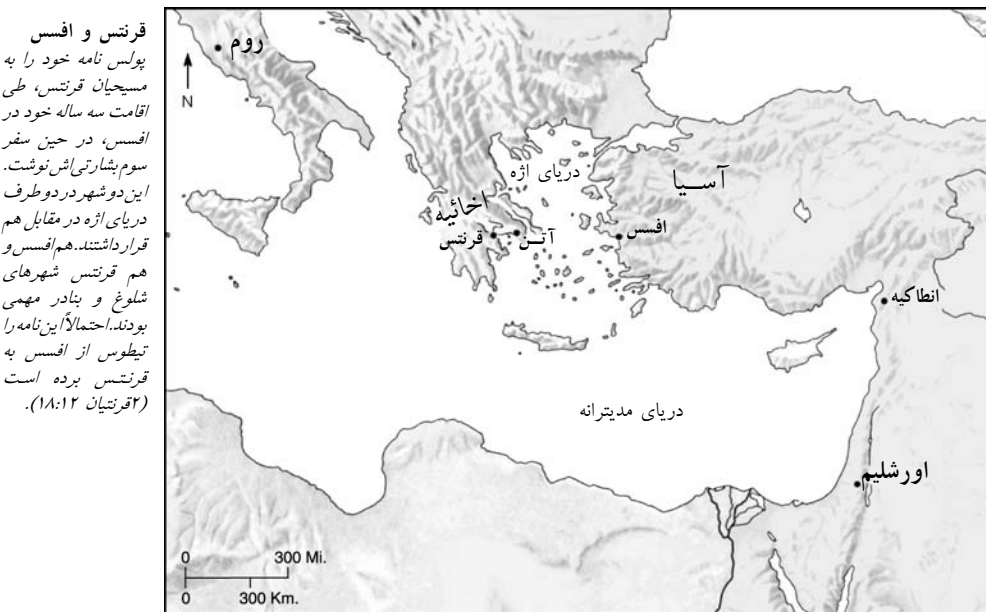
## موضوعات مهم

موضوع	توضیحات	اهمیت
وفاداری	قرن‌تیان گرد رهبران و معلمین مختلف کلیسا جمع شده بودند، از جمله پطرس، پولس و اپلس. این طرفداری از افراد منجر به پدید آمدن غرور عقلانی و بوجود آمدن روح تفرقه در کلیسا شده بود.	علاقه ما به رهبران انسانی یا حکمت بشری هرگز نباید باعث بوجود آمدن گروه‌بندی میان مسیحیان شود. ما نباید با ایمانداران دیگر ستیز کنیم بلکه باید در فکر رفاه آنان باشیم. بگذاریم فقط مسیح رهبر ما باشد و فقط نسبت به او احساس تعهد کنیم، نه نسبت به انسانها و مکاتب انسانی.
بی‌بند و باری	پولس گزارشی درباره گناهان جنسی اصلاح‌نشده در کلیسای قرنتس دریافت کرده بود. مردم رفته‌رفته به بی‌بند و باری عادت کرده بودند. عده‌ای تصور غلطی از ازدواج داشتند. ما باید زندگی پاک‌ی داشته باشیم چون بدن ما باید در خدمت خدا باشد.	قرن‌تیان نمی‌بایست هیچگاه با عقاید و عادات گناه‌آلود سازش کنند. ما نباید همشکل مردم اطراف خود شویم، بلکه باید مطابق معیارهای اخلاقی خدا زندگی کنیم و هرگز نباید زیر بار رفتارهای غیراخلاقی برویم.
آزادی	پولس انجام دادن یا ندادن اعمالی را که در کتاب مقدس صراحتاً منع نشده‌اند، به عهده خود شخص می‌گذارد. برخی از ایمانداران فکر می‌کردند اعمال خاصی مثل خرید گوشت حیوانات که در مراسم عبادتی بت‌پرستها قربانی شده، گناه است. عده‌ای نیز خود را از شریعت آزاد می‌پنداشتند و انجام چنین اعمالی را گناه نمی‌دانستند.	ما در مسیح آزادیم، اما نباید با بی‌توجهی به دیگران و ناچیز شمردن آنان، از آزادی خود سوءاستفاده کنیم. ما هرگز نباید با رفتار و اعمال خود، دیگران را به انجام عملی نادرست ترغیب کنیم. بگذارید محبت راهنمای رفتار شما باشد.
عبادت	پولس مسأله بی‌نظمی به هنگام عبادت را عنوان می‌کند. مسیحیان قرنتس بدون اینکه ابتدا اعتراف به گناه کنند، در شام خداوند شرکت می‌کردند. ایشان از عطایای روحانی نابجا استفاده می‌کردند؛ درضمن، نقش زنان در کلیسا مشخص نبود.	پرستش باید به شکل مناسب انجام شود و با نظم همراه باشد. هر کاری که ما برای پرستش خداوند می‌کنیم، باید درخور مقام عالی او باشد. بطور قطع، عبادت باید موزون، مفید و باعث تقویت و تشویق ایمانداران باشد.
قیام	برخی از مسیحیان قرنتس زنده شدن مسیح را انکار می‌کردند. عده‌ای فکر می‌کردند که ایمانداران با بدن واقعی قیام نخواهند کرد. قیام مسیح به ما اطمینان می‌دهد که ما بعد از مرگ بدنی جدید و واقعی خواهیم داشت. امید قیامت از مردگان، سر اطمینان مسیحی را تشکیل می‌دهد.	از آنجا که ما پس از مرگ دوباره زنده خواهیم شد، زندگی ما بیهوده نیست. ما باید در اصول اخلاقی و در خدمت خود، به خدا وفادار بمانیم. ما الآن زندگی می‌کنیم با این علم که ابدیت را با مسیح سپری خواهیم کرد.

**الف - پولس به حل مشکلات کلیسا می‌پردازد (۱:۱ - ۶:۲۰)**  
 پولس از منابع مختلف، گزارشی درباره مشکلات کلیسای قرتنس دریافت کرده بود، مشکلاتی نظیر حسادت، شقاق، بی‌بند و باری جنسی، و بی‌انضباطی. کلیساهای امروز نیز باید به حل مشکلاتی که با آنها روبرو می‌شوند، بپردازند. با نگاهی دقیق بر نحوه برخورد پولس با چنین اوضاع و احوال حساسی، می‌توانیم مطالب بسیاری بیاموزیم.

از طرف من، «پولس»، که به خواست خدا انتخاب شده‌ام تا رسول عیسی مسیح باشم، و نیز از طرف برادر ما «سوستانیس»،

۱:۱  
 اعما ۱۷:۱۸  
 روم ۱:۱



مسیح موعظه کند. هر مسیحی وظیفه‌ای دارد که باید به آن عمل کند. ممکن است کار یکی چشمگیرتر از دیگری باشد، اما کار همه برای به انجام رساندن نقشه‌های عظیم‌تر خدا برای دنیا، ضروری است (۲:۳-۲۷). با بکار بردن عطایای خود در خدمت خدا، برای او مفید باشید. به محض اینکه در یافتید که خدا چه می‌خواهد، آماده خدمت شوید.

**۱:۱** شاید سوستانیس منشی پولس بوده و پولس نامه را برای او دیکته کرده است. احتمالاً او رهبر کنیسه یهود در قرتنس بود (اعمال ۱۷:۱۸) که طی حمله‌ای به پولس، مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود. اگر چنین باشد، او بعد از این واقعه ایمان آورده بود. سوستانیس نزد ایمانداران قرتنس، شخص شناخته‌شده‌ای بود؛ بنابراین، پولس نام آشنای او را در ابتدای نامه‌اش آورده است.

**۱:۱** وقتی پولس در اواسط سفر سوم بشارتی‌اش در افسس اقامت گزید (اعمال ۱۹:۱-۲۰)، این نامه را به کلیسای قرتنس نوشت. قرتنس و افسس در دو کناره متقابل دریای اژه، روبروی یکدیگر قرار داشتند. پولس کلیسای قرتنس را خوب می‌شناخت، چون طی سفر دوم بشارتی‌اش، ۱۸ ماه در قرتنس مانده بود (اعمال ۱:۱۸-۱۸). او در افسس بود که از مشکلات کلیسای قرتنس باخبر شد (۱۱:۱). تقریباً در این موقع، هیأتی به نمایندگی از کلیسای قرتنس به دیدار پولس آمد تا با او درباره شقاق بوجود آمده، مشورت کند (۱۶:۱۷). پولس این نامه را نوشت تا آنها را در حل مشکلاتشان کمک کند و به سؤالات اعضای کلیسا که در نامه خصوصی مطرح کرده بودند، پاسخ دهد (۷:۱).

**۱:۱** پولس را خدا بطور خاص برگزیده بود تا درباره عیسی

۲:۱ به شما کلیسای خدا در «قرنتس» که توسط خدا دعوت شده‌اید تا قوم مقدس او باشید. او شما را و نیز همه مسیحیان را که در هر جا به نام عیسی مسیح که خداوند ما و خداوند ایشان است دعا می‌کنند، توسط عیسی مسیح مقدس ساخته است.  
 ۳:۱ از درگاه پدرمان خدا، و خداوندمان عیسی مسیح، طالب رحمت و آرامش برای شما هستیم.

۲:۱ روم ۲۸:۸  
 روم ۱۳:۱۰ و ۱۲:۱۳  
 ۲ تیمو ۲:۲  
 ۳:۱ روم ۷:۱

## ۱- شقاق در کلیسا

### پولس خدا را سپاس می‌گوید

۴:۱ همواره خدا را برای وجود شما شکر می‌کنم بسبب فیضی که بخاطر مسیح به شما عطا فرموده. زیرا او زندگی شما را از هر نظر غنی ساخته و به شما توانایی بخشیده تا پیام انجیل را اعلام کنید و آن را نیز عمیقاً درک نمایید. آنچه ما درباره مسیح به شما گفتیم چنان در شما ریشه دوانید<sup>۷</sup> که شما توانستید از همه عطایای روحانی بهره‌مند گردید و اکنون نیز آماده و چشم‌براه بازگشت خداوند ما عیسی مسیح می‌باشید.

۴:۱ روم ۱۴:۱۵  
 قرن ۷:۸ ؛ ۱۱:۹  
 ۷:۱ روم ۲۳:۱۹-۸  
 فیل ۲:۰۳  
 ۲ پتر ۱۲:۳

از طریق کلامش شخصاً ما را دعوت کرده تا شهروندان ملکوت ابدی او باشیم. اما عیسی مسیح، پسر خدا، تنها کسی است که می‌تواند ما را وارد این ملکوت شکوهمند کند، چون او گناهان ما را بر می‌دارد. پذیرفتن دعوت خدا یعنی پذیرفتن پسرش عیسی مسیح، و ایمان به کاری که او بر روی صلیب برای بخشش گناهان ما کرد.

۳:۱ در دنیای پر از جار و جنجال و سردرگمی و فشارهای بی‌امان، مردم در آرزوی آرامش هستند. بسیاری از جستجو برای یافتن آرامش دست می‌کشند، چون فکر می‌کنند یافتن آرامش غیرممکن است، اما آرامش حقیقی قلب و فکر از طریق ایمان به عیسی مسیح میسر است.

۴:۱-۷ پولس سخنان تلخ و قاطعی برای گفتن داشت، اما نامه‌اش را با نکته مثبتی آغاز می‌کند. او تأکید می‌کند که ایشان عضو خانواده خدا هستند و از قدرت روح القدس در زندگی‌شان برخوردار می‌باشند؛ اینها امتیازات بزرگی به‌شمار می‌رود. اگر لازم باشد دیگران را اصلاح کنیم، باید با پذیرش و تأیید کاری که خدا تابحال در آنها انجام داده است، شروع کنیم.

۷:۱ اعضای کلیسای قرنتس تمامی عطایای روحانی را که برای زندگی مسیحی و شاهد بودن برای مسیح، و ایستادگی در برابر بت‌پرستی و بی‌بند و باری‌های موجود در قرنتس لازم بود، داشتند. اما بجای اینکه از این عطایا استفاده کنند، بر سر این موضوع که کدام عطایا مهم‌تر هستند، مجادله می‌کردند. پولس در فصل‌های ۱۲ تا ۱۴ مفصلاً به این موضوع می‌پردازد.

۷:۱-۹ ایمانداران قرنتس یقین می‌دانستند که به هنگام

۲:۱ در قرنتس آمیزه حیرت‌انگیزی از مذاهب، تفکرات و معیارهای اخلاقی بسیار گوناگون به چشم می‌خورد. قرنتس بخاطر خودکفایی و بخاطر فساد اخلاقی‌اش معروف بود. رومیها شهر قرنتس را در سال ۱۴۶ ق.م. بعد از یک شورش، ویران ساختند، اما در سال ۴۶ ق.م. امپراتور روم، ژولیوس سزار آن را بخاطر موقعیت سوق‌الجیشی و دریایی‌اش مجدداً بنا کرد. در زمان پولس (۵۰ م.)، رومیها قرنتس را مرکز ایالت اخائیه قرار داده بودند (یونان امروزی). قرنتس شهر بزرگی بود که از طریق معاملات بازرگانی و هم‌میتور بخاطر مرزهای امن نظامی، منفعت زیادی به روم می‌رسانید. اما رفاه حاکم بر شهر، موجب شده بود که این شهر مستعد هر نوع فسادی شود. بت‌پرستی رونق داشت و بیش از دوازده بت‌کده وجود داشت که حداقل هزار روسپی در آن به روسپیگری مذهبی مشغول بودند. در شهرهای دیگر روسپی‌ها را «دختران قرنتسی» می‌نامیدند.

۲:۱ پولس با ادای احترام به «همه مسیحیان در هر جا» مشخص می‌کند که این نامه خصوصی نیست. اگرچه در این نامه به مسائل خاصی که کلیسای قرنتس با آن روبرو بود، می‌پردازد، اما همه ایمانداران می‌توانستند درسهایی از آن بگیرند. ایمانداران کلیسای قرنتس از طبقات اجتماعی متفاوتی بودند - از جمله تاجران ثروتمند، کارگران معمولی، روسپی‌های سابق معبد، خانواده‌های متوسط. بخاطر گوناگونی زیاد در بین اعضا و اختلاف در زندگی پیشین آنها، پولس در نامه‌اش تأکید زیادی بر روی اتحاد می‌کند.

۲:۱ دعوت شخصی از کسی باعث می‌شود که فرد مخاطب احساس کند که مقبول و مورد پذیرش است. خدا

<sup>۸</sup> خدا نیز ایمان شما را تا روز بازگشت مسیح استوار نگاه خواهد داشت، تا در آن روز از هر گناه و خطایی، میرا و آزاد محسوب شوید. <sup>۹</sup> ما یقین می‌دانیم که خدا این کار را برای ما بعمل خواهد آورد، زیرا او در انجام وعده‌های خود امین و وفادار است. او همان خدایی است که شما را دعوت نموده تا با فرزندش عیسی مسیح، خداوند ما، دوستی و اتحاد روحانی داشته باشید.

۸:۱  
فیل ۶:۱  
۱ تسالو ۵:۲۳  
۲ تسالو ۳:۳  
۹:۱  
۱ یو ۳:۱

### پولس خواستار یکدلی می‌شود

<sup>۱۰</sup> اما ای برادران عزیز، به نام خداوند ما عیسی مسیح به شما التماس می‌کنم که از بحث و جدل دست برداشته، بکوشید با یکدیگر یکدل و یکزبان باشید تا در میان شما جدایی و شکاف پیش نیاید. خواهش می‌کنم که در فکر و هدف متحد باشید. <sup>۱۱</sup> زیرا ای برادران عزیز، چند تن از وابستگان خانواده «خلویی» به من خبر دادند که در میان شما بحث و جدل و تفرقه وجود دارد. <sup>۱۲</sup> به این ترتیب که بعضی از شما می‌گویند پیرو پولس هستند، و بعضی دیگر می‌گویند که طرفدار

۱۰:۱  
روم ۱۶:۱۲  
اقرن ۱:۱۸  
فیل ۲۷:۱

۱۲:۱  
۱ یو ۴:۱  
اعمال ۲۴:۱۸  
اقرن ۴:۳

فکر کنند. داشتن نظرات متفاوت به معنی تفرقه و جدایی نیست. ممکن است در یک گروه در مورد همه مسائل اتفاق نظر وجود نداشته باشد، اما اعضای آن گروه می‌توانند با یکدلی با هم کار کنند، بشرط آنکه در خصوص موضوعات مهم، نظیر خداوندی مسیح، توافق داشته باشند. در کلیسای خود طوری سخن بگویید و عمل کنید که بحث و جدل‌ها کاهش یابد و همدلی اضافه شود. اختلافات جزئی نباید هرگز باعث تفرقه بین مسیحیان شود.

**۱۲:۱** در این کلیسای بزرگ که اعضای آن با یکدیگر تفاوت بسیار داشتند، هر ایماندارى طرفدار یکی از واعظین شده بود. از آنجا که هنوز هیچ کتابی از عهدجدید نوشته نشده بود، ایمانداران برای دریافت درک روحانی از مفهوم عهدعتیق، شدیداً به موعظه و تعلیم نیاز داشتند. برخی از پولس، بنیانگذار کلیسایشان طرفدارى می‌کردند؛ برخی که موعظه پطرس را در اورشلیم شنیده بودند، از او جانب‌دارى می‌کردند؛ اما دیگران فقط به اپلس، واعظی مشهور با بیانی فصیح، که فعالانه در قرتس خدمت کرده بود، گوش فرا می‌دادند (اعمال ۴:۱۸؛ ۱:۱۹). اگرچه این سه واعظ پیامی واحد داشتند، اما شخصیت‌های آنان مردم را جذب خود کرده بود. و حالا کلیسا در خطر تفرقه قرار داشت. پولس ده بار در ده آیه، نام عیسی مسیح را ذکر می‌کند تا آنچه را که تمام واعظین و معلمین باید به آن توجه داشته باشند، روشن سازد. پیام مهم‌تر از پیام‌آور است.

**۱۳و۱۲:۱** بحث و جدل‌های قرتیان «مسیح را تکه‌تکه می‌کرد»؛ این تصویری است گویا از اتفاقی که به هنگام

بازگشت مسیح، ایشان بی‌گناه محسوب خواهند شد (مراجعه کنید به افسسیان ۷:۱-۱۰). این بخاطر عطایای بزرگ روحانی‌شان (۴:۱) یا کارهای بزرگشان نبود، بلکه در اثر کاری بود که عیسی مسیح بوسیله مرگ و قیامش انجام داده بود (مراجعه کنید به کولسیان ۲:۱۵). خدا می‌فرماید که او همه کسانی را که کلامش را اطاعت می‌کنند، به هنگام بازگشت مسیح عادل و بی‌گناه محسوب خواهد داشت (۱ تسالونیکیان ۳:۱۳؛ عبرانیان ۹:۲۸). اگر شما به مسیح ایمان دارید، نجات را *داریه* و آن را *خواهید داشت*. **۱۰:۱** پولس کلیسای قرتس را طی سفر دوم بشارتی‌اش بنیاد نهاد. ۱۸ ماه پس از اینکه پولس شهر را ترک گفت، کلیسا کم‌کم تحت نفوذ شیوه زندگی فاسد شهر قرار گرفت. پولس این نامه را نوشت تا آنان را تشویق کند که بی‌درنگ اعمال خود را اصلاح کنند، و درباره نیک و بد دچار تردید نباشند و فساد را از خود دور سازند. قرتیان به داشتن سرگرمی‌های مختلف و تنوع‌طلبی مشهور بودند؛ پولس از آنها می‌خواهد که مسیحیت را در حد یک سرگرمی دیگر تنزل ندهند.

**۱۰:۱** پولس با به کار بردن لفظ «برادران»، همه ایمانداران را چه مرد و چه زن مخاطب قرار می‌دهد. هر یک از مسیحیان قسمتی از خانواده خدا هستند و اتحادی را تشکیل می‌دهند که حتی محکم‌تر از اتحاد برادران و خواهران جسمانی است.

**۱۱و۱۰:۱** همدلی در خانواده، در دوستی، و در کار، زیباست. اما همدلی الزاماً به این معنی نیست که همه مثل هم

«اپلس» و یا «پطرس» می‌باشند؛ و عده‌ای نیز ادعا می‌کنند که فقط خودشان پیروان واقعی مسیح هستند.<sup>۱۳</sup> شما با این کار، در واقع مسیح را تکه تکه می‌کنید. آیا این پولس بود که برای آمرزش گناهان شما مصلوب شد؟ آیا کسی از شما به نام پولس تعمید گرفته است؟<sup>۱۴</sup> خدا را شکر می‌کنم که بغیر از «کریسپوس» و «گایوس»، کسی دیگر را تعمید ندادم!<sup>۱۵</sup> بنابراین، کسی نمی‌تواند بگوید که من قصد داشته‌ام گروه جدیدی به نام «کلیسای پولس» تشکیل دهم.<sup>۱۶</sup> البته خانواده «استیفان» را نیز تعمید داده‌ام. ولی دیگر بیاد ندارم کسی را به غیر از اینان تعمید داده باشم.<sup>۱۷</sup> زیرا مسیح مرا نفرستاده تا مردم را تعمید دهم، بلکه تا پیغام انجیل را اعلام کنم. حتی موعظه‌هایم نیز چندان گیرا بنظر نمی‌رسد، زیرا کلمات زیبا و فلسفی بکار نمی‌برم، مبادا از تأثیر نیرومندی که در پیام ساده صلیب مسیح وجود دارد، بکاهم.

### مسیح حیات ابدی می‌دهد

<sup>۱۸</sup> من بخوبی می‌دانم که برای آنانی که بسوی هلاکت می‌روند، چقدر احمقانه بنظر می‌رسد وقتی می‌شنوند که عیسی مسیح بر روی صلیب جان خود را فدا

بروز شقاق در کلیسا (بدن مسیح) روی می‌دهد. با وجود فرصت‌های زیادی که امروز برای پرستش پیش می‌آید، ما هم ممکن است در این بازی کودکانه گرفتار شویم که «واعظ ما بهتر از واعظ شماست!» اما این باعث می‌شود که کلیسا، یعنی بدن مسیح تقسیم شود. معلمین کلام خدا نباید بکوشند که صرفاً شهرت خود را زیاد کنند و خود را جلال دهند، بلکه باید به مؤمنین کمک کنند تا چیزهای بیشتری درباره مسیح فرا گیرند.

**۱۷:۱** وقتی پولس می‌گوید که مسیح او را نفرستاد تا تعمید دهد، منظورش کم‌ارزش جلوه دادن تعمید نیست. خود عیسی مسیح تعمید را مقرر فرمود (متی ۱۹:۲۸) و کلیسای اولیه به آن عمل می‌کرد (اعمال ۴:۲). پولس بر این نکته تأکید داشت که به تنهایی قادر به انجام همه کارها نیست؛ او احتیاج داشت که دیگران با عطایای مختلف خود او را یاری دهند. عطای پولس وعظ کردن بود، و این همان کاری بود که انجام می‌داد.

این الگویی است برای ما. خدمت مسیحی باید به شکل سعی و تلاشی گروهی باشد؛ هیچ واعظ یا معلمی نمی‌تواند رابط کامل بین خدا و مردم باشد، و هیچ‌کس نباید تصور کند که به تنهایی می‌تواند همه کارهایی را که رسولان می‌کردند، انجام دهد. ما باید به وظیفه‌ای که خدا بر عهده ما گذاشته است، راضی باشیم.

**۱۷:۱** برخی از سخنرانان خیلی پرحرارت سخن

می‌گویند، اما پیامشان محتوایی ندارد. پولس می‌خواهد آنها را مطمئن سازد که پیامش محتوایی مهم دارد و در عمل برای شنوندگان مفید واقع می‌شود. او می‌خواهد که آنها تحت تأثیر پیام او قرار بگیرند نه سبک گفتار او (رجوع کنید به ۱:۲-۵). برای اینکه پیام انجیل مؤثر واقع شود، لزومی ندارد که سخنران بزرگی باشید و کلمات دشوار بکار ببرید. قدرت لازم برای متقاعد کردن دیگران در خود داستان نهفته است نه در داستان‌سرا. پولس علیه کسانی سخن نمی‌گفت که گفتار خود را با دقت از پیش آماده می‌کردند (مراجعه کنید به ۲:۶-۹)، بلکه علیه آنانی سخن می‌گفت که سعی می‌کردند دیگران را تنها با دانش یا مهارت سخنوری خود، تحت تأثیر قرار دهند.

**۱۸:۱-۲۵** پیامی که مرگ مسیح برای گناهان بشر دارد، برای کسانی که به آن ایمان ندارند، احمقانه بنظر می‌رسد. بعضی گمان می‌کنند که مرگ، انتهای راه و نهایت ضعف است. اما عیسی برای همیشه نمرد. قیام او قدرت او را حتی بر مرگ نشان می‌دهد، و اگر ما او را بعنوان منجی و خداوند بپذیریم، او ما را از مرگ ابدی نجات خواهد داد و حیات ابدی را به ما ارزانی خواهد داشت. این واقعیت بقدری ساده بنظر می‌رسد که بسیاری از مردم آن را نمی‌پذیرند. آنها راههای دیگری را برای بدست آوردن حیات ابدی امتحان می‌کنند (نیوکوکاری، فلسفه و غیره). اما تلاش آنها به جایی نخواهد رسید.

۱۳:۱

اعما ۳۸:۲

افس ۵:۴

۱۴:۱

اعما ۸:۱۸

روم ۲۳:۱۶

۱۶:۱

اقرن ۱۵:۱۶

۱۷:۱

اعما ۱۷:۲۶

اقرن ۱۰:۱۰، ۱۱:۱۶

۱۸:۱

اعما ۱۸:۱۷

روم ۱۶:۱

اقرن ۱۴:۲

اقرن ۱۶:۵، ۱۷:۱۶

کرد تا انسان را نجات بخشد. اما برای ما که در راه نجات پیش می‌رویم، این پیغام نشانه قدرت خداست.<sup>۱۹</sup> زیرا خدا فرموده است: «تمام نقشه‌هایی را که انسان برای رسیدن به خدا طرح می‌کند، هر قدر هم که حکیمانه جلوه کند، باطل خواهیم ساخت و فکر و نبوغ خردمندان را نابود خواهیم کرد.»

<sup>۲۰</sup> پس کجایند این خردمندان و علمای دین و فلاسفه که درباره مسایل عمیق دنیا به بحث می‌پردازند؟ خدا ایشان را جاهل ساخته و نشان داده است که عقل و حکمت آنان پوچ و باطل است.<sup>۲۱</sup> زیرا خدای حکیم صلاح ندانست که انسان با منطق و حکمت خود او را بشناسد. بلکه او خود به میان ما آمد و همه آنان را که به پیام او ایمان آوردند نجات بخشید، یعنی همان پیامی که مردم دنیا، چه یهودی و چه غیریهودی، آن را بی‌معنی و پوچ می‌دانند.<sup>۲۲</sup> زیرا یهودیان خواستار آنند که پیامان را با معجزه‌های ثابت کنیم، و یونانیان نیز فقط مسایلی را می‌پذیرند که با فلسفه و حکمتشان منطبق باشد.<sup>۲۳</sup> اما پیام ما اینست که مسیح برای نجات انسان مصلوب شد و مرد؛ و این پیام برای یهودیان توهین‌آمیز است و برای یونانیان پوچ و بی‌معنی.<sup>۲۴</sup> اما آنان که از جانب خدا برای دریافت نجات دعوت شده‌اند، چه یهودی و چه یونانی، خدا چشمانشان را گشوده تا ببینند که مسیح قدرت عظیم خدا و نقشه حکیمانه اوست برای نجات ایشان.<sup>۲۵</sup> این نقشه نجات خدا که در نظر بعضی پوچ و بی‌معنی است، بسی حکیمانه‌تر است از نقشه‌های حکیمانه‌داناترین مردم؛ و این پیام انجیل یعنی نجات بوسیله مرگ مسیح بر روی صلیب که در نظر برخی نشانه ضعف خداست، بسیار نیرومندتر از تمام قدرتهای بشری است.

<sup>۲۶</sup> برادران عزیز، اگر به خود که برای پیروی از مسیح دعوت شده‌اید نگاه کنید، پی خواهید برد که اکثر شما از نظر دنیوی حکیم و قدرتمند و ثروتمند نیستید.

۱۹:۱  
اش ۱۴:۲۹

۲۰:۱  
ایو ۱۷:۱۲  
اش ۲۵:۴۴  
اقرن ۶:۲  
۲۱:۱  
لو ۲۱:۱۰

۲۲:۱  
متی ۳۸:۱۲  
لو ۱۶:۱۱

۲۳:۱  
اش ۱۵و۱۴:۸  
متی ۶:۱۱

۲۴:۱  
روم ۴:۱

۲۵:۱  
اقرن ۷:۴ ؛ ۴:۱۳

۲۶:۱  
متی ۲۵:۱۱  
یو ۴۸:۷  
اقرن ۸:۲

اعدامی چطور می‌توانست نجات دهنده باشد؟ یونانی‌ها نیز انجیل را بی‌معنی و پوچ می‌دانستند: آنها به زنده شدن بدن در روز قیامت ایمان نداشتند؛ آنها قدرت‌های خدایان افسانه‌ای خود را در عیسی نمی‌دیدند؛ طبق تصور و رسم آنان، هیچ فرد محترم و خوش‌نامی مصلوب نمی‌شد. از دید آنها مرگ شکست بود، نه پیروزی.

هنوز هم انجیل عیسی مسیح برای بسیاری احمقانه بنظر می‌رسد. اجتماع ما قدرت، شهرت و ثروت را می‌پرستد. عیسی بعنوان یک خادم فقیر و فروتن به جهان آمد، و ملکوت خود را به کسانی می‌دهد که نه با اعمال، بلکه با ایمان آن را می‌پذیرند. دنیا آن را پس‌رفت و عقب‌افتادگی تلقی می‌کند، اما این راهی است که خدا برای نجات ما مقرر فرموده است.

مردمان به‌ظاهر «حقیقی» که به‌سادگی هدیه مسیح را می‌پذیرند، در عمل حکیم‌ترین همه هستند چون آنها با خدا تا ابد زندگی خواهند کرد.

<sup>۱۹:۱</sup> در این آیه پولس گفته اشعیا در ۱۴:۱۹ را خلاصه می‌کند تا بر نکته‌ای که اغلب عیسی طی خدمتش بر روی زمین به آن اشاره می‌کرد، تأکید بگذارد. طریق خدا، طریق دنیا نیست، اما خدا حیات ابدی را می‌بخشد درحالی که دنیا نمی‌تواند این کار را بکند.

<sup>۲۲:۱</sup> بسیاری از یهودیان انجیل عیسی مسیح را پیامی احمقانه می‌پنداشتند چون فکر می‌کردند مسیح موعود می‌بایست پادشاهی فاتح باشد، نه خادمی رنجبر. عیسی پادشاهی داود را طبق انتظار یهودیان بر قرار نساخت. علاوه بر این، او بعنوان یک مجرم اعدام شد، و یک مجرم



۲۷:۱ در عوض، خدا عمداً اشخاصی را برگزیده، که مانند شما در نظر مردم دنیا، نادان و  
مز ۲۸:۱  
ضعیف هستند، تا از این راه آنانی را که دانا و قدرتمند به حساب می آیند، شرمگین  
۲۸:۱ سازد. <sup>۲۸</sup> خدا افرادی را انتخاب کرده که طبق معیارهای دنیا از طبقات پایین و  
ایو ۱۹:۳۴  
مطرود جامعه هستند. بلی، خدا همان کسانی را برگزیده که دنیا ایشان را هیچ  
روم ۱۷:۴  
می انگارد، تا نشان دهد آنانی که مهم و بزرگ بنظر می آیند، هیچ هستند؛ <sup>۲۹</sup> و به این  
اقرن ۶:۲  
ترتیب هیچکس در هیچ جا، نتواند در برابر خدا فخر فروشی کند.  
۲۹:۱  
<sup>۳۰</sup> این خدا بود که شما را به مسیح عیسی پیوند داد و هم او بود که باعث شد  
افس ۱۰-۸:۲  
مسیح حکمت ما شود و با فدا ساختن جان خود ما را پاک سازد و مقبول خدا  
روم ۴:۳ ۴:۳ ۸:۱  
گرداند. <sup>۳۱</sup> کتاب آسمانی نیز همین را می فرماید: «اگر کسی می خواهد به  
۲۱:۵  
چیزی افتخار کند، به کاری که خداوند انجام داده است، افتخار کند.»  
افس ۷:۱  
۳۱:۱  
ار ۲۴ و ۲۳:۹  
قرن ۱۷:۱۰

### روح القدس حکمت می بخشد

۲ برادران عزیز، حتی نخستین بار که به نزد شما آمدم، وقتی پیام خدا را  
۱:۲  
برای شما اعلام می کردم از کلمات مشکل ادبی و افکار فلسفی استفاده  
اقرن ۱۷:۱

بخاطر کاری که مسیح برای ما کرده است، ملاحظه یکدیگر را نکنیم.  
جایی برای غرور وجود ندارد و کسی نباید فکر کند که همه چیز را  
می داند. ما باید فکر مسیح را داشته باشیم.

شام آخر زمان تعمق به آخرین سخنانی است که مسیح قبل از تسلیم  
شدن، به شاگردان فرمود. ما باید آن را بطور صحیح و منظم برگزار کنیم.  
محبت باید راهنمای ما در تمامی کارهایمان باشد. ما عطایا، توانایی ها،  
علاقه مندی ها و بی علاقهگی های متفاوتی داریم - اما ما همه بدون استثنا  
دعوت شده ایم تا محبت کنیم.

مسیح که برای ما مرد، به ما وعده داده است که همانگونه که او از مرگ  
به حیات منتقل شد، بدن فانی ما نیز به بدنی آسمانی متبدل خواهد شد. از  
آن به بعد، با او زندگی و سلطنت خواهیم کرد.

معنای صلیب  
۱۸:۱ - ۱۶:۲

تشریح شام آخر  
۲۳:۱۱ - ۲۹

ترانه محبت  
۱۳-۱:۱۳

سرنوشت مسیحیان  
۴۲:۱۵ - ۵۸

موضوعات برجسته  
در اول قرتیان

انجام داده است؛ ما کار او را با قدرانی می پذیریم؛ ما مقام  
خداوندی او را می پذیریم.

۱:۲ پولس به اولین دیدار خود از قرتس (۵۱ م.) اشاره  
می کند، یعنی زمانی که کلیسا را در آن شهر طی سفر دوم  
بشارتی اش بنیاد نهاد (اعمال ۱:۱۸).

۱:۲-۵ پولس که مرد فاضلی بود، می توانست شنوندگان  
را با بحث و جدل های انسانی و سخنان قانع کننده مجذوب  
خود کند، اما بجای آن، پیام ساده انجیل عیسی مسیح را با  
هدایت روح القدس بر زبان می آورد. وقتی انجیل را به  
دیگران می رسانیم، باید از پولس نمونه بگیریم و مراقب  
باشیم که پیاممان ساده باشد. روح القدس به پیام ما قدرت

۲۸-۳۱ پولس مجدداً بر این موضوع تأکید دارد که راه  
دریافت نجات بقدری ساده و معمولی است که هرکس که  
بخواهد، می تواند آن را درک کند. استعدادها و تواناییهاتان  
شما را وارد ملکوت خدا نمی کند؛ شرط ورود به ملکوت خدا  
فقط ایمانی ساده است. خدا چنین مقدر فرمود تا کسی نتواند  
فخر بفروشد که تواناییها و قابلیت هایش، او را در بدست  
آوردن حیات ابدی کمک کرده است. نجات تنها از طریق  
مرگ مسیح میسر است، که به موجب آن ما در نظر خدا  
بی گناه محسوب می شویم. ما هیچ کاری برای مقبول شدن در  
حضور خدا نمی توانیم انجام بدهیم؛ ما فقط باید کاری را که  
مسیح برای ما کرده است بپذیریم. آنچه را که لازم بود، او

نکردم، زیرا قصد داشتم فقط و فقط درباره عیسی مسیح و مرگ او بر صلیب سخن بگویم.<sup>۳</sup> بنابراین، با ضعف و ترس و لرز بسیار نزد شما آمدم. پیام و سخنانم نیز بسیار ساده و خالی از حکمت انسانی بود، اما قدرت روح خدا در آن دیده می‌شد و ثابت می‌کرد که پیام من از جانب خداست.<sup>۵</sup> من عمداً چنین کردم، تا پایه ایمان شما بر قدرت خدا باشد، نه بر حکمت انسان.

با اینحال، وقتی در میان مسیحیان با تجربه هستم، در سخنانم از حکمت و فلسفه استفاده می‌کنم، اما نه از حکمت و فلسفه‌ای که مورد پسند دنیا و بزرگان آنست، بزرگانی که محکوم به نابودی‌اند.<sup>۷</sup> سخنان ما حکیمانه است، زیرا از جانب خدا و درباره نقشه حکیمانه اوست، نقشه‌ای که هدفش رساندن ما به حضور پر جلال خداست. اگر چه خدا این نقشه را پیش از آفرینش جهان برای نجات ما طرح کرده بود، اما در گذشته آن را بر هیچکس آشکار نساخته بود. حتی بزرگان این دنیا نیز آن را درک نکردند، زیرا اگر درک می‌کردند، «خداوند جلال» را به صلیب نمی‌کشیدند.

کتاب آسمانی نیز در این مورد می‌فرماید که خدا برای دوستداران خود، چیزهایی تدارک دیده است که هیچ انسانی هرگز ندیده، نشنیده و به فکرش نیز خطور نکرده است.<sup>۱۰</sup> اما خدا این امور را توسط روح خود بر ما آشکار ساخته است، زیرا روح خدا از عمیق‌ترین اسرار خدا آگاهی دارد و آنها را بر ما آشکار

۲:۲  
غلا ۱۴:۶  
فیلی ۸:۳  
۳:۲  
۱ قرن ۱۰:۱  
غلا ۱۳:۴  
۴:۲  
۱ قرن ۲۰:۴  
۵:۲  
۱ قرن ۷:۴ ؛ ۷:۶  
۶:۲  
افس ۱۳:۴  
عبر ۱۴:۵  
۷:۲  
روم ۲۵:۱۶ ؛ ۲۹:۸  
افس ۵-۳:۳

۸:۲  
اعما ۲۷:۱۳

۹:۲  
اش ۱۷:۶۵ ؛ ۴:۶۴  
۱۰:۲  
متی ۱۷:۱۶ ؛ ۲۵:۱۱  
یو ۲۶:۱۴ ؛ ۲۶:۱۵ ؛  
۱۵-۱۳:۱۶  
۱ یو ۲۷:۲

رارد کردند و به مقام او پی نبردند. او را رهبرانی مثل کاهن اعظم، هیرودیس پادشاه، پلاطوس و فریسیان و صدوقیان در فلسطین، به مرگ محکوم کردند. طرد شدن عیسی بوسیله این رهبران در اشعیا ۵۳:۳؛ و زکریا ۱۰:۱۲؛ و ۱۱، پیشگویی شده بود.

۹:۲ ما نمی‌توانیم تمام آنچه را که خدا برای ما، هم در این دنیا و هم در ابدیت، اندوخته است، درک کنیم. او آسمانی جدید و زمینی جدید را خواهد آفرید (اشعیا ۶۵:۱۷؛ مکاشفه ۲۱:۱)، و ما تا ابد با او زندگی خواهیم کرد. تا آن زمان، روح‌القدس ما را تسلی می‌دهد و هدایت می‌کند. آگاهی از آینده‌ای که در انتظار ما است، به ما امید می‌دهد و ما را تشویق می‌کند تا با عزمی راسخ زندگی کنونی را پشت سر بگذاریم، سختی‌ها را تحمل کنیم و تسلیم و سوسه‌ها نشویم. همه چیز در این دنیا خلاصه نمی‌شود.

۱۰:۲ این اسرار شامل قیام مسیح و نقشه نجات خدا است که تنها برای کسانی آشکار می‌شود که ایمان دارند هرچه خدا می‌گوید حقیقت است. کسانی که به قیام مسیح ایمان دارند و به مسیح توکل می‌کنند، تمام چیزهایی را که

خواهد بخشید و از آن برای جلال نام عیسی استفاده خواهد کرد.

۴:۲ اطمینان پولس بخاطر حکمت او و توانایی او در سخنوری نبود، بلکه بخاطر علم او به این حقیقت بود که روح‌القدس او را کمک و هدایت می‌کند. پولس اهمیت مطالعه و آمادگی قبلی برای موعظه را پایین نمی‌آورد بخصوص که خودش تحصیلات جامعی در علم کتاب‌مقدس داشت. موعظه مؤثر باید ترکیبی از مطالعه قبلی و کار روح‌القدس باشد.

۷:۲ «نقشه حکیمانه» خدا، بخشش نجات به همه مردم بود. این نقشه در ابتدا برای بشر نامعلوم بود، اما با قیام مسیح از مردگان کاملاً آشکار شد. قیام مسیح ثابت کرد که او بر مرگ و گناه قدرت دارد و می‌تواند این قدرت را به ما نیز ببخشد (برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه نقشه خدا، مراجعه کنید به اپتوس ۱۰:۱ و ۱۱ و توضیحات مربوط به رومیان ۱۶:۲۵-۲۷). با این حال نقشه خدا برای بی‌ایمانان مخفی است چون یا آن را نمی‌پذیرند و نادیده می‌گیرند، یا چیزی درباره آن نشنیده‌اند.

۸:۲ کسانی که در نظر دنیا بزرگ و حکیم بودند، عیسی

می‌سازد. <sup>۱۱</sup>هیچکس نمی‌تواند بداند که در باطن شخصی دیگر چه می‌گذرد، مگر خود آن شخص. به همین ترتیب، هیچکس نمی‌تواند افکار و نقشه‌های خدا را درک کند، مگر روح خدا. <sup>۱۲</sup>خدا در واقع روح خود را به همین منظور به ما عطا فرموده است تا توسط او بر ما آشکار کند که چه هدایای پرشکوهی از لطف و برکت خود، نصیب ما ساخته است. بدیهی است روحی که ما یافته‌ایم، با روح این دنیا تفاوت دارد. <sup>۱۳</sup>به هنگام گفتگو درباره این هدایا نیز از کلماتی که بعنوان یک انسان می‌توانیم بکار ببریم، استفاده نمی‌کنیم، بلکه عیناً همان کلماتی را بکار می‌بریم که روح خدا به ما الهام می‌کند. به این ترتیب، حقایق روح‌القدس را با کلمات روح‌القدس بیان می‌نماییم. <sup>۱۴</sup>اما شخص بی‌ایمان قادر نیست افکار و اسرار خدا را که روح‌القدس به ما می‌آموزد، درک کند و بپذیرد. این امور به نظر او پوچ و بی‌معنی می‌آیند، زیرا فقط آنانی که روح خدا در وجودشان قرار دارد، می‌توانند مقصود او را درک کنند؛ اما سایرین قادر نیستند این مطالب را بفهمند. <sup>۱۵</sup>شخص روحانی هر چیز را تشخیص می‌دهد و درک می‌کند و همین امر موجب تعجب و ناراحتی مردم دنیا می‌گردد، مردمی که هرگز نمی‌توانند او را درک کنند. <sup>۱۶</sup>چگونه ممکن است که بتوانند او را درک کنند؟ آنها هرگز سعی نکرده‌اند افکار و مشیت خدا را درک کنند، یا با او سخن بگویند و راز و نیاز کنند، ولی ما مسیحیان دارای فکر مسیح می‌باشیم و افکار او را درک می‌کنیم.

۱۱:۲

امت ۲۷:۲۰

ار ۹:۱۷

روم ۳۳:۱۱

۱۲:۲

روم ۱۵:۸

اقرن ۲۷:۱

۱۳:۲

متی ۲۳:۱۶

روم ۵:۸

۲ پط ۲۰:۱ و ۲۱

۱۴:۲

یو ۱۷:۱۴

یهو ۱۹

۱۵:۲

امت ۵:۲۸

۱۶:۲

مز ۱۴:۲۵

یو ۱۵:۱۵

روم ۳۴:۱۱

در ایمانداران را درک کنند. از بیشتر مردم این انتظار را نداشته باشید که تصمیم شما در پیروی از مسیح را بفهمند و بپذیرند. همه اینها از نظر آنها پوچ و بی‌معنی است.

**۱۶ و ۱۵:۲** هیچ‌کس با سعی و تلاش انسانی نمی‌تواند خدا را درک کند (رومیان ۱:۱۱:۳۴)، اما بواسطه روح‌القدس بسیاری از افکار خدا برای ما آشکار شده است. ایمانداران اشخاص روحانی هستند که پی به عمق بعضی از نقشه‌ها، افکار، و اعمال خدا می‌برند. بواسطه روح‌القدس ما می‌توانیم افکار خدا را درک کنیم، درباره آنها با او سخن بگوئیم، و در دعاها ایمان منتظر جواب باشیم. آیا شما وقت کافی با مسیح صرف می‌کنید تا فکر او را داشته باشید؟ رابطه صمیمی با مسیح تنها با صرف وقت دائمی در حضور او و در کلام او بوجود می‌آید. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره فکر مسیح، فیلمی ۵:۲ را بخوانید.

برای نجات یافتن لازم است، خواهند دانست. اما این دانش و آگاهی را حتی حکیم‌ترین انسانها نیز در نخواهند یافت مگر اینکه پیام خدا را بپذیرند. تمامی کسانی که پیام خدا را رد می‌کنند، نادانند حتی اگر تمام دنیا آنها را حکیم بدانند.

**۱۳:۲** سخنان پولس از اقتدار برخوردار بود چون از روح‌القدس سرچشمه می‌گرفت. هر ایمانداري بخاطر کشفی که روح‌القدس می‌دهد، توانایی تفسیر کلام را دارد. اما پولس منحصرأ با الهام مستقیم روح‌القدس نامه را می‌نوشت. کلمات او، عین کلام خداست.

**۱۵ و ۱۴:۲** مانند شخصی که نمی‌تواند نت‌های موسیقی را بدرستی از هم تشخیص دهد و ارزش موسیقی زیبا را نمی‌داند، کسی هم که خدا را رد می‌کند، نمی‌تواند پیام زیبای خدا را درک کند. ارتباط قطع شده است، و او قادر به شنیدن کلام خدا نیست.

**۱۴:۲** غیرمسیحیان نمی‌توانند خدا و سکونت روح‌القدس

### پولس شقاق در کلیسا را نکوهش می‌کند

۳ برادران عزیز، من تابحال نتوانسته‌ام با شما همچون افراد بالغ سخن بگویم، زیرا شما روحانی نیستید بلکه جسمانی، و هنوز در مسیح رشد نکرده‌اید.<sup>۲</sup> مجبور شدم بجای غذای سنگین، به شما شیر بدهم، زیرا قادر به هضم آن نبودید. حتی حالا نیز باید به شما شیر داد.<sup>۳</sup> زیرا هنوز که هنوز است، طفل هستید و اختیار زندگی تان در دست امیال و خواسته‌هایتان می‌باشد نه در دست خدا. شما به یکدیگر حسادت می‌ورزید و در میانتان دو دستگی و خصومت وجود دارد. آیا این نشان نمی‌دهد که هنوز طفل هستید و در پی انجام خواسته‌های خود می‌باشید؟ شما طوری رفتار می‌کنید که گویی خدا در زندگی شما هیچ نقشی ندارد. <sup>۴</sup> بعنوان مثال، هم اکنون مشاجره شما بر سر این است که آیا «پولس» بزرگتر است یا «آپلُس»، و به این ترتیب باعث تفرقه در کلیسا می‌شوید. آیا همین امر نشان نمی‌دهد که در زندگی روحانی، چقدر کم رشد کرده‌اید؟

<sup>۵</sup> من کیستم، و یا اپلس کیست که بخاطر ما بحث و جدل می‌کنید؟ از این کار شما تعجب می‌کنم. زیرا ما فقط خدمتگزاران خدا هستیم و هر یک عطا و خدمت خاصی داریم، و شما به کمک ما، به مسیح ایمان آورده‌اید. <sup>۶</sup> خدمت من این بود که بذر کلام خدا را در قلبهای شما بکارم، و خدمت اپلس این بود که آن را آبیاری کند. اما این خدا بود که باعث رشد آن در قلبهای شما گردید. <sup>۷</sup> مهم نیست که چه کسی می‌کارد، یا چه کسی آبیاری می‌کند. مهم، کار خداست که سبب رشد می‌شود. <sup>۸</sup> بین من و اپلس فرقی نیست و هر یک برای زحمتی که کشیده‌ایم، پاداش خواهیم گرفت. <sup>۹</sup> ما فقط همکاران خدا هستیم؛ و شما مزرعه خدا هستید، نه مزرعه ما؛ شما عمارت خدا هستید، نه عمارت ما.

۱:۳

غلا ۶:۱

افس ۴:۱۴

۲:۳

عبر ۱۲:۱۳-۱۳

۱ پط ۲:۳ و ۲

۳:۳

روم ۱۳:۱۲-۱۳

اقرن ۱۰:۱ ؛ ۱۸:۱۱

۴:۳

اقرن ۱:۱۲

۵:۳

روم ۱۲:۶-۱۳

اقرن ۲:۶

۶:۳

اش ۵:۱۰

اعما ۱۸:۴ ؛ ۱۹:۱

۸:۳

مز ۲:۱۲

روم ۲:۶

مکا ۲:۲۳ ؛ ۲۲:۱۲

۹:۳

اش ۱:۳۶

یو ۱۵:۱-۵

افس ۲:۲۰

کول ۲:۷

۱ پط ۲:۵

بود. پولس کلیسا را در قرنتس بنیاد نهاد و اپلس روی آن، عمارت را ساخت. متأسفانه ایمانداران قرنتس به چند دسته تقسیم شده بودند و به معلمین مختلفی گرویده بودند (مراجعه کنید به ۱۱:۱-۱۳). پولس از آنها می‌خواهد تا بفهمند که معلمین فقط راهنمایانی هستند که آنها را بسوی خدا هدایت می‌کنند.

۹-۷:۳ کار خدا در دنیا، افراد بسیار و متفاوتی را با عطایا و توانایی‌های مختلف در بر می‌گیرد. در این کار، کسی قهرمان نیست و هر کس وظیفه خاص خود را انجام می‌دهد. اگر در کارهایمان هدفمان دستیابی به افتخار و بزرگی نباشد، همکاران مفیدی برای خدا خواهیم شد. تحسین و تعریف مردم عملاً بی‌ارزش است؛ آنچه ارزش دارد، رضایت خدا است.

۳-۱:۳ پولس قرنتیان را در زندگی مسیحی‌شان طفل می‌خواند چون آنها هنوز از سلامت و بلوغ روحانی برخوردار نبودند. دلیل آن هم این بود که مانند کودکان با هم منازعه می‌کردند. زندگی مسیحیانی که طفل هستند، تحت کنترل امیال و خواسته‌هایشان می‌باشد؛ اما مسیحیان بالغ تحت هدایت و کنترل اراده خدا هستند. تا چه اندازه خواسته‌های شخصی شما، بر زندگی تان تأثیر می‌گذارد؟ هدف ما باید این باشد که خواسته‌های شخصی مان با اراده خدا یکی بشود.

۶:۳ کار پولس کاشتن بذر کلام خدا در قلب انسانها بود. او در کار بشارت پیشگام بود، یعنی پیغام نجات را به مردم می‌رساند. وظیفه اپلس آبیاری کردن بود یعنی کمک به رشد بیشتر ایماندارانی که پولس آنها را بسوی مسیح هدایت کرده

۱۰:۳  
روم ۲۰:۱۵  
۱ پطرس ۱۱:۴

۱۱:۳  
اش ۱۶:۲۸  
متی ۱۸:۱۶  
۱ پطرس ۴:۲

۱۳:۳  
۲ تیموتی ۱:۱۸، ۱۲:۱ : ۸:۴

۱۴:۳  
اقرن ۲۵:۹  
غلا ۴:۶

۱۵:۳  
یهو ۲۳

۱۶:۳  
اقرن ۱۶:۶  
افس ۲۱:۲  
۱۷:۳  
عبر ۱:۳

۱۰ خدا از روی لطف خود به من آموخت که چگونه معماری کاردان باشم. من بنیاد عمارت را گذاشتم و اپلس بر روی آن، عمارت را ساخت. اما آنکه بر روی این بنیاد، عمارتی می‌سازد، باید بسیار مواظب باشد. <sup>۱۱</sup> زیرا هیچکس نمی‌تواند بنیاد محکم دیگری بسازد، جز آنکه از قبل داشتیم و آن بنیاد، عیسی مسیح است. <sup>۱۲</sup> اما بر این بنیاد واحد، می‌توان عمارتی با مصالح گوناگون بنا کرد. بعضی، عمارت را با طلا و نقره و جواهرات می‌سازند و بعضی دیگر با چوب و علف خشک و گاه! <sup>۱۳</sup> اما زمانی خواهد رسید، یعنی همان روزی که مسیح همه را داوری خواهد نمود، که کار هر معمار مورد آزمایش قرار خواهد گرفت تا معلوم شود با چه مصالحی عمارت را ساخته است. کار هر شخص از آتش گذرانده خواهد شد تا ارزش و اصالت آن مشخص گردد. <sup>۱۴</sup> آن معماری پاداش خواهد یافت که بر آن بنیاد، عمارتی با مصالح خوب ساخته باشد و حاصل کارش صحیح و سالم از بوته آزمایش بیرون آید. <sup>۱۵</sup> اما اگر عمارتی که ساخته باشد، بسوزد، ضرر بزرگی به او خواهد رسید. اگر چه خود نجات خواهد یافت، اما همچون کسی خواهد بود که از میان شعله‌های آتش فرار کرده باشد. <sup>۱۶</sup> آیا هنوز پی نبرده‌اید که همه شما با هم، خانه خدا هستید و روح خدا در میان شما، یعنی در این خانه ساکن است. <sup>۱۷</sup> اگر کسی خانه خدا را آلوده و خراب کند، خدا او را از بین خواهد برد. زیرا خانه خدا مقدس و پاک است، و آن خانه شما هستید.

کسانی باشند که او را خوب می‌شناسند و عمیقاً به او متعهد هستند.

۱۱:۳ استحکام عمارت به اندازه استحکام بنیاد آن است. بنیاد زندگی ما عیسی مسیح است؛ او اساس زندگی ما و انگیزه وجود ما است. هر چه که هستیم و هر کاری که می‌کنیم، باید متناسب با الگویی باشد که عیسی مسیح فراهم کرده است. آیا شما زندگی خود را بر تنها بنیاد ماندنی و واقعی بنا می‌کنید، یا بر بنیاد دیگری مثل ثروت، امنیت یا موفقیت؟ انگیزه شما برای زندگی کردن چیست؟

۱۳:۳ برای ویران ساختن یک عمارت دو راه وجود دارد، یکی ویران کردن بنیاد آن و دیگری بکار بردن مصالحی با کیفیت نامرغوب. شما نمی‌توانید کلیسای واقعی را بر هیچ کس یا بر هیچ اصلی غیر از عیسی مسیح بنا کنید. مسیح خدمتی را که هر کس برای حیات کلیسا انجام می‌دهد، ارزیابی خواهد کرد. در روز داوری، درجه خلوص کار هر کس آشکار خواهد شد. خدا تعیین خواهد کرد که آیا او نسبت به احکام عیسی وفادار بوده است یا نه.

۱۶:۳ پولس نه فقط بیان می‌کند که بدن ما مسکن روح القدس است (۱۹:۶)، بلکه می‌گوید که کلیسای محلی یا اجتماع مسیحیان نیز خانه خدا است. همانطور که

۱۱و۱۰:۳ بنیاد کلیسا یعنی جمع تمامی ایمانداران، عیسی مسیح است. این بنیادی است که پولس به هنگام شروع کلیسا در قرتس نهاد. کسانی که بر این بنیاد عمارتی بنا می‌کنند، یعنی معلمین، واعظین، والدین، و دیگران، باید از مرغوب‌ترین مصالح استفاده کنند (۱۲:۳) تا با معیارهای خدا برابری داشته باشد؛ این مصالح شامل تعالیم صحیح کتاب مقدس و زندگی پاک و درستی است که مسیح تعلیم داد.

۱۰:۳ کسانی که کلیسا را بنیاد می‌نهند، مسؤولیت بزرگی دارند. پولس از اپلس انتقاد نمی‌کرد، بلکه از رهبران آینده کلیسا می‌خواست تا درک کنند که موعظه و تعلیم چه مسؤولیت سنگینی است.

۱۷-۱۰:۳ بنیاد کلیسا عیسی مسیح است، و در شرایط ایده‌آل، هر عضو کلیسا باید بالغ، در امور روحانی حساس، و در اصول تعلیمی بی‌نقص باشد. کلیسای قرتس پر از «چوب، علف و گاه» بود، یعنی اعضایش نابالغ و بی‌توجه نسبت به یکدیگر بودند، و با اشتیاق تعالیم غلط را می‌پذیرفتند (۳-۱:۴). با این وصف، تعجبی ندارد که آنها اینقدر مشکل داشتند. کلیساهای محلی باید در مسیح بنا شوند، و اعضای آنها باید

<sup>۱۸</sup> دیگر خود را فریب ندهید. اگر طبق معیارهای این جهان، خود را صاحب هوش و خرد فوق‌العاده‌ای می‌دانید، بهتر است آن را کاملاً کنار بگذارید و یک نادان باشید، که مبادا غرور بیجا شما را از حکمت واقعی خدا محروم کند.<sup>۱۹</sup> زیرا حکمت این دنیا، در نظر خدا حماقت محض است. همانطور که در کتاب آسمانی آمده است، خدا اجازه می‌دهد که زیرکی انسان برای خودش دامی شود، و حکمت او باعث لغزش و سقوط خودش گردد.<sup>۲۰</sup> همچنین در کتاب آسمانی آمده است که خداوند بخوبی آگاه است که هوش و حکمت انسان، چقدر احمقانه و باطل می‌باشد.

<sup>۲۱</sup> پس، هیچ یک از شما به این افتخار نکند که پیرو فلان شخص یا فلان مکتب است. بدانید که خدا همه چیز را در اختیار شما گذاشته است.<sup>۲۲</sup> او «پولس» و «اپلس» و «پطرس» را به شما بخشیده است تا به شما کمک نمایند. او تمام دنیا را به شما عطا کرده است تا از آن استفاده کنید. زندگی و حتی مرگ در خدمت شماست. هر آنچه را که مربوط به حال و آینده است، خدا در اختیار شما قرار داده است. همه چیز از آن شماست،<sup>۲۳</sup> و شما از آن مسیح و مسیح از آن خداست.

### پولس فرزندان محبوبش را نصیحت می‌کند

**۴** پس شما باید من و اپلس را خدمتگزاران مسیح بدانید، که با روشن ساختن اسرار خدا، شما را از برکات الهی بهره‌مند می‌سازیم.<sup>۲</sup> مهم‌ترین وظیفه یک خدمتگزار اینست که دستورات اربابش را بطور کامل اجرا کند.<sup>۳</sup> حال، آیا من خدمتگزار خوبی بوده‌ام؟ می‌خواهم بدانید که برای من چندان مهم

۱۸:۳  
اش ۲۱:۵  
قرن ۲:۸  
غلا ۳:۶  
۱۹:۳  
ایو ۱۳:۵  
قرن ۲۰:۱

۲۰:۳  
مز ۱۱:۹۴

۲۱:۳  
روم ۳۲، ۲۸۸  
۲۲:۳  
روم ۳۸۸

۲۳:۳  
قرن ۳:۱۱

۱:۴  
روم ۲۵:۱۶-۲۷  
قرن ۷:۱۲  
افس ۵-۳:۳  
۲:۴  
مز ۱۴۳:۲  
لو ۴۲:۱۲-۴۵  
اعما ۱:۲۳  
روم ۱۲:۲ و ۱۳  
قرن ۱۲:۱

که بی‌ایمانان قربانی وار و بی‌هدف در جریان زندگی به جلو رانده می‌شوند و از خود سؤال می‌کنند که آیا زندگی معنایی هم دارد، ایمانداران بسیار خوب زندگی می‌کنند چون هدف واقعی زندگی را درک می‌کنند. فقط بی‌ایمانان باید از مرگ هراسان باشند. اما برای ایمانداران مرگ هیچ وحشتی ندارد، چون مسیح آن را مغلوب ساخته است. بواسطه او، ایمانداران تا ابد در حضور خدا زندگی خواهند کرد.

**۲۰۱:۴** پولس از قرن‌تیان درخواست می‌کند که خودش، پطرس، و اپلس را نه رهبرانی خوب، بلکه خادمین خدا بدانند. یک خادم آنچه را که اربابش به او می‌گوید، انجام می‌دهد. ما باید آنچه را که خدا در کتاب مقدس و از طریق روح‌القدس به ما می‌گوید، انجام دهیم. هر روز خدا ما را با احتیاجات و فرصت‌هایی روبرو می‌سازد تا ما را به انجام آنچه راست است، وادارد.

هیكل یا عبادتگاه اورشلیم نباید ملوث می‌شد، کلیسا نیز وقتی اعضای آن برای پرستش خدا گرد می‌آیند، نباید با شقاق‌ها، مشاجره‌ها یا دیگر گناهان تباه شود.

**۱۸۹ و ۱۸۸:۳** پولس به ایمانداران قرینتس نمی‌گوید که از علم و دانش دوری کنند، بلکه می‌خواهد این را بگوید که اگر کسی باید بین علم دنیا و حکمت آسمانی یکی را بر گزیند، باید حکمت آسمانی را انتخاب کند، حتی اگر در نظر دنیا احمقانه باشد. حکمت دنیا اگر شما را از خدا دور سازد، به هیچ‌وجه حکمت نیست. قرن‌تیان برای ارزیابی رهبران و معلمین خود از به اصطلاح «حکمت دنیوی» استفاده می‌کردند. غرور آنها باعث شد که به شکل و نحوه بیان پیام بیشتر از درونمایه و محتوای آن بها دهند.

**۲۲:۳** پولس می‌گوید که هم زندگی و هم مرگ هر دو در خدمت ما هستند. چطور چنین چیزی ممکن است؟ در حالی

نیست که شما و یا دیگران درباره من چگونه قضاوت می‌کنید. حتی نظر خودم نیز برای من اهمیت ندارد! <sup>۴</sup> گرچه وجدانم راحت است، اما این را نیز دلیل کافی نمی‌دانم. فقط خداوند باید مرا بیازماید و نظر بدهد.

<sup>۵</sup> پس شما هم با عجله در این باره قضاوت نکنید که چه کسی خدمتگزار خوبی است و چه کسی بد. وقتی خداوند باز گردد، همه چیز را روشن خواهد ساخت و همه به وضوح خواهند دید که هر یک از ما در عمق وجودمان، چگونه شخصی بوده‌ایم و با چه نیتی خدا را خدمت کرده‌ایم. در آن زمان، خدا هر کس را همانقدر که سزاوار است، تحسین خواهد نمود.

<sup>۶</sup> اگر اپلس و خودم را نمونه آوردم، برای این بود که مطلب روشن‌تر شود. مقصودم اینست که شما نباید میان ما فرق بگذارید و از بین ما که کلام خدا را به شما تعلیم می‌دهیم، یکی را بر دیگری ترجیح دهید و یا به یکی، بیش از دیگری افتخار کنید. <sup>۷</sup> چرا اینقدر به خود می‌بالید؟ مگر هر چه دارید، از خدا نیافته‌اید؟ پس در اینصورت چرا طوری رفتار می‌کنید که گویی با تلاش خودتان چیزی را کسب کرده‌اید؟

<sup>۸</sup> شما تصور می‌کنید که تمام برکات روحانی را که لازم داشتید، بدست آورده‌اید و از لحاظ روحانی بی‌نیاز هستید. همچون سلاطین، بر تخت پادشاهی تکیه زده‌اید و ما را بکلی فراموش کرده‌اید! ای کاش که واقعاً بر تخت سلطنت نشسته بودید، زیرا در آنصورت ما نیز می‌توانستیم با شما سلطنت کنیم. <sup>۹</sup> گاه فکر می‌کنم که انگار خدا، ما رسولان را در انتهای صف قرار داده است، صف اسیران جنگی که محکوم به مرگ هستند و در مقابل انظار مردم، به دنبال

۵:۴

متی ۱:۷

روم ۲۹:۱۶-۲

قرن ۱۰:۵

مکا ۱۲:۲۰

۶:۴

اقرن ۱۸:۴ : ۳۱، ۱۲:۱

۷:۴

یو ۲۷:۳

روم ۶:۳-۱۲

۱ پطر ۱۰:۴

۸:۴

مکا ۱۷:۳

۹:۴

مز ۲۲:۴۴

روم ۳۶:۸

قرن ۱۱:۴

که بارها به‌خاطر پیامشان متحمل رنج و زحمت شده‌اند. هیچ واعظی برتر از دیگری نیست.

**۷:۴-۷:۶** چقدر برای ما سهل است که به یک واعظ روحانی وابسته شویم. بطور طبیعی، وقتی کسی به ما کمک می‌کند، به او احساس وفاداری می‌کنیم. اما پولس به ما هشدار می‌دهد که از فخر کردن به رهبران مورد علاقه خود که باعث بروز تفرقه در کلیسا می‌شود، دست برداریم. هر واعظ روحانی و واقعی، نماینده‌ای از جانب خدا است و جز آنچه که خدا به او بخشیده است، چیزی برای ارائه به مردم ندارد. نگذارید وفاداری شما به انسان، موجب بروز دعوا، تهمت، و گسستن روابط بشود. به یاد داشته باشید که باید بیش از هر چیز و هر کس، به مسیح وفادار باشید نه به نمایندگان او بر روی زمین. کسانی که به‌جای اعلام پیام خدا، وقت خود را صرف بحث و جدل بر سر رهبری کلیسا می‌کنند، مسیح در زندگی آنها در اولویت قرار ندارد.

**۵:۴** قضاوت در باره مسیحیان دیگر و چگونگی ایمانشان، کاری است وسوسه‌کننده. اما تنها خدا از قلب اشخاص آگاه است و او تنها کسی است که شایستگی قضاوت را دارد. احتیاط پولس به قرن‌تیان باید هشداری برای ما نیز باشد. ما باید به کسانی که مرتکب گناه می‌شوند، کمک کنیم (مراجعه کنید به ۱۳و۱۲:۵)، اما نباید داوری کنیم که چه کسی خادم بهتری برای مسیح است. وقتی شما کسی را داوری می‌کنید، ناخودآگاه خود را برتر از دیگران می‌انگارید و این غرور است.

**۱۳-۶:۴** قرن‌تیان به دسته‌های مختلف تقسیم شده بودند، هر دسته از واعظ محبوب خود پیروی می‌کرد (پولس، اپلس، پطرس و دیگران). هر دسته واقعاً معتقد بود که تنها گروهی است که بر کل حقیقت واقف است، و از این رو دچار غرور روحانی بودند. اما پولس به این گروهها می‌گوید که افتخار نکنند که پیرو این یا آن واعظ هستند، چون این واعظین خادمین کوچکی هستند

سپاهیان پیروزمند حرکت می کنند؛ زیرا ما در معرض تماشای فرشتگان و مردم قرار گرفته ایم.

<sup>۱۰</sup> شما به ما می گوئید: «اعتقاداتتان شما را تبدیل به افرادی احمق کرده است!» در صورتی که خودتان مسیحیانی دانا و باشعور هستید! ما ضعیفیم، اما شما قوی! همه ما را پست می شمارند، اما به شما احترام می گذارند! <sup>۱۱</sup> تا به این لحظه، همواره گرسنگی و تشنگی کشیده ایم؛ پوشاک نداشته ایم تا خود را از سرما حفظ کنیم؛ مورد بدرفتاری قرار گرفته ایم؛ و آواره و بی خانمان بوده ایم. <sup>۱۲</sup> با دستهای خود، کار کرده و زحمت کشیده ایم تا زندگی خود را تأمین کنیم. هر که ما را لعنت کرد، برای او دعای خیر کردیم. هر که ما را آزار رساند، تحمل کردیم. <sup>۱۳</sup> وقتی به ما توهین کردند، با ملایمت جواب دادیم. با اینحال، همچون زباله و تفاله با ما رفتار می شود.

<sup>۱۴</sup> من این مطالب را نمی نویسم تا شما را خجل سازم، بلکه می خواهم شما را مانند فرزندان عزیز خود، نصیحت و راهنمایی کنم. <sup>۱۵</sup> زیرا اگر چه هزاران معلم روحانی داشته باشید، اما فقط یک پدر دارید و آن هم منم، چون من بودم که پیام انجیل را به شما رساندم و شما را بسوی مسیح هدایت نمودم. <sup>۱۶</sup> پس به شما التماس می کنم که از من سرمشق بگیرید و مانند من رفتار کنید. <sup>۱۷</sup> به همین دلیل «تیموتائوس» را می فرستم تا در این امر به شما کمک کند. او از کسانی است که بوسیله من به مسیح ایمان آورده و برایم همچون فرزندی عزیز و قابل اعتماد است. او تعالیمی را که من همه جا، در کلیساها می دهم، به یاد شما خواهد آورد.

<sup>۱۸</sup> می دانم که بعضی از شما مغرور شده اید، چون فکر می کنید که من می ترسم

۱۰:۴  
قرن ۱۸:۱ و ۱۹  
قرن ۲۰: ۱۱، ۱۹؛ ۲۰: ۱۳

۱۱:۴  
اعما ۲: ۲۳  
روم ۳: ۵-۸  
قرن ۱۱: ۲۳-۲۷  
۱۲:۴  
متی ۴: ۴-۵  
اعما ۲: ۱۸ و ۳  
اتیو ۴: ۹ و ۱۰  
۱ پط ۳: ۹

۱۴:۴  
قرن ۵: ۱۵؛ ۱۶  
قرن ۱۳: ۶؛ ۱۴: ۱۲

۱۵:۴  
روم ۲۰: ۱۵  
غلا ۴: ۱۹  
۱۶:۴  
قرن ۱۱: ۱  
فیل ۳: ۱۷  
۱۷:۴  
اعما ۱: ۱۶؛ ۱۹: ۲۲  
اتیو ۱: ۲

باید از آن جنبه هایی از زندگی او که الگویی از زندگی مسیحی است، تقلید کنند.

<sup>۱۷:۴</sup> تیموتائوس طی سفر دوم بشارتی پولس با او همسفر شد (مراجعه کنید به اعمال ۱: ۱۶-۳) و در رشد کلیسای اولیه، نقش مهمی ایفا کرد. شاید تیموتائوس این نامه را به قرنتیان رساند، یا شاید به احتمال زیاد تر اندکی پس از رسیدن نامه به قرنتس، وارد آنجا شد (مراجعه کنید به ۱: ۱۶). کار تیموتائوس این بود که ببیند آیا نصایح پولس در نامه اش به دست آنها رسیده، آن را خوانده اند و به موقع اجرا گذاشته اند یا نه. بعد از آن، او می بایست نزد پولس باز می گشت و درباره پیشرفت کلیسا به او گزارش می داد.

<sup>۱۸:۴-۲۰</sup> بعضی از مردم درباره ایمان خیلی حرف می زنند، اما تنها به همین اکتفا می کنند - فقط حرف. ممکن است آنها در حرف تمام چیزهای درست را باندند،

<sup>۱۵:۴</sup> پولس در تلاش برای متحد ساختن کلیسا، به رابطه خود با آنها اشاره می کند. با گفتن کلمه «پدر»، او می خواهد بگوید که خودش بانی کلیسا بوده است. از آنجا که کلیسای قرنتس را او بنیاد نهاده بود، ایشان می بایست از علاقه قلبی او به آنها اطمینان داشته باشند. سخنان نامالایم پولس برخاسته از محبت او به آنان بود، مانند محبت پدری مهربان نسبت به فرزندان.

<sup>۱۶:۴</sup> پولس به قرنتیان می گوید که از او سرمشق بگیرند. او می توانست چنین درخواستی بکند چون به خدا نزدیک بود، به کلام و دعا وقت می داد، و در تمام اوقات از حضور خدا در زندگی خود آگاه بود. او از خدا سرمشق می گرفت؛ از این رو زندگی اش می توانست سرمشقی برای دیگران باشد. پولس از دیگران انتظار نداشت که تمام رفتارهای او را تقلید کنند، چون افراد متفاوت اند. اما



نزد شما بیایم و با شما روبرو شوم.<sup>۱۹</sup> اما من خواهم آمد، و اگر خدا بخواهد بزودی خواهم آمد تا ببینم آیا این اشخاص مغرور، فقط می‌توانند سروصدا راه بیندازند، یا اینکه واقعاً صاحب قدرتی از جانب خدا هستند.<sup>۲۰</sup> زیرا وقتی کسی ادعا دارد که خدا در قلب او سلطنت می‌کند، باید با اعمال خود آن را نشان دهد، نه فقط با سخنان خود.<sup>۲۱</sup> حال، خود انتخاب کنید، آیا ترجیح می‌دهید برای تنبیه و سرزنش نزد شما بیایم، یا با محبت و تواضع؟

## ۲- بی‌نظمی در کلیسا

### پولس بی‌بند و باری را در کلیسا محکوم می‌کند

شنیده‌ام که در میان شما رسوایی بزرگی روی داده است، و فسادی اتفاق افتاده که در میان مردم خدانشناس هم دیده نمی‌شود! شنیده‌ام که

۵

۱۹:۴

اعما ۲۱:۱۹

اقرن ۵:۱۶ : ۳۴:۱۱

اقرن ۱۵:۱

۲۰:۴

اتسا ۵:۱

۲۱:۴

اقرن ۱:۲ : ۲۳:۱

۱:۵

لاو ۸و۷:۱۸

تث ۲۰:۲۷

اقرن ۱۲:۷

افس ۳:۵

مراحل (متی ۱۵:۱۸-۱۷)

موقعیت‌ها

انضباط کلیسایی

۱- نزد خواهر یا برادری که مرتکب گناه شده، بروید و او را توبیخ کنید.	خطای غیر عمد و/یا گناه خصوصی.	کلیسا باید گاهی اعضای را که مرتکب گناه شده‌اند، در چارچوب انضباط قرار دهد. اما انضباط کلیسایی باید بدقت، بدرستی و با محبت اعمال شود.
۲- اگر گوش فرا نداد، با یک یا دو شاهد نزدش بروید.	گناه علنی و یا کسانی که بی‌پرده و با آگاهی	
۳- اگر از گوش دادن سر باز زد، موضوع را با کلیسا در میان بگذارید.	قبل مرتکب آن می‌شوند	

بعد از این اقدام‌ها، مراحل بعدی به قرار زیر است:

- ۱- کسی را که در خطا است، از عضویت کلیسا اخراج کنید (اقرنتیان ۲:۵-۱۳).
- ۲- کلیسا متحداً و را طرد می‌کند، اما اگر او بخواهد توبه کند، بخشش و تسلی دادن او به قوت خود باقی است (اقرنتیان ۲:۴-۷).
- ۳- با شخص نامطمع ارتباطی نداشته باشید؛ و اگر مجبور هستید که با او معاشرت کنید، با او همچون شخصی سخن بگویید که نیاز به هشدار دارد.
- ۴- بعد از دو بار اخطار، او را از اجتماع خود برانید (تیتوس ۳:۱۰).

فجیع می‌شوند، تنبیه کند. اگر چنین اعمالی مهار نشود، می‌تواند منجر به بروز جدایی و فلج شدن کلیسا شود. اما اصلاح آنان هرگز نباید با کینه‌توزی انجام گیرد. هدف باید از بین بردن گناه باشد. کلیسای قرتنس گناه مشخصی را در بطن خود داشت، اما آنها اعتنایی به آن نمی‌کردند. مسأله این بود که مردی با مادرش (یا نامادری‌اش) رابطه جنسی داشت، و اعضای کلیسا سعی می‌کردند این وضع را نادیده بگیرند. پولس به کلیسا می‌گوید که آنها مسؤولند تا معیارهای اخلاقی مکتوب در کلام خدا را حفظ کنند. خدا به ما می‌گوید که دیگران را داوری نکنیم، اما او همچنین به ما می‌گوید که گناهان آشکار و فجیع را که در تضاد با قدوسیت اوست و تأثیر خطرناکی بر زندگی سایر ایمانداران دارد، متحمل نشویم.

اما زندگی‌شان نمونه‌ای از زندگی مسیحی نباشد. پولس می‌گوید که ملکوت خدا یعنی **زنه‌گی کردن**، نه سخن گفتن صرف. بین دانستن چیزهای درست و عمل کردن به آنها تفاوت زیادی هست. خود را با دادن پاسخ‌های درست درباره سؤالاتی که در ارتباط با مسیح از شما می‌شود، خشنود نسازید. بگذارید زندگی شما به سخنانتان حیات بخشد.

**۱۹:۴** معلوم نیست که آیا پولس مجدداً به قرتنس بازگشته است یا نه، اما احتمال چنین امری وجود دارد. در **۲** اقرنتیان ۱:۲، او می‌گوید که قصد ندارد دیدار اندوهناک دیگری از آنها بکند، که اشاره به این دارد که او قبلاً ملاقات اندوهناکی با ایمانداران قرتنس داشته است. **۱:۵** کلیسا باید اعضای را که مرتکب گناهان آشکار و

یکی از اعضای کلیسای شما، با زن پدر خود زندگی می‌کند! آیا باز هم به روحانی بودن خود می‌بالید؟ چرا از غصه و شرم، عزانمی گیرید؟ چرا این مرد را از کلیسا بیرون نمی‌کنید؟

<sup>۴</sup> اگر چه من در آنجا با شما نیستم، اما راجع به این موضوع خیلی فکر کرده‌ام. به همین دلیل، درست مانند اینکه خودم آنجا باشم، از همین جا، به نام خداوند عیسی مسیح تصمیم گرفته‌ام که چه باید کرد. نخست، اعضای کلیسا را گرد آورید، زیرا وقتی با هم هستید، قدرت خداوندان عیسی با شماست و من نیز روحاً با شما خواهم بود. <sup>۵</sup> سپس، این مرد را از کلیسا اخراج کنید و بدست شیطان بسپارید تا به سزای عمل خود برسد، تا شاید به هنگام بازگشت خداوند ما عیسی، لااقل روح او نجات یابد.

<sup>۶</sup> چگونه می‌توانید به پاکی و روحانیت خود ببالید، درحالیکه اجازه می‌دهید یک چنین رسوایی در میانتان رخ دهد؟ مگر نمی‌دانید که اندکی خمیرمایه، در تمام خمیر اثر می‌کند و باعث برآمدن آن می‌شود؟ <sup>۷</sup> پس این خمیرمایه گناه، یعنی این شخص فاسد را که چنین رسوایی بیار آورده است، از میان خود بیرون کنید، تا خمیری تازه و فطیر باشید، که البته می‌دانم همینطور هستید. زیرا اکنون عید پِسح فرارسیده و مسیح که برهٔ قربانی این عید می‌باشد، قربانی شده است. <sup>۸</sup> پس، بیایید این عید را برگزار کنیم، نه با نانی که با خمیرمایهٔ گناه و شرارت تهیه شده، بلکه با نان فطیر و بدون خمیرمایه، یعنی با احترام و یکرنگی و راستی! <sup>۹</sup> در نامهٔ قبلی نوشتیم که با اشخاص فاسد معاشرت نکنید. <sup>۱۰</sup> البته منظورم از

۴:۵

متی ۱۸:۱۵-۱۸  
یو ۲۳:۲۰  
قرن ۲: ۵-۱۰؛ ۳: ۱۳

۵:۵

اعما ۱۸:۲۶  
اتیمو ۲۰:۱

۶:۵

متی ۱۳: ۳۳؛ ۱۶: ۱۱، ۱۶  
غلا ۹:۵

۷:۵

خرو ۲۱:۱۲  
اش ۷:۵۳

یو ۱: ۲۹؛ ۱۴: ۱۹  
اپطر ۱۹:۱

۸:۵

مکا ۶:۵  
خرو ۱۵:۱۲-۱۹

۹:۵

تث ۳:۱۶  
قرن ۱۴:۶

۱۰:۵

یو ۱۵:۱۷

عمد گناه می‌کردند، اما ملزم نمی‌شدند و توبه نمی‌کردند. کلیسا نمی‌تواند چنین گناهی را متحمل شود چون بر دیگران اثر می‌گذارد. ما نسبت به سایر ایمانداران مسؤول هستیم. بدون مجازات گذاشتن گناهان آشکار و فحیح موجب برهم زدن اجتماع کلیسا و بروز تفرقه در آن می‌شود. همانطور که ایمانداران باید یکدیگر را تشویق کرده، برای هم دعا کنند و یکدیگر را بنا نمایند، همچنین وقتی گناهی سلامت روحانی کلیسا را به‌خطر می‌اندازد، نباید بی‌تفاوت باشند.

**۹:۵** در اینجا پولس به نامه قبلی‌اش به کلیسای قرتس اشاره می‌کند که به "نامه گمشده" معروف است، چون اثری از آن در دست نیست.

**۱۱:۱۰-۱۱:۵** پولس روشن می‌کند که ما نباید خود را از بی‌ایمانان کنار بکشیم، چون در این صورت، نمی‌توانیم به فرمان مسیح مبنی بر اعلام نجات به آنها عمل کنیم (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). اما ما باید از کسانی فاصله بگیریم که ادعا می‌کنند مسیحی هستند، ولی در گناهی که کلام

**۵:۵** چرا اخراج این مرد از کلیسا ضروری بود؟ سپردن او به دستهای شیطان یعنی منع او از معاشرت با ایمانداران. بدون کمک روحانی ایمانداران، او در گناه و با شیطان تنها می‌ماند، و شاید این خلوت و تنهایی او را به توبه بکشد. اخراج شخص از کلیسا، باید آخرین راه چاره در انضباط کلیسایی باشد. انضباط کلیسایی نباید از روی کینه‌توزی باشد، بلکه باید از روی محبت انجام گیرد، درست مانند والدینی که فرزندان خود را برای اصلاحشان، تنبیه می‌کنند. وظیفه کلیسا صدمه رساندن به شخص خاطی نیست، بلکه کمک به او و ترغیب او به توبه از گناهان و بازگشت به جامعه کلیسا می‌باشد.

**۶:۵** روی سخن پولس با کسانی است که این مشکل کلیسایی را نادیده گرفته بودند و تشخیص نمی‌دادند که مجاز شمردن گناهان قبیح در کلیسا بر همه اعضا تأثیر می‌گذارد. پولس از هیچکس انتظار نداشت که عاری از گناه باشد - چون در اصل همه ایمانداران هر روزه با گناه در مبارزه‌اند. او خطاب به کسانی سخن می‌گفت که بطور

اشخاص فاسد بی‌ایمانان نیستند که در زناکاری، طمع، فریب مردم و بت پرستی زندگی می‌کنند. زیرا نمی‌توانید در این دنیا زندگی کنید و با چنین کسانی برخورد نکنید.<sup>۱۱</sup> بلکه منظورم این بود که اگر کسی از بین خودتان، ادعا می‌کند که برادر مسیحی شماست اما در عین حال زناکار، طمعکار، بدزبان، بت پرست، مشروب‌خوار و یا فریبکار است، با او معاشرت نکنید. با چنین کسی حتی بر سر یک سفره هم ننشینید!

۱۱:۵  
متی ۱۷:۱۸  
روم ۱۷:۱۶  
۲ تسالونسا ۶:۳  
۲ یو ۱۰:۱

<sup>۱۲</sup> وظیفه ما این نیست که افراد خارج از کلیسا را مورد قضاوت و داوری قرار دهیم. اما وظیفه داریم با آنانی که در کلیسا هستند و زندگی گناه‌آلودی دارند، با شدت برخورد کنیم و بر آنان داوری نماییم.<sup>۱۳</sup> افراد خارج از کلیسا را خدا داوری و مجازات خواهد کرد. بنابراین، شما خودتان این مرد را داوری کنید و از کلیسا اخراج نمایید.

۱۲:۵  
۱ تیمو ۷:۳

۱۳:۵  
جا ۱۴:۱۲  
عبر ۴:۱۳

### ایماندار نباید علیه ایماندار دیگر به دادگاه شکایت کند

چرا وقتی با یکدیگر اختلافی پیدا می‌کنید، به دادگاه می‌روید و به یک قاضی بی‌ایمان مراجعه می‌کنید؟ آیا نمی‌بایست از یک مسیحی مؤمن بخواهید که در مورد اختلافتان قضاوت کند؟<sup>۲</sup> آیا نمی‌دانید که ما مسیحیان، یک روز دنیا را مورد داوری و دادرسی قرار خواهیم داد؟ پس اگر اینچنین است، چرا نباید قادر باشید این امور جزئی را میان خود حل کنید؟<sup>۳</sup> آیا نمی‌دانید که ما حتی فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟ پس باید بتوانید بسادگی مشکلات

۱:۶  
متی ۱۷-۱۵:۱۸

۲:۶  
دان ۲۲، ۱۸:۷  
لو ۳۰:۲۲  
مکا ۲:۶، ۲:۲۰

۳:۶  
۲ پطرس ۴:۲  
یهو ۶

گناهان آشکار در کلیسا و نحوه رفتار با کسی که ادعا می‌کند مسیحی است اما بدون احساس الزام، مرتکب گناه می‌شود. کلیسا مسؤولیت دارد که در برابر چنین شخصی بایستد و او را با محبت تنبیه کند. ۱:۶-۶ در فصل پنجم، پولس نحوه برخورد با گناهان آشکار و وقیح را مورد بحث و بررسی قرار داد. در فصل ششم، او درباره نحوه برخورد کلیسا با مشکلات کم‌اهمیت‌تر بحث می‌کند. جامعه قوانینی را وضع کرده و دادگاههایی مقرر نموده تا اختلافات مردم را حل و فصل کند. اما پولس می‌گوید مسیحیانی که اختلافی با هم دارند، نباید برای حل اختلافاتشان به دادگاههای دنیوی رجوع کنند. ما مسیحیان روح‌القدس و فکر مسیح را داریم، پس چرا باید به کسانی که فاقد حکمت خدا هستند، متوسل شویم؟ با تمام آنچه که بعنوان ایماندار به ما داده شده و با قدرتی که در آینده برای داوری بر دنیا و فرشتگان خواهیم داشت، باید از عهده رسیدگی به مناقشات بین خودمان بر آییم.

خدا صراحتاً منع کرده است بسر می‌برند و اعمال خود را نیز توجیه می‌کنند. این قبیل اشخاص، با گناهان خود به مسیحیان صادق صدمه می‌رسانند و باعث مخدوش شدن نور الهی در وجود خود می‌شوند. کلیسایی که اشخاص طماع و زناکار را در خود جای می‌دهد، هرگز نمی‌تواند نور جهان باشد. چنین کلیسایی تصویر مخدوشی از مسیح به جهان ارائه می‌دهد. به این ترتیب، کلیسا بجای شرکت در نبرد پیگیر برای جایگزین کردن تاریکی با نور و ملحق شدن به ملکوت مسیح، بر تاریکی می‌افزاید. ۱۲:۵ کتاب مقدس همواره به ما می‌گوید که با شایعات یا قضاوت‌های عجولانه دیگران را به انتقاد نگیریم. اما در عین حال، ما باید با گناهایی که می‌تواند به دیگران آسیب برساند، برخورد کرده، بر آنها داوری کنیم. نباید از دستورالعملی که پولس می‌دهد، در مورد موضوعات پیش‌پاافتاده یا برای انتقام‌جویی، سوء استفاده کنیم؛ این دستورها مربوط به مسائل شخصی بین ایمانداران نمی‌شود. این آیات دستورالعمل‌هایی هستند برای برخورد با

روزانه خود را حل و فصل کنید. <sup>۴</sup> وقتی چنین اختلافاتی بروز می‌کند، چرا برای حل اختلاف نزد قضات بی‌ایمان می‌روید که مورد احترام و تأیید کلیسا نیستند؟ <sup>۵</sup> این را می‌گوییم تا خجالت بکشید: آیا در تمام کلیسای شما، حتی یک شخص دانا پیدا نمی‌شود که به این اختلافات رسیدگی کند؟ <sup>۶</sup> آیا این صحیح است که ایماندار علیه ایماندار به دادگاه شکایت کند و بی‌ایمانان به اختلافشان رسیدگی کنند؟ <sup>۷</sup> اما کلاً چنین شکایات و اختلافات نشانه ضعف روحانی شماست! آیا بهتر نیست که بجای شکایت، از حق خود بگذرید و مسئله را همانجا خاتمه دهید؟ زیرا اگر خود، مورد ظلم واقع شوید و از حقتان بگذرید خدا را بیشتر تکریم و احترام کرده‌اید. <sup>۸</sup> اما شما بجای آن، به دیگران و حتی به برادران مسیحی خود ظلم می‌کنید و حقشان را زایل می‌سازید.

### از بدن خود برای جلال خدا استفاده کنید

<sup>۹</sup> مگر نمی‌دانید که مردم نادرست از برکات سلطنت خدا بی‌نصیب خواهند ماند؟ خود را فریب ندهید! شهوت‌رانا، بت‌پرستان و زانیان و آنانی که بدن‌بال زنان و مردان بدکاره می‌افتند، و همینطور دزدان، طمعکاران، مشروب‌خواران و کسانی که به دیگران تهمت می‌زنند و یا مال مردم را می‌خورند، در دنیای جدیدی که خدا سلطنت می‌کند، جایی نخواهند داشت. <sup>۱۱</sup> بعضی از شما در گذشته، چنین زندگی گناه‌آلودی داشتید، اما اکنون گناهانتان شسته شده، و شما وقف خدا و مورد پسند او شده‌اید، و این در اثر کار خداوند ما عیسی و قدرت روح‌القدس میسر شده است.

۵:۶  
اقرن ۱۴:۴ ؛ ۲۴:۱۵

۷:۶  
امث ۲۲:۲۰  
متی ۳۹:۵  
روم ۱۷:۱۲  
۱تسا ۱۵:۵

۸:۶  
۱تسا ۶:۴

۱۰:۹:۶  
اش ۱۱:۳  
اعما ۳۲:۲۰  
غلا ۲۱:۵  
افس ۵:۵

۱۱:۶  
اعما ۱۶:۲۲  
روم ۳۰:۸  
اقرن ۳۰:۲۱  
عبر ۲۲:۱۰

اعمال شوند. پولس در ۱۱:۶ بیان می‌کند که حتی کسانی که در چنین گناهانی هستند، می‌توانند زندگی خود را به کمک عیسی مسیح عوض کنند. با این حال، کسانی که می‌گویند مسیحی هستند اما بدون احساس الزام، به انجام این اعمال اصرار می‌ورزند، باید زندگی خود را مجدداً ارزیابی کنند تا ببینند آیا حقیقتاً به مسیح ایمان دارند یا نه. **۹:۶-۱۱** در یک جامعه بی‌بند و بار، مسیحیان به‌سادگی می‌توانند اعمال و رفتارهای ضداخلاقی (گناهان جنسی، طمع، مستی، بدگویی و غیره) را بخاطر عمومیت داشتن آنها، نادیده بگیرند و یا به آنها تن در دهند. اگر چه گناه ما را احاطه کرده، ما نباید در هیچ نوع گناهی سهم شوم یا آن را نادیده بگیریم. دوری کردن از گناهی که مقبول همگان است، کار سختی است، اما آنقدر که برای قرتیان دشوار بود، برای ما سخت نیست. خدا از پیروان خود، در هر عصری که باشند، انتظار دارد معیارهای والایی داشته باشند.

**۶:۶** چرا پولس می‌گوید که شکایت کردن از یک مسیحی به دادگاه، خوب نیست؟ (۱) اگر قاضی و هیأت منصفه دادگاه مسیحی نباشند، بعید است که توجهی به ارزشهای مسیحی داشته باشند. (۲) انگیزه رفتن به دادگاه، اغلب کینه‌جویی است؛ هرگز نباید یک مسیحی چنین انگیزه‌ای داشته باشد. (۳) دعاوی قانونی تصویر بدی را از کلیسا ارائه می‌دهد و موجب می‌شود که بی‌ایمانان بجای توجه به هدف کلیسا، معطوف به مشکلات آن شوند. **۹:۶-۱۱** پولس خصوصیات بی‌ایمانان را بر می‌شمارد. منظور پولس این نیست که زانیان، هم‌جنس‌بازان، دزدان، یا اشخاص طماع بطور قطع و خودبخود از ورود به بهشت منع شده‌اند. افرادی که مسیحی می‌شوند، از زمینه‌های مختلفی هستند، از جمله از میان گروههای نامبرده شده. ممکن است آنها بعد از مسیحی شدن هم هنوز با تمایلات گناه‌آلود در جنگ باشند، اما نباید دوباره مرتکب آن

۱۲:۶  
اقرن ۳۳:۱۰

۱۳:۶  
متی ۱۷:۵  
کول ۲۲:۲  
اتسا ۳:۴

۱۲ من می‌توانم هر کاری را که مسیح منع نکرده است، انجام دهم. اما بعضی از این کارها، حتی اگر اجازه انجامش را نیز داشته باشم، برایم مفید نیستند. اگر بدانم چیزی بر من مسلط خواهد شد و چنان مرا درگیر خواهد کرد که نتوانم براحتمی خود را از چنگ آن خلاصی دهم، از آن صرف‌نظر می‌کنم. <sup>۱۳</sup>بعنوان مثال، موضوع خوردن را در نظر بگیرید. خدا به ما اشتها برای خوراک، و شکم برای هضم آن داده است. اما این دلیل نمی‌شود که هر مقدار دلمان می‌خواهد، بخوریم. به خوردن و خوراک، زیاد اهمیت ندهید، زیرا خدا یک روز، هم شکم را نابود خواهد کرد و هم خوراک را.

فیزیکی ما نیز روح‌های ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ما نمی‌توانیم با بدنمان مرتکب گناه بشویم بدون اینکه به روح خود صدمه برسانیم، چون بدن و روح دو جزء غیرقابل تفکیک از هم هستند. در زمین جدید ما با بدنهایی به دور از گناه قیام خواهیم کرد، بدنهایی که در اثر گناه تباه نخواهد شد. آنگاه از کمال نجات خود بهره خواهیم یافت.

**۱۲:۶ و ۱۳** آزادی نشانه‌ای است از ایمان مسیحی - آزادی از گناه و خطا، و آزادی برای استفاده و لذت بردن از هر چیزی که از خداست. اما مسیحیان نباید از این آزادی سوء استفاده کنند و به خود و دیگران صدمه برسانند. زیاده‌روی در مشروبات الکلی منتهی به اعتیاد می‌شود و پرخوری به چاقی می‌انجامد. مراقب باشید که آنچه خدا برای خوشی ما مجاز شمرده، منجر به عادت بدی نشود که بر ما مسلط گردد. برای آگاهی بیشتر درباره آزادی مسیحی و رفتار روزانه، فصل هشتم را بخوانید.

**۱۳:۶** گناهان جنسی و سوسه‌ای است که نمی‌توانیم از آن فرار کنیم. در سینما و تلویزیون، امور جنسی خارج از محدوده ازدواج، امری طبیعی تلقی شده و حتی لازم و جزئی از زندگی معرفی می‌شود، در حالی که ازدواج همچون عاملی محدودکننده و فاقد شادی به نمایش گذاشته می‌شود. اگر دیگران به پاکدامنی ما پی ببرند، ممکن است به دیده تحقیر به ما بنگرند. خدا گناهان جنسی را فقط از روی سختگیری منع نکرده است. خدا از قدرتی که گناه جنسی در نابودی جسم و روح ما دارد، آگاه است. هیچکس نباید قدرت گناهان جنسی را دست‌کم بگیرد. گناهان جنسی زندگی‌های بی‌شماری را نابود کرده و خانواده‌ها، جوامع و حتی ملت‌ها را از میان برده است. خدا می‌خواهد ما را از صدمه رساندن به خود و دیگران مصون نگه دارد و از اینرو مایل است ما را، تنهایی‌ها و امیال ما را از وجود خود پر سازد.

**۱۲:۶** ترجمه تحت‌اللفظی «من می‌توانم هر کاری را که مسیح منع نکرده است، انجام دهم»، این است: «همه چیز برای من جایز است لکن هر چیزی مفید نیست.» از قرار معلوم، کلیسا اغلب این جمله را نقل قول می‌کرده و بطور ناپجایی آن را بکار می‌برده است. بعضی از مسیحیان قرتنس بسیاری از گناهان خود را چنین توجیه می‌کردند که (۱) مسیح همه گناهان را برداشته است، از این رو انسان آزادی کامل دارد که هرطور که دوست دارد زندگی کند؛ یا (۲) کارهایی که آنان می‌کنند، بطور روشن در کتاب مقدس منع نشده است. پولس پاسخ هر دو این بهانه‌ها را می‌دهد: (۱) با اینکه مسیح گناهان ما را برداشته است، این به ما آزادی نمی‌دهد تا به کارهایی که می‌دانیم درست نیست ادامه دهیم. کتاب مقدس بسیاری از گناهان را بطور مشخص قدغن می‌کند (مراجعه کنید به ۹:۶ و ۱۰). (۲) بعضی از کارها بخودی خود گناه نیست، اما از آنجا که می‌توانند بر زندگی ما مسلط شوند و ما را از خدا دور کنند، انجام آنها درست نیست. (۳) هر کاری که ما می‌کنیم، اگر بجای کمک به دیگران، به آنها صدمه برساند، خطاست.

**۱۲:۶ و ۱۳** بعضی از مذاهب، بر این عقیده‌اند که روح اهمیت دارد نه بدن. گاهی مسیحیت تحت تأثیر این عقاید قرار گرفته است. اما مسیحیت در حقیقت مذهبی است بسیار عینی. ما خدایی را می‌پرستیم که دنیایی عینی را خلق کرد و گفت نیکوست. او به ما وعده زمینی جدید را داده است که در آن مردم با بدنهای جسمانی زندگی را از سر خواهند گرفت - خدا وعده جایی را با هاله صورتی رنگ که در آن ارواح بدون جسم به نوای چنگ گوش می‌دهند، نداده است. قلب مسیحیت حکایت از خدایی می‌کند که خودش خون و جسم گرفت و آمد تا با ما زندگی کرده، هم روح و هم جسم را شفا بخشد. ما انسانها، مانند آدم، ترکیبی از روح و خاک هستیم. همانطور که زندگی روحانی ما بر بدنهای ما تأثیر می‌گذارد، زندگی

اما زنا به هر شکل که باشد، خطایی است بزرگ، زیرا بدنهای ما برای چنین کاری ساخته نشده است، بلکه از آن خداوند است. او می‌خواهد که بدنهای ما را از وجود خویش مملو سازد. <sup>۱۴</sup>خدا با همان قدرتی که خداوند ما عیسی مسیح را پس از مرگ زنده کرد، بدنهای ما را نیز بعد از مرگ دوباره زنده خواهد کرد. <sup>۱۵</sup>آیا نمی‌دانید که بدنهای شما، در حقیقت اجزاء و اعضای بدن مسیح است؟ پس، آیا درست است که بدن خود را که چنین مفهوم والایی دارد، بگیرم و با بدن یک فاحشه پیوند بزنم؟ هرگز! <sup>۱۶</sup>زیرا قطعاً می‌دانید که اگر مردی، با زنی بدکاره رابطه جنسی داشته باشد، آن زن قسمتی از وجود آن مرد می‌گردد و آن مرد نیز قسمتی از وجود آن زن. خدا نیز در کتاب آسمانی می‌فرماید که در نظر او، آن دو نفر، یکی می‌گردند. <sup>۱۷</sup>اما اگر خود را به خداوند تقدیم کنید، با او یکی خواهید شد.

<sup>۱۸</sup>به همین دلیل است که می‌گویم از زنا فرار کنید. هیچ گناهی تا به این اندازه، بر بدن اثر شوم نمی‌گذارد. وقتی مرتکب این گناه می‌شوید، به بدن خود صدمه می‌زنید. <sup>۱۹</sup>آیا هنوز نمی‌دانید که بدن شما، مسکن روح القدس می‌باشد که او را خدا به شما عطا کرده است؟ آیا نمی‌دانید که روح القدس در وجود شما زندگی می‌کند؟ پس بدن شما، از آن خودتان نیست! <sup>۲۰</sup>خدا شما را به بهایی گران خریدار است، پس تمام اعضای بدن خود را برای نشان دادن جلال و عظمت خدا بکار ببرید، چون او صاحب بدن شماست.

۱۴:۶  
اعما ۲:۲۴  
روم ۵:۶  
اقرن ۱۵:۲۳  
افس ۱:۱۹ و ۲۰

۱۶:۶  
پیذا ۲:۲۴  
متی ۱۹:۵ و ۶

۱۷:۶  
یو ۱۷:۲۱  
روم ۸:۱۶  
اقرن ۳:۱۷  
افس ۵:۳۰

۱۸:۶  
روم ۱:۲۴  
۱ تس ۴:۳ و ۴

۱۹:۶  
روم ۱۴:۸ و ۷  
اقرن ۶:۱۶  
۲۰:۶  
۱ پتر ۱:۱۸ و ۱۹

موجب نقض عهد و پیمانی می‌شود که لازمه رابطه زناشویی است. گناهان جنسی اغلب سبب انتقال بیماری به بدن ما می‌شود، و شخصیت ما را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد، بطوری که وقتی به جسم و روح خود آسیب می‌رسانیم، دچار اضطراب می‌شویم.

**۱۹:۶ و ۲۰** منظور پولس از اینکه خدا صاحب بدن ماست، چیست؟ بسیاری از مردم می‌گویند که این حق را دارند که هر کاری می‌خواهند، با بدن خود بکنند. اگرچه آنها این را آزادی می‌پندارند، اما در واقع خود را به اسارت خواهشهای خود در می‌آورند. وقتی ما مسیحی می‌شویم، روح القدس ما را پر می‌سازد و در ما ساکن می‌شود، بنابراین ما دیگر صاحب بدن خود نیستیم. اگر شما در خانه کس دیگری زندگی کنید، مقررات مربوط به آن خانه را زیر پا نمی‌گذارید. از آنجا که بدن شما به خدا تعلق دارد، نباید معیارهایی را که او برای زندگی تعیین کرده است، زیر پا بگذارید.

**۱۵-۱۷** تعالیمی که پولس درباره گناهان جنسی می‌دهد، بخصوص برای کلیسای قرتنس حائز اهمیت بود، چون معبد آفرودیت در آن شهر واقع بود. این معبد بیش از هزار روسپی را به خدمت گرفته بود و روابط جنسی قسمتی از مراسم مذهبی بود. پولس بوضوح بیان می‌دارد که مسیحیان نباید در گناهان جنسی شرکت داشته باشند، حتی اگر فرهنگ ما آن را امری مجاز و همگانی بداند.

**۱۸:۶** خدا رابطه جنسی را خلق کرد تا یکی از اجزاء اساسی و زیبایی ازدواج باشد؛ اما گناهان جنسی، یعنی روابط جنسی خارج از محدوده ازدواج - حتماً به یکی از افراد درگیر در ماجرا صدمه می‌زند. گناهان جنسی موجب رنجش خدا می‌شود چون نشان می‌دهد که ما ترجیح می‌دهیم بجای دریافت هدایت از سوی روح القدس، از خواهشهای خودمان پیروی کنیم. گناهان جنسی به دیگران آسیب می‌رساند چون

**ب - پولس به سؤالات کلیسا پاسخ می گوید (۱:۷ - ۱۶:۲۴)**  
پولس پس از بحث در خصوص بی نظمی ها در کلیسا، به فهرست سؤالاتی می پردازد که مسیحیان قرنس برای او فرستاده بودند، سؤالاتی در باره امور زناشویی، تجرد، خوردن گوشتی که برای بتها قربانی شده بود، شکل پوشاک به هنگام عبادت، نظم و ترتیب در شام خداوند، عطاهای روحانی، و قیامت مردگان. سؤالاتی که گریبانگیر کلیساهای روزگار ما است، بی شباهت به این سؤالات نیست؛ لذا می توان رهنمودهای خاصی از تعالیم پولس در این زمینه ها دریافت کرد.

### ۱- تعلیم درباره ازدواج مسیحی سؤالهایی درباره ازدواج

در باره آنچه در نامه خود برای من نوشته بودید، باید بگویم که خوب است مرد با زن تماس نداشته باشد.<sup>۲</sup> اما بسبب وسوسه های جنسی که در اطراف ما وجود دارد، بهتر است هر مرد برای خود زنی بگیرد و هر زن، شوهری برای خود اختیار کند.  
<sup>۳</sup> زن و مرد باید وظایف زناشویی خود را نسبت به یکدیگر انجام دهند.

۱:۷  
اقرن ۲۶:۸-۷  
۲:۷  
امت ۱۹:۵  
۳:۷  
خرو ۱۰:۲۱  
۱ پطر ۷:۳

خودداری کنند، بلکه باید نیازها و امیال یکدیگر را برآورده سازند (همچنین به توضیحات مربوط به ۱۰:۱۳ مراجعه کنید).

**۱۱-۳:۷** کلیسای قرنس بخاطر بی بند و باری حاکم بر فرهنگ پیرامون خود، دچار ناآرامی شده بود. بعضی از یونانی ها که می کوشیدند بی بند و باری جنسی را از خود دور کنند، روابط جنسی و ازدواج را نیز به یکباره مردود می شمردند. مسیحیان قرنس از خود می پرسیدند که آیا آنها نیز باید چنین بکنند؛ از این رو سؤالاتی از پولس کردند: «از آنجا که رابطه جنسی به انحراف کشیده شده، آیا نباید اساساً از ازدواج کردن خودداری کنیم؟ اگر همسر بی ایمان است، آیا نباید از او طلاق بگیریم؟ آیا افراد مجرد و بیوه ها نباید ازدواج کنند؟» پولس بسیاری از این سؤالات را با این گفته پاسخ می دهد که «فعلاً دست نگه دارید. به موقعیتی که خدا شما را در آن قرار داده، راضی باشید. بدنبال تجرد یا تأهل نروید. هر روز همان کاری را بکنید که خدا برای آن روز می خواهد و او کاری را که باید بکنید، به شما نشان خواهد داد.» او سپس به سؤالات خاص پاسخ می دهد و وظایف هر کس را در هر یک از این موقعیت ها روشن می سازد.

**۱:۷** مسیحیان قرنس طی نامه ای، چند سؤال از پولس درباره زندگی مسیحی و مشکلات کلیسای خود، مطرح کرده بودند. پولس در ادامه نامه به این سؤالات پاسخ می دهد.

**۱:۷** وسوسه های جنسی، مسیحیان قرنس را احاطه کرده بود. شهر، حتی در بین بت پرستان، به بی بند و باری جنسی و روسپیگری مذهبی شهرت داشت. به چنین جامعه ای است که پولس تعالیم مربوط به امور جنسی و ازدواج را ارائه می دهد. قرتیان بخاطر معیارهای ضداخلاقی که در فرهنگ خود داشتند، نیازمند تعالیمی خاص و دقیق بودند. پولس در مورد ارائه این تعلیم به قرتیان، دقت زیادی می کرد چون فرهنگ آنها تضاد زیادی با طرح الهی داشت. جهت کسب اطلاعات بیشتر در زمینه تعلیم پولس درباره ازدواج، به افسسیان فصل ۵ مراجعه کنید.

**۵-۳:۷** مقاومت در برابر وسوسه های جنسی دشوار است چون این گونه وسوسه ها به امیال طبیعی و عادی که خدا مقرر کرده است، مربوط می شوند. بخشی از معنای ازدواج، برآورده شدن امیال جنسی طبیعی و ایجاد پایداری در زن و مرد در برابر وسوسه می باشد. زن و شوهر موظفند که به فکر هم باشند. بنابراین، زن و شوهر نباید از ادا کردن وظایف خود نسبت به یکدیگر

ف دختری که ازدواج می‌کند، دیگر اختیار کامل بدن خود را ندارد، بلکه شوهرش نیز بر آن حقی دارد. همچنین شوهر بر بدن خود اختیار کامل ندارد، زیرا همسرش نیز بر آن حقی دارد. <sup>۵</sup> بنابراین، شما زوجها از رابطه زناشویی با یکدیگر پرهیز نکنید، مگر برای مدتی محدود و با توافق طرفین، تا بتوانید بطور کامل خود را وقف روزه و عبادت نمایید. اما بعد از این مدت، روابط عادی زناشویی را از سر بگیرید، تا مبادا شیطان شما را بعلت عدم تسلط بر نفس، در وسوسه اندازد.

۵:۷  
اتسا ۳:۳

۶ البته من حکم نمی‌کنم که شما حتماً ازدواج کنید، بلکه منظورم اینست که در صورت تمایل، آزاد هستید که چنین کنید. <sup>۷</sup> کاش همه می‌توانستند مانند من مجرد بمانند. اما ما همه، مانند هم نیستیم. خدا به هر کس نعمتی بخشیده است؛ به یکی این نعمت را عطا کرده که ازدواج کند، و به دیگری این نعمت را که با شادی و رضایت، مجرد بماند! <sup>۸</sup> پس به آنانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، و نیز به بیوه زنان می‌گویم که بهتر است اگر می‌توانند، مثل من مجرد بمانند. <sup>۹</sup> اما اگر نمی‌توانند بر امیال خود مسلط باشند، بهتر است که ازدواج کنند، زیرا ازدواج کردن، بهتر است از سوختن در آتش شهوت.

۶:۷  
قرن ۸:۸ + ۱۱:۱۷  
۷:۷  
متی ۱۲:۱۹  
اقرن ۵:۹ + ۱۱:۱۲

۱۰ در اینجا، برای آنانی که ازدواج کرده‌اند، دیگر نه یک توصیه، بلکه یک دستور دارم، دستوری که از جانب من نیست بلکه خود خداوند آن را فرموده است؛ و آن اینست که زن نباید از شوهرش جدا شود. <sup>۱۱</sup> اما اگر قبلاً از او جدا

۹:۷  
اتیمو ۵:۱۴

۱۰:۷  
ملا ۲:۱۴، ۱۶  
متی ۳۲:۵ + ۱۹:۵  
مر ۱۰:۱۰ - ۱۲  
لو ۱۶:۱۸

بتر است از سوختن در آتش شهوت. بسیاری از نوایمانان در قرتنس فکر می‌کردند که تمامی روابط جنسی نادرست است و از این رو با کسانی که قصد ازدواج داشتند، درگیر شده بودند. پولس به کسانی که در شرف ازدواج بودند، می‌فرماید که نباید با اجتناب از ازدواج، کشش‌های طبیعی جنسی خود را انکار کنند. اما این بدان معنا نیست که کسانی که بر افکار خود تسلط ندارند، باید با اولین کسی که برخورد می‌کنند، ازدواج کنند. زیر فشار امیال جنسی بودن بهتر است از یک ازدواج نادرست!

۱۱:۷ برخی در کلیسای قرتنس بخاطر علاقه زیاد به خدمت مسیح، فکر می‌کردند که باید از همسران بت‌پرست خود طلاق بگیرند و با یک مسیحی ازدواج کنند. اما پولس بر عهد و پیمانی که در ازدواج بسته می‌شود، صحه می‌گذارد. هدف خدا از ازدواج تداوم در اتحاد دو نفر است - حتی اگر یکی از طرفین ایماندار نباشد. زن (یا شوهر) مسیحی باید همسر خود را بسوی مسیح هدایت کند. توجیه کردن طلاق کار ساده‌ای است؛ با این حال پولس بدرستی اظهار می‌دارد که زندگی با همسر بی‌ایمان باید ادامه یابد و اینکه باید عامل مؤثری بود

۴:۷ از لحاظ روحانی، وقتی ما مسیحی می‌شویم، بدن ما به خدا تعلق پیدا می‌کند چون عیسی مسیح با پرداخت بها ما را از گناه آزاد کرده است (مراجعه کنید به ۱۹:۶ و ۲۰). از نظر جسمانی، بدن ما متعلق به همسر ماست، چون خدا بنای ازدواج را به اتحاد زن و شوهر گذاشت یعنی یک تن شدن آنها (پیدایش ۲:۲۴).

۷:۷ هم ازدواج و هم تجرد عطایایی از جانب خداست. هیچیک بر دیگری ارجحیت ندارد، و هر دو برای انجام اراده خدا مفید است. بنابراین، حائز اهمیت است که هر کس موقعیت فعلی خود را بپذیرد. وقتی پولس می‌گوید: «کاش همه می‌توانستند مثل من مجرد بمانند»، در واقع آرزو می‌کند که کاش عده بیشتری، مثل خود او فارغ از نگرانی همسر و خانواده، خود را بطور کامل وقف خدا برای خدمت به او بکنند. با این حال، پولس از ازدواج انتقاد نمی‌کند چون ازدواج راهی است که خدا برای مشارکت و پر کردن زمین مقرر کرده است.

۹:۷ اقدام به ازدواج تحت فشار امیال جنسی، انگیزه درستی برای این کار نیست، اما ازدواج با شخص مناسب



شده است، بهتر است یا مجرد بماند، یا نزد شوهرش باز گردد. شوهر نیز نباید زن خود را طلاق دهد.

۱۲:۷  
قرن ۱۷:۱۱

<sup>۱۲</sup> اکنون می‌خواهم نکاتی را بعنوان توصیه بیان کنم که گرچه مستقیماً از جانب خداوند نیستند، اما به نظر من بسیار مفید می‌باشند. اگر یک مرد مسیحی، همسری غیرمسیحی دارد، و آن زن حاضر است با او زندگی کند، او نباید زن خود را طلاق دهد.<sup>۱۳</sup> همچنین اگر یک زن مسیحی شوهری غیر مسیحی دارد، و شوهرش از او می‌خواهد که با او زندگی کند، آن زن نباید از شوهرش جدا شود.<sup>۱۴</sup> زیرا زن یا شوهر مسیحی با خود قدوسیت را وارد ازدواج خود می‌کند، در غیر اینصورت فرزندان ایشان ناپاک محسوب می‌شدند، اما بطوری که می‌بینیم، ایشان مقدس بشمار می‌آیند.

۱۴:۷  
عز ۲:۹  
ملا ۱۵:۲

<sup>۱۵</sup> اما اگر شوهر یا زن غیر مسیحی مایل باشد از همسر خود جدا شود، اشکالی ندارد. در این مورد، زن یا شوهر مسیحی نباید اصرار کند که همسرش با او بماند، زیرا خدا می‌خواهد که ما ایمانداران در آرامش و صفا زندگی کنیم.<sup>۱۶</sup> در ثانی، شما زنان مسیحی نمی‌توانید مطمئن باشید که اگر شوهرانتان با شما بمانند، نجات خواهند یافت. همچنین شما شوهران مسیحی نیز نمی‌توانید در مورد همسرانتان چنین اطمینانی داشته باشید.

۱۶:۷  
۱ پط ۱:۳

### ایمانداران باید از موقعیت خود راضی باشند

<sup>۱۷</sup> به هر حال، هنگامی که در این موارد تصمیمی می‌گیرید، یقین حاصل کنید

۱۷:۷  
قرن ۱۷:۴ ؛ ۱۶:۱۱ ؛  
۳۳:۱۴

زناشویی است. با این حال، پولس می‌گوید اگر همسر بی‌ایمان اصرار به جدایی داشته باشد، بگذارید جدا شود. اگر تنها راه باقی مانده برای زن یا شوهر مسیحی بمنظور حفظ پیوند زناشویی، انکار ایمان باشد، این بدتر از فسخ پیوند زناشویی است. کاملاً روشن است که هدف پولس در این آیه ترغیب زن و شوهر به ادامه پیوند است، نه قطع آن (مراجع کنید به ۱۷:۷ ؛ ۱ پطرس ۳:۲۰).  
**۱۷:۷** ظاهراً قرتیان مایل بودند تغییرات عمده‌ای در زندگی خود ایجاد کنند، بدون آنکه به عواقب آن فکر کرده باشند. پولس می‌گوید که باید در هر موقعیتی که هستند، مسیحی باشند. شما می‌توانید در هر جا برای خدا کاری انجام دهید و ایمان خود را اعلان کنید. لازم نیست که حتماً همسری مسیحی داشته باشید تا بتوانید برای خدا زندگی کنید. تصور نکنید که در موقعیت نادرستی قرار دارید و با شخص بدی طرف هستید. شما در موقعیتی هستید که خدا برای شما در نظر گرفته است (مراجعه کنید به ۲۰:۷).

در پیوند زناشویی. پولس مانند عیسی معتقد بود که پیوند زناشویی باید دائمی باشد (مراجعه کنید به مرقس ۱۰:۹-۱۰).

**۱۲:۷ دستوری** که پولس درباره دائمی بودن پیوند زناشویی می‌دهد، از عهد عتیق و از تعالیم عیسی مسیح سرچشمه می‌گیرد. توصیه او در این مورد براساس دستور خداست و او آن را به وضعیتی که قرتیان با آن روبرو بودند، مربوط می‌سازد. پولس دستور خدا را بالاتر از توصیه خودش قرار می‌دهد چون دستور خدا اصلی است ابدی، درحالی که توصیه او کاربردی مقطعی و موضعی دارد. مع‌هذا، توصیه پولس برای کسانی که در موقعیتی مشابه وضعیت قرتیان می‌باشند، بهترین توصیه است. پولس رسول و مرد خدا بود؛ او فکر مسیح را داشت.

**۱۶ و ۱۵:۷** عده‌ای برای خلاصی از پیوند زناشویی، از این آیه بعنوان یک راه گریز سوء استفاده کرده‌اند. اما مقصود پولس تشویق کردن زن یا شوهر مسیحی به ادامه زندگی با شوهر یا زن بی‌ایمان و تداوم بخشیدن به پیوند

که مطابق خواست خدا عمل می کنید. ازدواج کردن یا نکردن شما، باید طبق هدایت خدا باشد. درضمن، شرایط و موقعیتی را که خدا شما را در آن قرار داده است، بپذیرید. اینست دستور من برای تمام کلیساها.<sup>۱۸</sup> بعنوان مثال، مردی که پیش از مسیحی شدنش، مطابق رسم یهود ختنه شده است، نباید از این امر ناراحت باشد؛ و اگر ختنه نشده است، نباید حالا ختنه شود.<sup>۱۹</sup> زیرا برای یک مسیحی، هیچ فرقی ندارد که ختنه شده یا نشده باشد. مهم، خشنود ساختن خدا و اطاعت از دستورات اوست.

<sup>۲۰</sup> وقتی خدا شخصی را دعوت می کند تا زندگی خود را به مسیح بسپارد، لزومی ندارد که او شرایط و موقعیت سابق خود را تغییر دهد.<sup>۲۱</sup> فرض کنید که شما برده کسی هستید. لازم نیست از این موضوع ناراحت باشید. البته اگر فرصتی برای آزادی پیش آمد، از آن استفاده کنید.<sup>۲۲</sup> اگر به هنگام دعوت خداوند، برده باشید، این را بدانید که مسیح شما را آزاد کرده است، آزاد از قدرت گناه! و اگر به هنگام دعوت خداوند، برده نیستید، بدانید که اکنون برده مسیح هستید.<sup>۲۳</sup> مسیح شما را به قیمت جان خود خریده است و شما از آن او هستید. پس، اسیر اصول انسانی نشوید!<sup>۲۴</sup> بنابراین، ای برادران عزیز، وقتی یک نفر به مسیح ایمان می آورد، در هر موقعیت و شرایطی که هست باقی بماند، زیرا خدا در هر حالتی با اوست و او را یاری می کند.

۱۸:۷  
اعما ۱۵:۴-۱۹  
غلا ۲:۵

۱۹:۷  
روم ۲:۲۵  
غلا ۵:۶، ۱۵:۶  
کول ۳:۱۱  
ایو ۲:۴، ۳:۲

۲۱:۷  
غلا ۳:۲۸

۲۲:۷  
غلا ۵:۱۳  
افس ۶:۶  
۱ پتر ۲:۱۶

۲۳:۷  
لاو ۲۵:۴۲  
اقرن ۶:۲۰  
۱ پتر ۱:۱۸

### سؤال درباره تجرد

<sup>۲۵</sup> پرسیده بودید دخترانی که هنوز ازدواج نکرده اند، چه کنند؟ آیا اجازه دارند ازدواج کنند؟ من برای آنان حکم خاصی از جانب خداوند ندارم. اما از آنجا که

۲۵:۷  
اقرن ۴:۱

دادن مسیح، خدمت به او، و شهادت دادن برای او باشد. در هر موقعیتی که خدا به دلیلی شما را در آن قرار داده است، بدقت در جستجوی فرصت هایی برای خدمت به او باشید.

<sup>۲۳:۷</sup> برده داری در سرتاسر امپراطوری روم عمومیت داشت. بعضی از مسیحیان قرن تس برده بودند. پولس می گوید گرچه آنها برده انسان هستند، اما از قدرت گناه در زندگی شان آزادند. امروز هم مردم برده گناه هستند، مگر آنکه خود را به مسیح بسپارند، یعنی به تنها کسی که بر قدرت گناه غالب آمد. گناه و غرور و ترس دیگر حقی بر ما ندارند، همانطور که صاحب برده دیگر قدرتی بر برده آزادشده خود ندارد. کتاب مقدس می فرماید که ما وقتی مسیحی می شویم، غلام و برده مسیح می گردیم؛ اما در واقع ما حکم آزادی خود را می گیریم، چون دیگر گناه بر ما تسلطی ندارد.

<sup>۱۹ و ۱۸:۷</sup> ختنه بخش مهمی از رابطه یک یهودی با خدا را تشکیل می داد. در حقیقت پیش از آمدن مسیح، خدا به تمام کسانی که می خواستند از او پیروی کنند، فرموده بود تا ختنه شوند (پیدایش ۱۷:۹-۱۴). اما بعد از مرگ مسیح، ختنه دیگر ضرورتی نداشت (اعمال ۱۵)؛ و میان ۲۸:۲ و ۲۹؛ غلاطیان ۲:۵-۴؛ کولسیان ۲:۱۱). پولس می فرماید که خشنود ساختن خدا و اطاعت از او مهم تر از ختنه است.

<sup>۲۰:۷</sup> گاه فکر می کنیم که اگر در محل یا موقعیت دیگری بودیم، چه کارها برای خدا انجام می دادیم. اگر در چنین افکاری غوطه ور شویم، فرصت های خوب در موقعیت فعلی خود را از دست خواهیم داد. پولس می گوید وقتی کسی مسیحی می شود، باید شرایط و موقعیت سابق خود را حفظ کند - مشروط براینکه نامشروع و خلاف اصول اخلاقی نباشد. فرد مسیحی می تواند به هر شغلی اشتغال داشته باشد در صورتی که هدف زندگی اش جلال

خداوند از سر لطف، به من حکمتی عطا کرده که قابل اعتماد است، نظر خود را در این باره بیان می‌دارم:

۲۶:۷  
لو ۲۳:۲۱

<sup>۲۶</sup> با توجه به مشکلات و سختی‌هایی که برای ما مسیحیان در زمان حاضر وجود دارد، فکر می‌کنم بهتر است که شخص ازدواج نکند. <sup>۲۷</sup> البته اگر همسر دارید، بخاطر این موضوع، از او جدا نشوید، ولی اگر همسر ندارید، بهتر است ازدواج نکنید. <sup>۲۸</sup> اما اگر شما برادران، تصمیم دارید در همین شرایط نیز ازدواج کنید، اشکالی ندارد؛ و اگر دختری هم خواست ازدواج کند، گناهی مرتکب نشده است. اما بدانید که ازدواج، مشکلات شما را بیشتر می‌کند، و من دلم نمی‌خواهد که شما را در مشکلات ببینم.

۲۹:۷  
روم ۱۱:۱۳  
اقرن ۳۱:۷  
۱ پطرس ۷:۴

<sup>۲۹</sup> نکته مهمی که باید بیاد داشته باشیم، این است که زمان بسیار کوتاهی برای ما باقی مانده و فرصت برای کار خداوند بسیار کم است. به همین دلیل، کسانی که زن دارند، باید تا آنجا که ممکن است، برای کار خداوند آزاد باشند. <sup>۳۰</sup> غم یا شادی یا ثروت، نباید کسی را از خدمت به خداوند باز دارد. <sup>۳۱</sup> آنانی که از امکانات مادی دنیا برخوردارند، طوری زندگی کنند که به این دنیا دلبسته نشوند، زیرا شکل کنونی دنیا بزودی از بین خواهد رفت.

۳۱:۷  
مز ۶:۳۹  
یعقو ۱۴:۴  
۱ یو ۱۷:۲

<sup>۳۲</sup> من می‌خواهم که شما در همه چیز فارغ از اضطراب و نگرانی باشید. مردی که ازدواج نکرده است، می‌تواند تمام وقت خود را صرف خدمت خداوند کند و

**۲۹:۷** پولس همه ایمانداران را تشویق می‌کند تا قبل از بازگشت مسیح، بیشترین استفاده را از وقت خود بکنند. هر کس در هر سنی که باشد، باید درک کند که بشارت کلام، امری است فوری. سالهای عمر ما هر قدر هم زیاد باشد، اما خیلی زود سپری می‌شود.

**۲۹:۷-۳۱** پولس ایمانداران را تشویق می‌کند که «برای کار خداوند آزاد باشند.» این بدان معناست که ما نباید ازدواج، خانواده، یا رفاه مادی را هدف زندگی قرار دهیم. تا جایی که ممکن است نباید با اشتغال به مسائل دنیا، از هدف والای خود باز بمانیم؛ نباید خود را با وام‌ها و بدهیهای سنگین و سرمایه‌گذاری‌های توان‌فرسا گرفتار کنیم و از کار خدا غافل شویم. همانطور که پولس اشاره می‌کند، مردی که ازدواج کرده (۳۳:۷)، باید به فکر مسائل مادی هم باشد؛ اما باید مراقب باشد که در حدی متعادل و معقول به امور مادی بپردازد.

**۳۲-۳۴** برخی از افراد مجرد تصور می‌کنند که باید فوراً ازدواج کنند. آنها فکر می‌کنند داشتن همسر زندگی آنها را کامل می‌کند. اما پولس بر یکی از امتیازات تجرد تأکید می‌کند - یعنی امکان تمرکز بیشتر بر مسیح و

**۲۶:۷** پولس احساس می‌کرد که حکومت روم بزودی مسیحیان را مورد آزار و اذیت قرار خواهد داد. پولس این توصیه عملی را به آنان ارائه می‌دهد، چون شخصی که مجرد است دچار رنج و زحمت کمتری است و با آزادی بیشتری می‌تواند زندگی خود را بخاطر مسیح به خطر بیندازد (۲۹:۷)، حتی می‌تواند بدون واهمه جان خود را فدای مسیح کند. سفارش پولس نمایانگر وقف کامل او برای رساندن کلام خدا می‌باشد.

**۲۸:۷** بسیاری از مردم ساده‌لوحانه فکر می‌کنند که ازدواج همه مشکلاتشان را حل خواهد کرد. بعضی از مشکلاتی که ازدواج نمی‌تواند حل کند، به این قرار است: (۱) تنهایی، (۲) وسوسه جنسی، (۳) ارضا عمیق‌ترین نیازهای عاطفی، (۴) رفع مشکلات زندگی. ازدواج به تنهایی دو تن را یک نمی‌سازد؛ عامل ایجاد اتحاد، تعهد به مسیح و به یکدیگر علیرغم تضادها و مشکلات است. ازدواج با اینکه امری بسیار زیبا است، اما مشکلات را از میان نمی‌برد. چه مجرد باشیم چه متأهل، باید از موقعیت خود راضی باشیم، و برای حل مشکلاتمان نه به انسان بلکه به مسیح تکیه کنیم.

تمام فکرش این باشد که او را خشنود سازد.<sup>۳۳</sup> اما مردی که ازدواج کرده است، نمی‌تواند براحتی خداوند را خدمت کند، زیرا مجبور است در فکر مادیات نیز باشد و بکوشد همسرش را راضی نگاه دارد.<sup>۳۴</sup> در واقع عشق و علاقه او، بین خدا و همسرش تقسیم می‌شود. دختری هم که ازدواج می‌کند، همینطور می‌باشد. او نیز با این مسایل روبرو است. اما دختری که ازدواج نکرده، مشتاقانه در فکر اینست که جسماً و روحاً خداوند را خشنود کند. اما زن شوهردار باید در فکر کارهایی مانند خانه‌داری باشد و خواستهای شوهرش را در نظر بگیرد.

<sup>۳۵</sup> من این مطالب را برای کمک به شما می‌گویم، و منظورم این نیست که شما را از ازدواج باز دارم و یا محدودیتی برایتان ایجاد کنم. آرزوی من اینست که هر چه می‌کنید، باعث شود خداوند را بهتر خدمت نمایید و تا حد امکان توجه شما از خدمت او کمتر منحرف شود.

<sup>۳۶</sup> اگر کسی می‌بیند که نسبت به دختری که نامزدش است پرهیز ندارد و نمی‌تواند بر امیال خود مسلط باشد و نامزدش نیز بحد بلوغ رسیده، و او می‌خواهد با این دختر ازدواج کند، گناهی مرتکب نشده است. اشکالی ندارد؛ بگذارید ازدواج کند.<sup>۳۷</sup> اما اگر کسی با اراده‌ای محکم تصمیم گرفته است که ازدواج نکند، و می‌بیند که نه تمایلی به این کار دارد و نه نیازی به آن، تصمیم عاقلانه‌ای گرفته است.<sup>۳۸</sup> پس کسی که ازدواج می‌کند، کار خوبی می‌کند، و کسی که ازدواج نمی‌نماید، کار بهتری می‌کند.

<sup>۳۹</sup> زن تا زمانی که شوهرش زنده است، قسمتی از وجود اوست. ولی اگر شوهرش فوت کند، می‌تواند دوباره ازدواج نماید، اما فقط با یک مسیحی.<sup>۴۰</sup> ولی بنظر من، اگر ازدواج نکند، خوشحالت‌تر خواهد بود. و من فکر می‌کنم که آنچه می‌گویم، از جانب روح خداست.

## ۲- تعلیم درباره آزادی مسیحی

### سؤالاتی درباره خوراک تقدیم شده به بت‌ها

سؤال بعدی شما درباره خوردن گوشتی است که برای بت‌ها قربانی شده است.

در این مورد هر کس فکر می‌کند که جواب درست را فقط خودش می‌داند!

۳۴:۷

لو ۱۰:۴۰

ا تیمو ۵:۵

۳۸:۷

عبر ۱۳:۴

۳۹:۷

روم ۷:۲

۲ قرن ۱۴:۶

۴۰:۷

۱ قرن ۷:۲۵، ۶:۷

۱:۸

اعما ۱۵:۲۰

روم ۱۴:۱۹

نیست برای خدمت به خدا. خدمت فقط به تعهد خود شخص بستگی دارد.

**۱:۸** گوشتی که از بازار خریده می‌شود، احتمالاً گوشتی بود که در بت‌کده برای یک بت قربانی شده بود. حیوانات را به معبد می‌بردند و بعنوان بخشی از مراسم بت‌پرستی در برابر بت قربانی می‌کردند؛ سپس گوشت این قربانی‌ها را به قصابی می‌دادند تا در غذاخوری بت‌کده یا در بازار به

خدمت به او. اگر شما ازدواج نکرده‌اید، از فرصت استثنایی خود برای خدمت به مسیح با تمام وجود استفاده کنید.

**۳۸:۷** وقتی پولس می‌گوید کسی که ازدواج نمی‌کند، کار بهتری می‌کند، درباره وقت آزاد و غنی برای خدمت به خدا سخن می‌گوید، چون شخص مجرد در قبال مسائل خانوادگی، مسؤولیت‌های کمتری دارد. اما مجرد تضمینی

این طرز فکر که «من همه چیز را می دانم»، باعث می شود که به انسان غرور دست دهد. اما آنچه که برای پیشرفت کلیسا واقعاً لازم می باشد، محبت است و نه دانایی. کسی که فکری کند همه چیز را می داند، در واقع نادانی خود را نشان می دهد. اما کسی که خدارا دوست دارد قلبش به روی معرفت و شناخت خدا باز است.

۴:۸ حال به اصل مطلب برگردیم. آیا صحیح است گوشتی را که برای بتها قربانی شده است، بخوریم؟ در این مورد، همه می دانیم که بت، خدا نیست، زیرا فقط یک خدا هست و بس. <sup>۵</sup> به عقیده بعضی از مردم، خدایان بسیاری در آسمان و بر زمین هستند. اما ما می دانیم که فقط یک خدا وجود دارد، یعنی پدر آسمانی ما که تمام چیزها را آفریده و ما را نیز بوجود آورده تا از آن او باشیم. همچنین می دانیم که فقط یک سرور و خداوند وجود دارد، یعنی عیسی مسیح، که همه چیز بوسیله او آفریده شده و حیات ما از اوست.

۷ اما همه مسیحیان این موضوع را درک نمی کنند. بعضی ها در تمام طول زندگانی، بر این اعتقاد بوده اند که بتها زنده اند و قربانی هایی که به بتها تقدیم می شوند، به خدایان واقعی تقدیم می گردند. بنابراین، حتی الان نیز که چنین خوراکی را می خورند، ناراحت می شوند و وجدانهای حساسشان رنج می برد. <sup>۸</sup> اما این را بدانید که برای خدا هیچ مهم نیست که ما چنین خوراکی را بخوریم یا نخوریم، زیرا نه با خوردن آن بدتر می شویم، و نه با نخوردن آن، بهتر! <sup>۹</sup> اما مواظب باشید که مبادا آزادی شما در خوردن چنین گوشتی، موجب لغزش و انحراف مسیحیانی گردد که از شما ضعیفتر هستند.

۱۰ بعنوان مثال، ممکن است شخصی که خوردن گوشت قربانی را درست نمی داند، ببیند که شما در نهار خوری بتخانه نشسته اید و بدون هیچ وسواسی، مشغول خوردن چنین گوشتی هستید. در نتیجه او نیز جرأت پیدا کرده، از آن خواهد خورد، اما در

فروش رسانده شود. ایمانداران نمی دانستند که آیا با خوردن چنین گوشتی، به نوعی در مراسم پرستش بت پرستان سهیم می شدند یا نه.

۱۱-۳ محبت از علم مهم تر است. علم باعث می شود ظاهر پسندیده ای داشته باشیم و احساس بزرگی بکنیم؛ اما شخصی که علم دارد، زود مغرور می شود و تصور می کند همه چیز را می داند. بسیاری از کسانی که خود را عالم می پندارند، تمایلی به شنیدن و آموختن از خدا و از دیگران ندارند. پولس می فرماید که معرفت خدا یعنی معرفتی را که برای بنای کلیسا لازم است، فقط از طریق عشق الهی می توان کسب کرد.

۱۲-۹ پولس این آیات را خطاب به ایماندارانی می نویسد که از خوردن گوشت تقدیم شده به بتها احساس ناراحتی

۲:۸ اقرن ۱۸:۳ : ۱۳:۱۳ و ۹  
۳:۸ غلا ۹:۴  
۲ تیمو ۱۹:۲  
۴:۸ تث ۳۹:۴  
اش ۸:۴۴  
اعما ۲۰:۱۵  
۵:۸ یو ۳۴:۱۰  
۶:۸ یو ۳:۱  
اعما ۲۸:۱۷  
افسی ۶:۴  
کول ۱۶:۱  
۷:۸ روم ۲۲:۱۴:۱۴  
اقرن ۴:۸  
۸:۸ روم ۱۷:۱۴  
۹:۸ روم ۲۱:۱۳:۱۴  
اقرن ۱۰:۸ : ۱۰:۱۰  
غلا ۱۳:۵  
۱۰:۸ اعما ۲۰:۱۵

نمی کردند. گرچه بتها واقعی نبودند و مراسم قربانی برای بتها بی معنی بود، با این حال خوردن چنین گوشتی مسیحیانی را که وجدان حساسی داشتند ناراحت می کرد. از این رو پولس می فرماید که اگر کار آنها برای یک ایماندار ضعیف تر یا نابالغ باعث سوء تفاهم شود، باید بخاطر ملاحظه حال آنان، از خوردن گوشت تقدیم شده به بتها اجتناب کنند.

۱۳-۱۰:۸ آزادی مسیحی به این معنا نیست که «هر کاری مجاز است.» آزادی مسیحی به این معناست که نجات ما در اثر اجرای شریعت مذهبی یا اعمال نیک بدست نمی آید بلکه هدیه ای است رایگان از سوی خدا (افسیان ۹:۸). به این ترتیب، آزادی مسیحی از مسؤولیت مسیحی جدایی ناپذیر است. نوایمانان اغلب نسبت به اینکه چه کاری خوب است و چه کاری بد، چه کاری را باید انجام دهند و چه کاری را نباید

۱۱-۳ محبت از علم مهم تر است. علم باعث می شود ظاهر پسندیده ای داشته باشیم و احساس بزرگی بکنیم؛ اما شخصی که علم دارد، زود مغرور می شود و تصور می کند همه چیز را می داند. بسیاری از کسانی که خود را عالم می پندارند، تمایلی به شنیدن و آموختن از خدا و از دیگران ندارند. پولس می فرماید که معرفت خدا یعنی معرفتی را که برای بنای کلیسا لازم است، فقط از طریق عشق الهی می توان کسب کرد.

۱۲-۹ پولس این آیات را خطاب به ایماندارانی می نویسد که از خوردن گوشت تقدیم شده به بتها احساس ناراحتی

تمام مدت احساس گناه خواهد کرد.<sup>۱۱</sup> به این ترتیب، «دانایی» شما به برادر حساسی که مسیح جاننش را برای او فدا کرد، صدمه روحانی شدیدی می‌زند.<sup>۱۲</sup> شما او را به انجام کاری تشویق کرده‌اید که او آن را خطا می‌پندارد، و با این عمل، نسبت به او گناه کرده‌اید، و گناه به برادرتان، گناه به مسیح است.<sup>۱۳</sup> پس اگر خوردن گوشتی که برای بت قربانی شده است، باعث گناه کردن برادر من می‌شود، من تا عمر دارم از آن نخواهم خورد، مبدا باعث لغزش او شوم.

### حقوق یک رسول

۹ من رسول و فرستاده خدا هستم و فقط در مقابل خدا مسئولم. من کسی هستم که خداوندمان عیسی مسیح را با چشمان خود دیده‌ام. زندگی دگرگون شده شما نیز نتیجه خدمت من به اوست.<sup>۲</sup> حتی اگر دیگران مرا رسول

۱۱:۸  
روم ۲۰:۱۵؛ ۱۴  
اقرن ۴:۸  
۱۲:۸  
متی ۶:۱۸  
روم ۲۰:۱۴  
۱۳:۸  
روم ۲۱:۱۴  
اقرن ۳۲:۱۰  
اقرن ۲۹:۱۱؛ ۳:۶

۱:۹  
اعما ۹:۱۸؛ ۳:۹  
اقرن ۶:۳؛ ۱۵:۴؛ ۱۵:۱۵  
۱ تیمو ۷:۲  
۲ تیمو ۱۱:۱  
۲:۹  
اقرن ۲:۳

### برادران ضعیف و قوی

از رشد روحانی خود مغرور نشوید؛ آزادی خود را به رخ کسی نکشید. اگر به محبت عمل کنید، سبب لغزش برادر ضعیف نخواهید شد.

گرچه شاید فکر کنید که در بعضی موارد به اندازه دیگران آزادی عمل ندارید، با این حال وقت بیشتری را صرف دعا در حضور خدا کنید، اما دیگران را تحت فشار قرار ندهید تا پای‌بند شرایط شما باشند. شما با تعیین ضابطه و معیار برای نحوه رفتار سایر ایمانداران، ممکن است مانعی در برابر آنان قرار دهید. یقین حاصل کنید که اعتقادات شما بر اساس کلام خدا باشد نه بر عقیده خودتان. تعلیم شما باید صحیح و از کلام خدا باشد. به مسیحیان کمک کنید تا بفهمند از دید خدا چه چیزی درست و چه چیزی غلط می‌باشد، و کمک کنید تا بفهمند که می‌توانند در مسائلی که در کلام نیامده، عقاید مختلفی داشته باشند و با وجود این، متحد باشند. نگذارید مشکلات بالقوه از کنترل شما خارج شده، موجب شقاق و جدایی در کلیسا شود.

نصیحت به:  
برادران قوی‌تر

برادران ضعیف‌تر

خادمین و رهبران

پولس به کسانی که از رشد ایمانی بیشتری برخوردارند، توصیه می‌کند که چگونه باید به خواهران و برادران خود در مسیح که وجدان حساسی دارند، توجه داشته باشند؛ او خواهران و برادران ضعیف‌تر را با توجه به میزان رشدشان نصیحت می‌کند؛ و خادمین و رهبران را آموزش می‌دهد که چگونه به اختلافاتی که ممکن است بین این گروه‌ها پیش آید، رسیدگی کنند.

را ارائه می‌دهد: اعتبارنامه او این است که او عیسیایی قیام کرده را با چشمان خود دیده و با او سخن گفته است، عیسیایی که او را برای رسالت فرا خوانده است (مراجعه کنید به اعمال ۱۸-۳:۹). چنین اعتبارنامه‌ای، راهنماییهایی او را در این نامه، قابل قبول‌تر می‌سازد. پولس در دوم قرنتیان ۱۰-۱۳ بطور مفصل از رسالت خود دفاع می‌کند.

۱:۹ تلاش زیاد پولس، ثمرات قابل ملاحظه‌ای را در قرتس آورده بود: کسانی که زندگی‌شان تغییر کرده بود، شهادتی بودند دال بر اینکه خدا پولس را بکار می‌برد. آیا ایمان شما چنین تأثیری بر دیگران دارد؟ اگر خود را در

انجام دهند، حساس اند. انجام بعضی از کارها گرچه شاید خیلی خوب باشد، اما ممکن است به خواهر یا برادر مسیحی که هنوز در ایمان طفل است و هنوز در حال یادگیری نحوه زندگی مسیحی است، صدمه بزند. ما باید مراقب باشیم تا یک ایماندار نابالغ و حساس را نرنجانیم یا با الگو قرار دادن خود، موجب گناه کردن او نشویم. اگر نسبت به دیگران در وجود خود محبت داشته باشیم، بنا و تقویت روحانی آنان مهم‌تر از انجام دادن یا ندادن برخی کارها خواهد بود.

۱:۹ بعضی از ایمانداران قرتس اختیارات پولس را بعنوان رسول زیر سؤال برده بودند. پولس اعتبارنامه رسالت خود

ندانند، شما باید بدانید، زیرا وجود شما بهترین دلیل است بر اینکه من رسول هستم، چون شما بوسیله من به مسیح ایمان آوردید.

۳ جواب من به آنانی که از من انتقاد می‌کنند، اینست: ۴ آیا من مانند سایر رسولان، این حق را ندارم که خورد و خوراک خود را از کلیساها تأمین کنم؟

۵ اگر زن داشتم و او نیز مسیحی می‌بود، آیا حق نداشتم او را در این سفرها به همراه بیاورم، یعنی همان کاری که سایر رسولان و برادران خداوندمان عیسی و

پطرس می‌کنند؟ ۶ آیا فقط من و «برنابا» باید برای تأمین نیازهای خود کار کنیم، ولی مخارج سایر رسولان را شما باید تأمین کنید؟ ۷ کدام سرباز است که

به هنگام خدمت نظام، مخارج خود را شخصاً تأمین نماید؟ یا کدام باغبان است که درختی بکارد ولی اجازه نداشته باشد از میوه آن بخورد؟ یا کدام چوپان

است که گله‌ای را چوپانی کند ولی حق نداشته باشد از شیر آن بنوشد؟ ۸ شاید فکر کنید که این نکات را از نقطه نظر انسانی می‌گویم. اما چنین نیست، زیرا

قانون خدا نیز همین را می‌گوید. ۹ در تورات حکم شده که وقتی گاو خرمن را می‌کوبد، دهانش را نبند تا بتواند از خرمن بخورد. آیا تصور می‌کنید که خدا

فقط به فکر گاوها بود که چنین دستوری داد؟ ۱۰ آیا فکر نمی‌کنید که این دستور را برای ما نیز داده است؟ بلی، همینطور است. خدا این حکم را داد تا

نشان دهد که مسیحیان باید معاش خدمتگزاران روحانی خود را تأمین کنند. کسی که شخم می‌زند و خرمن می‌کوبد، البته باید سهمی از محصول ببرد.

۱۱ اما در دل شما بذر نیکوی روحانی را کاشته‌ایم. حال، اگر تقاضای کمک مالی از شما داشته باشیم، آیا چیز بزرگی خواسته‌ایم؟ ۱۲ شما نیازهای دیگران را که از

لحاظ روحانی شما را خدمت می‌کنند، برآورده می‌سازید و همینطور نیز باید باشد. پس آیا ما نباید نسبت به آنان حق بیشتری داشته باشیم؟ با اینحال ما هرگز

از این حق خود استفاده نکرده‌ایم، بلکه احتیاجاتمان را بدون کمک شما تأمین نموده‌ایم. ما هرگز از شما درخواست کمک مالی نکرده‌ایم، چون می‌ترسیدیم

علاقه شما به شنیدن پیغام انجیل کم شود.

۵:۹

متی ۱۴:۸ ۴۶:۱۲

مر ۲:۳

لو ۱۵:۶

۶:۹

تسا ۸:۳

۷:۹

تث ۲:۲۰

امث ۱۸:۲۷

قرن ۱:۳

قرن ۲:۱۰

تیمو ۷:۴

۱ پطر ۲:۵

۹:۹

تث ۴:۲۵

تیمو ۱۸:۵

۱۰:۹

روم ۲۳:۴

تیمو ۶:۲

۱۱:۹

روم ۲۷:۱۵

۱۲:۹

قرن ۲:۳۶ ۱۲:۷:۱۱

توجه شما به این است که برای مسیح زندگی کنید، دیگر زیاد به حق و حقوق خود فکر نخواهید کرد.

۹:۴-۱۰ عیسی فرمود که کارگر مستحق مزد خویش است (لوقا ۱۰:۷). پولس به این گفته اشاره می‌کند و

کلیسا را تشویق می‌نماید که مزد خادمین مسیحی را فراموش نکنند. ما در قبال شبانان، معلمین و دیگر رهبران

روحانی خود وظایفی داریم. وظیفه ما اینست که ببینیم آیا کسانی که ما را خدمت می‌کنند، در وضع خوبی قرار

دارند و به اندازه کافی تأمین هستند یا نه.

اختیار خدا قرار دهید تا شما را بکار ببرد و از شما فرد پرثمری بسازد، می‌توانید زندگی دیگران را تغییر دهید و در رشد روحانی به آنها کمک کنید.

۹:۴ پولس خود را نمونه می‌آورد و می‌گوید که از حقوق شخصی خود دست کشیده است. پولس این حق را

داشت که خورد و خوراکش را از کلیسا تأمین کند، ازدواج کند، مهمان به‌همراه بیاورد، و در مقابل کارش

حق‌الزحمه دریافت کند؛ اما او داوطلبانه از حقوق خود دست کشید تا مردم را بسوی مسیح هدایت کند. وقتی

<sup>۱۳</sup> بی‌شک به یاد دارید که خدا به خدمتگزاران خانه‌اش اجازه داد که خوراک خود را از هدایایی که مردم به خانه او می‌آورند، تأمین نمایند، و خدمتگزاران قربانگاه نیز از قربانی‌های مردم سهمی ببرند.<sup>۱۴</sup> به همین ترتیب، خداوند فرموده است هر که پیام انجیل را اعلام می‌کند، هزینهء زندگی‌اش باید توسط مسیحیان تأمین شود.<sup>۱۵</sup> اما با وجود این، من هیچگاه از این حق خود استفاده نکرده‌ام. اگر هم حالا چنین مطلبی را می‌نویسم، منظورم این نیست که از این پس از کمکهای شما بهره‌مند شوم. من ترجیح می‌دهم از گرسنگی بمیرم، اما این افتخارم را از دست ندهم؛ من افتخار می‌کنم که پیغام انجیل را بدون دستمزد اعلام می‌دارم.<sup>۱۶</sup> زیرا انجام این خدمت، بخودی خود برای من امتیازی محسوب نمی‌شود، چون من موظفم که این خدمت را انجام دهم، و اگر در انجام آن کوتاهی کنم، وای بر من!

<sup>۱۷</sup> اگر من به میل خود داوطلب می‌شدم که خدا را خدمت کنم، در آنصورت توقع دستمزد نیز می‌داشتم. اما چنین نیست، زیرا خدا خود، مرا برگزیده و این خدمت مقدس را به من سپرده است و من هیچ اختیاری از خود ندارم.<sup>۱۸</sup> در چنین شرایطی، دستمزد من چیست؟ دستمزد من، همان شادی است که از اعلام خبر خوش انجیل بدست می‌آورم، آن هم بدون آنکه از کسی کمک مالی بگیرم و یا حق خود را مطالبه کنم.

<sup>۱۹</sup> این روش یک مزیت دارد و آن اینکه من مجبور نیستم بخاطر دستمزدی که کسی به من می‌دهد، مطیع او باشم. با وجود این، از روی میل و رضا خدمتگزار همه کس شده‌ام تا ایشان را بسوی مسیح هدایت کنم.<sup>۲۰</sup> وقتی با یهودیان هستم، مانند خودشان رفتار می‌کنم تا به این ترتیب مایل شوند به پیام انجیل گوش فرا دهند و به مسیح ایمان آورند. وقتی با غیریهودیان هستم که پیرو آداب و رسوم یهودند، با اینکه با طرز فکرشان موافق نیستم، اما مخالفت خود را ابراز نمی‌کنم، زیرا هدفم کمک به ایشان است.<sup>۲۱</sup> وقتی با بت‌پرستان هستم، مانند ایشان

۱۳:۹

لاو ۱۶:۶  
اعد ۱۰:۵

۱۴:۹

متی ۱۰:۱۰  
لو ۷:۱۰غلا ۶:۶  
اتیمو ۱۷:۵

۱۵:۹

اعما ۳:۱۸ ؛ ۳۳:۲۰  
قرن ۱۰-۸:۱۱

۱۶:۹

اعما ۱۵:۹  
روم ۱۴:۱

۱۷:۹

غلا ۷:۲  
اقس ۸-۱:۳فیل ۱۷و۱۶:۱  
کول ۲۵:۱

۱۸:۹

قرن ۷:۱۱ ؛ ۱۳:۱۲

۱۹:۹

غلا ۱۳:۵

۲۰:۹

اعما ۳:۱۶ ؛ ۲۰:۲۱-۲۷  
روم ۱۴:۱۱

۲۱:۹

روم ۱۱-۸:۲  
غلا ۲:۳

انجام هر کاری آزاد است؛ در آیات ۲۴ تا ۲۷ او بر یک زندگی کاملاً منضبط تأکید می‌کند. زندگی مسیحی، هم شامل آزادی است و هم انضباط. هدف زندگی پولس جلال دادن خدا و هدایت مردم بسوی مسیح بود. از این رو، او خود را از مقام فیلسوفی یا از درگیریهایی مادی که می‌توانست او را از راه اصلی منحرف کند، آزاد کرده بود. او خود را تحت انضباطی شدید قرار داده بود تا بتواند هدف خود را عملی سازد و در اثر وسوسه‌های زندگی، دچار انحراف نشود. برای پولس هم آزادی و هم انضباط وسایل مهمی بودند که در خدمت به خدا بکار می‌آمدند.

**۱۳:۹** کاهنان معبد بعنوان قسمتی از حق‌الزحمه خود، بخشی از هدایای خوراکی را دریافت می‌کردند (مراجعه کنید به اعداد ۸:۱۸-۲۴).

**۱۶:۹** موعظه کلام، عطا و دعوت پولس بود و او می‌گوید که موظف است این کار را ادامه دهد. اشتیاق او به خدمت خدا او را و می‌داشت تا اراده خدا را انجام دهد و از عطایای خود برای این کار استفاده کند. خدا چه عطای خاصی به شما داده است؟ آیا شما نیز مانند پولس اشتیاق دارید که خدا را با عطایای خود جلال دهید؟

**۱۹-۲۷:۹** در آیات ۱۹ تا ۲۲ پولس می‌گوید که برای



می شوم، البته نه در همه مسایل، زیرا بعنوان یک مسیحی باید مطیع احکام خدا باشم و آنچه را که درست است، انجام دهم.

بنابراین، هم‌رنگ آنان می شوم تا بتوانم بسوی مسیح هدایتشان کنم.<sup>۲۲</sup> وقتی با کسانی هستم که وجدانشان خیلی زود ناراحت می شود، خود را داناتر از آنان نشان نمی دهم، تا اجازه دهند کمکشان کنم. خلاصه سعی می کنم با هر کس، مانند خودش باشم تا مایل شود سخنان مرا بشنود و نجات یابد.<sup>۲۳</sup> همه این کارها را می کنم تا بتوانم پیام انجیل را به ایشان برسانم و خود نیز با مشاهده نجات آنان، از برکات الهی بهره مند شوم.

<sup>۲۴</sup> در یک مسابقه دو، همه می دونند اما فقط یک نفر جایزه را می برد. پس شما نیز طوری بدوید تا مسابقه را ببرید.<sup>۲۵</sup> یک ورزشکار برای کسب موفقیت در مسابقات از چیزهای بسیاری چشم پوشی می کند و تمرینهای سختی انجام می دهد. او برای بدست آوردن جایزه ای فانی، چنین زحماتی را متحمل می شود، ولی ما برای پاداش آسمانی کوشش می کنیم، که هرگز از بین نخواهد رفت.<sup>۲۶</sup> به همین دلیل، من مستقیم و با اطمینان بسوی خط پایان مسابقه می دوم؛ همچون مشت زنی هستم که از هر ضربه مشتش برای پیروزی استفاده می کند، نه مانند کسی که به سایه اش مشت می زند.<sup>۲۷</sup> من مثل یک ورزشکار با تمرینهای سخت، بدنم را آماده می کنم، و آنقدر بر آن سخت می گیرم تا آن کاری را انجام دهد که باید بکند، نه آنچه را که می خواهد. اگر چنین نکنم می ترسم پس از آنکه دیگران را برای شرکت در مسابقه آماده کردم، خودم آماده نباشم و از شرکت در مسابقه محروم گردم.

۲۲:۹

روم ۱:۱۴؛ ۱:۱۵

اقرن ۱۰:۳۳

اقرن ۱۱:۲۹

۲۴:۹

عبر ۱:۱۲

۲۵:۹

اتیمو ۱۲:۶

۲ تیمو ۵:۲

یعقو ۱۲:۱

اپطر ۴:۵

مکا ۱۰:۲؛ ۱۱:۳

۲۶:۹

۲ تیمو ۷:۴

عبر ۱:۱۲

۲۷:۹

اقرن ۱۳:۵

**۲۵:۹** گاهی برای اینکه به خواسته خدا عمل کنیم، باید از خواسته خودمان چشم پیوشیم. هدف هر کس تعیین کننده انضباط و محرومیت‌هایی است که باید به آنها گردن نهد. بدون داشتن هدف، انضباط چیزی بیش از خودآزاری نیست. اگر هدف خشنود ساختن خدا باشد، محرومیت‌های ما در مقایسه با پاداش اخروی که از آن ما می شود، هیچ بنظر خواهد رسید.

**۲۷:۹** وقتی پولس می گوید می ترسد خودش آماده نباشد و از شرکت در مسابقه محروم گردد، منظورش این نیست که ممکن است نجاتش را از دست بدهد، بلکه می خواهد بگوید که ممکن است امتیاز سخن گفتن از مسیح برای دیگران را از دست بدهد. خیلی ساده است که به دیگران بگویم چگونه زندگی کنند، اما خودمان به آن عمل نکنیم. باید مواظب باشم تا خودمان به آنچه که موعظه می کنیم، عمل نمایم.

**۲۲:۹ و ۲۳** پولس اصول مهمی را برای خدمت ارائه می دهد: (۱) با کسی که ملاقات می کنید، وجوه مشترکی بیابید؛ (۲) خود را دانای مطلق ندانید؛ (۳) کاری کنید که آنها در کنار شما احساس آزادی بکنند؛ (۴) به نیازها و مسائل آنها اهمیت بدهید؛ و (۵) فرصتی بیابید تا با آنها درباره مسیح سخن بگویید. این اصول به همان اندازه که برای پولس کاربرد داشت، برای ما نیز دارد.

**۲۴:۹-۲۷** پیروزی در مسابقه، مستلزم داشتن هدف و انضباط است. پولس این مثال را می آورد تا توضیح دهد که زندگی مسیحی نیاز به سخت کوشی، از خودگذشتگی، و تمرینات سخت دارد. ما مسیحیان بسوی پاداش آسمانی می دویم. داشتن انضباط در دعا، مطالعه کلام، و پرستش ما را مجهز می سازد تا با قوت و قدرت بدویم. فقط از جایگاه تماشاچیان مسابقه را تماشا نکنید؛ هر روز صبح وارد میدان مسابقه نشوید تا فقط دوری در میدان بزنید. بطور مستمر تمرین کنید چون زندگی مسیحی حقیقتاً مهم است.

## اجتناب از پرستش بتها

ای برادران عزیز، نباید آنچه را که در زمانهای گذشته برای قوم ما اتفاق افتاد، از یاد ببریم، هنگامی که ایشان در بیابان سفر

۱:۱۰  
خرو ۲۲:۱۳ و ۲۲:۱۴  
۲۲-۱۵:۱۴

۱۰

جایزه	برنامه	هدف	محل آیات	چرا خسته خاطر نمی شویم
* پاداش آسمانی که هرگز از بین نخواهد رفت	* از هر چیزی که ممکن است مضر باشد چشم پوشی کنیم * بدن خود را تحت انضباط و تربیت قرار دهیم	* بدویم تا مسابقه را ببریم * مستقیم بطرف هدف بدویم	۱ قرنتیان ۲۷-۲۴:۹	برای دریافت جایزه مسابقه، باید پشتکار و پایداری داشت! خدا به ما وعده زندگی راحت نداده است. برعکس، پولس مرتباً به ما یادآوری می کند که ما باید هدف و برنامه داشته باشیم، چون اوضاع و شرایط سختی در پیش خواهد بود و شیطان به ما حمله خواهد کرد. پایداری بدون امید به پاداش ممکن نیست. خدا وعده این پاداش را داده است و به آن عمل خواهد کرد.
* درو کردن حیات جاودانی	* بذراعمال نیک روحانی را بکاریم	* از انجام اعمال نیک خسته خاطر نشویم * مأیوس و خسته خاطر نشویم * نسبت به همه مهربان باشیم	غلاطیان ۱۰-۷:۶	
* پیروزی در مقابل حمله ها و تدابیر شیطان	* از تمام سلاح هایی که خدا برای ما تدارک دیده است، استفاده کنیم	* به تمام سلاح های الهی مجهز شویم * همیشه دعا کنیم	افسیسیان ۲۰-۱۰:۶	
* جایزه آسمانی که خدا ما را برای آن می خواند	* گذشته را فراموش کنیم و با انتظار و امید به آنچه در پیش است چشم بدوزیم	* بکوشیم تا روزی همان شخصیتی گردیم که خدا در نظر دارد	فیلیپیان ۱۴-۱۲:۳	
* با مسیح زندگی خواهیم کرد؛ در کنار او خواهیم نشست و با او سلطنت خواهیم نمود	* در مقام یک سرباز به سهم خود در زحمات شریک باشیم، و خود را درگیر امور دنیوی نکنیم	* این حقایق بزرگ را به کسانی تعلیم دهیم که بتوانند آنها را به نوبه خود به سایرین تعلیم دهند	۲ تیموتائوس ۱۳-۳:۲	
* او همیشه نسبت به ما وفادار می ماند و همیشه به وعده هایش عمل می کند	* از دستورات خداوند اطاعت کنیم، همانطور که یک ورزشکار برای برنده شدن باید مقرراتی را رعایت کند * مانند کشاورزی که برای برداشت محصول روی زمین کار می کند، سخت بکوشیم	* حتی وقتی که احساس می کنیم ضعیف شده ایم و دیگر ایمانی باقی نمانده است، باز محکم به ایمان خود بچسبیم.		

را الگویی قرار می دهد از قومی که بخاطر اعتماد به نفس مفرط و فقدان انضباط شخصی، به بلوغ روحانی دست نیافت.

۱:۱۰ در فصل ۹، پولس خود را الگوی یک مسیحی بالغ قرار می دهد، یک مسیحی که خود را تربیت می کند تا بهتر بتواند خدا را خدمت نماید. در فصل دهم، او اسرائیل

می کردند، خدا ابری فرستاد تا پیشاپیش آنان حرکت کند و هدایتشان نماید؛ سپس آنان را سلامت از دریای سرخ عبور داد. <sup>۲</sup> در واقع می توانیم بگوییم که ایشان در دریا و در ابر، غسل تعمید گرفتند و با این کار، نشان دادند که موسی را پیروی خواهند کرد. <sup>۳</sup> در بیابان، خدا معجزه وار برای ایشان نان تدارک می دید. آنان آبی را می نوشیدند که مسیح عطا می کرد، زیرا مسیح در واقع همان صخره ای بود که خدا در بیابان از آن برای قوم اسرائیل آب بیرون آورد. <sup>۵</sup> اما با وجود تمام اینها، اکثر ایشان مطیع احکام خدا نبودند و خدا نیز آنان را در بیابان از میان برد.

<sup>۶</sup> این درس عبرتی است برای ما، تا مانند آنان، در آرزوی اعمال پلید و شرورانه نباشیم، <sup>۷</sup> و همچون آنان بسوی پرستش بتها نرویم. کتاب آسمانی می فرماید که بنی اسرائیل به هنگام پرستش گوساله طلایی، برای خوردن و نوشیدن نشستند، و برای رقصیدن به پا خاستند. <sup>۸</sup> همچنین مانند بعضی از آنان نباشیم که با زنان دیگران زنا کردند و در همان روز، بیست و سه هزار نفر از ایشان هلاک شدند. <sup>۹</sup> صبر و تحمل خداوند را نیز امتحان نکنیم، زیرا عده ای از آنان چنین کردند و از نیش مارهای سمی مردند. <sup>۱۰</sup> همچنین مانند برخی از ایشان، از خدا و کارهای او گله و شکایت نکنیم، زیرا در اثر همین کار بود که خدا فرشته خود را فرستاد تا نابودشان کند.

۲:۱۰  
روم ۳:۲۶  
۴:۱۰  
خرو ۱۳:۴، ۱۵-۱۶  
۶:۱۷  
اعد ۱۱:۲۰  
مز ۱۵:۷۸  
یو ۴:۱۰ : ۳۲-۵۸  
۳۷:۷  
مکا ۱۷:۲۲  
۵:۱۰  
اعد ۲۹:۱۴ : ۳۷، ۲۶ : ۶۵  
عبر ۱۷:۳  
۵  
۶:۱۰  
اعد ۱۱:۴، ۵، ۳۴  
مز ۱۴:۱۰  
۷:۱۰  
خرو ۴:۳۲-۱۹  
۸:۱۰  
اعد ۱-۲۵  
۹:۱۰  
خرو ۱۷:۲  
اعد ۲۱:۶  
۱۰:۱۰  
اعد ۱۶:۳۲، ۳۳ : ۴۱  
روم ۱۱:۱۳ : ۱۵  
عبر ۲۵:۱۰

**انتخاب عمل در موارد حساس**

اگر این روش را در پیش بگیریم:

- ... آیا مرا در شهادت دادن در مورد مسیح یاری خواهد داد؟ (۹:۱۹-۲۲)
- ... آیا انگیزه ام، کمک به دیگران برای شناخت مسیح می باشد؟ (۹:۲۳ : ۱۰:۳۳)
- ... آیا قادر خواهم بود نهایت سعی خود را بکنم؟ (۹:۲۵)
- ... آیا مخالف فرمان بخصوصی از کلام خدا عمل نخواهم کرد و مرتکب گناه نخواهم شد؟ (۱۰:۱۲)
- ... آیا کار مفید و بهترین راه را انتخاب کرده ام؟ (۱۰:۲۳، ۳۳)
- ... آیا فقط به فکر خودم بوده ام، یا حقیقتاً به فکر دیگران نیز بوده ام؟ (۱۰:۲۴)
- ... کارم از روی محبت خواهد بود یا از روی خودخواهی؟ (۱۰:۲۸-۳۱)
- ... آیا خدا جلال خواهد یافت؟ (۱۰:۳۱)
- ... آیا عملکرد من دیگران را به گناه کردن وا نخواهد داشت؟ (۱۰:۳۲)

همه ما هر روز در مقابل صدها انتخاب قرار می گیریم. بیشتر انتخاب های ما مربوط به امور خنثی هستند - مثل لباس پوشیدن و خوردن، اما گاه با تصمیماتی روبرو می شویم که کمی مهم تر از این مسائل هستند. ما مایل نیستیم مرتکب عمل نادرستی شویم، و در ضمن دیگران را به انجام عمل نادرست سوق دهیم. بنابراین چطور چنین تصمیماتی را می توانیم بگیریم؟

**۱۰:۱۱** فشارهای امروز سبب شده که درس عبرت از گذشتگان بسادگی نادیده گرفته یا فراموش شود. اما پولس به ما تذکر می دهد که درسی را که اسرائیلی ها از خدا گرفتند، به یاد آوریم تا از تکرار اشتباهات آنان اجتناب کنیم. راه به یاد آوردن این مطلب، مطالعه مرتب کلام خدا است. در اینصورت، این درسها پیوسته یادآور این مطلب خواهند بود که خدا چه نوع زندگی را از ما انتظار دارد. ما نباید اشتباهات آنان را تکرار کنیم!

۱۱:۱۰ تمام اتفاقات و بلاهایی که بر سر قوم ما آمد، برای این نوشته شد که ما بخوانیم و آن اشتباهات را تکرار نکنیم، تا در این روزهای آخر که دنیا به پایان خود نزدیک می‌شود، درس عبرتی بگیریم.

۱۱:۱۰  
روم ۲۳:۴

۱۲:۱۰ پس هشیار باشید و فکر نکنید که از ایشان بهتر هستید! شما نیز ممکن است در دام گناه گرفتار شوید. ۱۳ اما این را بیاد داشته باشید که وسوسه‌هایی که به سراغ شما می‌آیند، از وسوسه‌هایی که دیگران دچار آنند، دشوارتر نمی‌باشد. هیچ وسوسه‌ای نیست که نتوان در مقابل آن ایستادگی کرد. پس در برابر آنها مقاومت کنید و اطمینان داشته باشید که خدا نخواهد گذارد که بیش از حد توانایی خود وسوسه شوید؛ و به شما قدرت خواهد بخشید تا بتوانید در برابر آن تاب بیاورید. این وعده خداست و به آن عمل نیز خواهد کرد. او به شما نشان خواهد داد که چگونه از وسوسه‌ها بگریزید و در دام آنها نیفتید.

۱۲:۱۰  
روم ۲۰:۱۱  
۲ پطرس ۱۷:۳  
۱۳:۱۰  
۲ پطرس ۹:۲

۱۴:۱۰ پس ای عزیزان، با هشیاری کامل از هر گونه بت‌پرستی دوری کنید. ۱۵ شما اشخاص دانایی هستید؛ خودتان قضاوت کنید که آنچه می‌گوییم درست است یا نه. ۱۶ پیاله‌ای که به هنگام شام خداوند از آن می‌نوشیم و برای آن دعای برکت می‌کنیم، آیا به این معنی نیست که هرکس از آن می‌نوشد، در برکات خون مسیح شریک می‌شود؟ و نانی که قسمت کرده، با هم

۱۴:۱۰  
ایو ۲۱:۵  
۱۶:۱۰  
متی ۲۹-۲۶:۲۶  
اعما ۴۲:۲  
اقرن ۲۷-۲۵:۱۱

کمک کند؛ و (۵) دوستانی را بیابید که خدا را دوست دارند و به‌هنگام وسوسه می‌توانند به شما کمک کنند. فرار از موقعیتی که وسوسه به همراه دارد، اولین قدم بسوی پیروزی است (مراجعه کنید به ۲ تیموتائوس ۲:۲۲). ۱۴:۱۰ بت‌پرستی یک مشکل جدی در قرن‌تس بود. چندین بت‌کده مشهور در شهر وجود داشت. مجسمه‌های چوبی یا سنگی به‌خودی‌خود چیزی نبودند، اما مردم به آنها خصوصیتی نسبت می‌دادند که مختص خدا بود، مانند آفریننده هوای خوب، محصول، و فرزند. امروز نیز بت‌پرستی مشکلی جدی است. امروزه ما به مجسمه‌های چوبی و سنگی اعتقاد نداریم، بلکه به پولهای کاغذی و کارتهای پلاستیکی. نسبت دادن مواهب الهی به چیزی یا کسی جز خدا، بت‌پرستی به‌شمار می‌آید. اگر در عصر خودمان، تشخیص دهیم چه چیزهایی بت‌پرستی است، این سخن پولس معنای عمیق‌تری می‌یابد که می‌فرماید: «از هرگونه بت‌پرستی دوری کنید.»

۱۶:۱۰-۲۱ در دین یهود و در مسیحیت و همچنین در مذاهب بت‌پرستی این عقیده بطور راسخ وجود دارد که شخص با خوردن خوراک قربانی، با خدا ارتباط می‌یابد. در دوره عهدعتیق، وقتی یک یهودی مرتکب گناهی می‌شد و قربانی می‌گذراند، قسمتی از قربانی را جهت

۱۱:۱۰ آیا پولس فکر می‌کرد که دنیا بزودی به پایان خواهد رسید؟ نه پولس و نه عیسی، هیچیک نمی‌دانستند دنیا کی به پایان خواهد رسید - فقط خدای پدر از این نکته آگاه است (مرقس ۱۳:۳۲). اما با توجه به تمامی واقعیت‌ها، از صعود مسیح به بعد ما در روزهای آخر زندگی می‌کنیم. ما باید هر لحظه برای بازگشت مسیح آماده باشیم. هرکس که به مسیح نزدیک است، مانند پولس، فوریت انتشار کلام خدا را حس می‌کند.

۱۳:۱۰ در جامعه‌ای که پر از فشارها و فساد اخلاقی است، پولس قرن‌تین را در برابر وسوسه‌ها قوت قلب می‌دهد. او می‌گوید: (۱) وسوسه‌ها و تمایلات نادرست گریبانگیر همه می‌شود، بنابراین فکر نکنید که تنها شما با آن مواجه هستید؛ (۲) دیگران در برابر وسوسه‌ها ایستادگی کردند، پس شما هم می‌توانید ایستادگی کنید؛ (۳) در برابر هر وسوسه‌ای می‌توان ایستادگی کرد، چون خدا کمک خواهد کرد تا در برابر آن مقاومت کنیم. او به شما کمک می‌کند تا (۱) بدانید چه کسانی و چه شرایطی موجب ناآرامی شما می‌شوند؛ (۲) از هر چیزی که فکر می‌کنید نادرست است، فرار کنید؛ (۳) هرچه را که درست است انجام دهید؛ (۴) دعا کنید تا خدا به شما

می‌خوریم، آیا نشان نمی‌دهد که ما با هم در برکات بدن مسیح شریکیم؟<sup>۱۷</sup> تعداد ما هر قدر هم که باشد، همه از همان نان می‌خوریم و نشان می‌دهیم که همه عضو یک بدن می‌باشیم، یعنی بدن مسیح.<sup>۱۸</sup> قوم یهود را در نظر بگیرید؛ آیا آنانی که از گوشت قربانی می‌خورند، بوسیلهٔ این عمل با یکدیگر متحد نمی‌شوند؟

<sup>۱۹</sup> پس منظورم چیست؟ آیا منظورم اینست که این بتها واقعاً خدا هستند؟ و یا اینکه قربانی‌هایی که به آنها تقدیم می‌شوند، ارزشی دارند؟<sup>۲۰</sup> به هیچ وجه! منظورم اینست که کسانی که برای این بتها قربانی می‌آورند، در واقع خود را همراه با قربانی‌شان نه به خدا، بلکه به شیاطین تقدیم می‌کنند، و من نمی‌خواهم که هیچیک از شما، با خوردن گوشت این قربانی‌ها، با شیاطین شریک شود.<sup>۲۱</sup> شما نمی‌توانید هم از پیالهٔ سفرهٔ خداوند بنوشید و هم از پیالهٔ سفرهٔ شیطان؛ هم از نان سفرهٔ خداوند بخورید و هم از نان سفرهٔ شیطان.

<sup>۲۲</sup> می‌خواهید چه کنید؟ آیا می‌خواهید آتش خشم و غضب خداوند را بصد خود شعله‌ور سازید؟ یا می‌خواهید نشان دهید که از او نیرومندترید؟<sup>۲۳</sup> شما البته آزادید که از گوشت قربانی‌ها بخورید. خوردن چنین گوشتی برخلاف احکام خدا نیست. اما این دلیل نمی‌شود که حتماً این کار را بکنید. چنین عملی ممکن است مخالف احکام خدا نباشد، اما در ضمن مفید و صلاح هم نیست.<sup>۲۴</sup> نباید فقط به فکر خودتان باشید؛ به فکر دیگران هم باشید و نفع دیگران را نیز در نظر بگیرید.

<sup>۲۵</sup> پس می‌توانید به این صورت عمل کنید: هر گوشتی را که در بازار

آیا سعی دارید زندگی خود را در دو جهت، یعنی هم طبق خواسته‌های مسیح و هم مردم، به پیش ببرید؟ کتاب مقدس می‌گوید که نمی‌توانید همزمان هر دو را به مرحله اجرا در آورید.

**۲۴:۱۰-۲۲:۲۴** گاهی نمی‌دانیم که در چه مواقعی باید ملاحظه برادر ضعیف‌تر را بکنیم. پولس یک روش ساده و کلی را برای نحوه تصمیم‌گیری ارائه می‌دهد. او می‌گوید ما باید با محبت و دلسوز باشیم. اگرچه ما در مسیح آزادیم، اما نباید از آزادی خود به بهای صدمه به برادر یا خواهر مسیحی استفاده کنیم. جهت کسب اطلاعات بیشتر در زمینه رفتار مناسب با برادر ضعیف‌تر، به توضیحات مربوط به ۱۰:۱۳ و رومیان فصل ۱۴ مراجعه کنید.

**۲۵:۱۰** اگر تک‌تک رفتارهای خود را بیش از حد مورد توجه و کاوش قرار دهیم، پای‌بند شریعت می‌شویم و

تجدید رابطه با خدا می‌خورد (تثنیه ۱۷:۱۲ و ۱۸). به همین نحو، وقتی مسیحیان نان و شرابی را که نماد بدن و خون مسیح است می‌خورند، در قربانی مسیح که یک بار برای همه فدا شد، شریک می‌شوند. نوایمانانی که به‌تازگی از بت‌پرستی آزاد شده بودند، اگر آگاهانه گوشت قربانی بت‌ها را می‌خورند، حتماً وجدانشان ملزم می‌شد.

**۲۱:۱۰** ما در مقام پیروان مسیح باید کاملاً به او وفادار باشیم. همانطور که پولس شرح می‌دهد، ما نمی‌توانیم «هم از سفره خداوند بخوریم و هم از سفره شیطان». خوردن از سفره خداوند به معنای ارتباط با مسیح و یکی شدن با مرگ او است. خوردن از سفره شیطان به این معنی است که فرد با شرکت جستن در پرستش بتها یا سهم شدن در اعمالی که شیطان را جلال می‌دهد، با شیطان یکی می‌شود.

۱۷:۱۰  
روم ۴:۱۲ و ۵  
اقرن ۱۲:۱۲ و ۱۳

۱۸:۱۰  
تث ۱۷:۱۲  
لاو ۱۵:۷

۱۹:۱۰  
اقرن ۴:۸  
۲۰:۱۰  
تث ۱۷:۱۶ و ۱۷  
مز ۳۶:۱۰ و ۳۷  
غلا ۸:۴  
مکا ۲:۹

۲۱:۱۰  
تث ۳۸:۳۲  
اش ۱۱:۶۵  
اقرن ۲:۱۵

۲۲:۱۰  
تث ۲۱:۳۲  
حز ۱۴:۲۲

۲۳:۱۰  
روم ۱۹:۱۴  
اقرن ۱۲:۶

۲۴:۱۰  
روم ۱۵:۱ و ۲

۲۵:۱۰  
اعما ۱۵:۱۰  
اقرن ۷:۸  
اتیمو ۴:۴

می‌فروشنند، بخرید و بخورید، و نپرسید که گوشت قربانی بتهاست یا نه، تا وجدانتان ناراحت نشود.<sup>۲۶</sup> زیرا همانطور که کتاب آسمانی می‌گوید: «جهان و هر چه در آنست، از آن خداوند است.»

<sup>۲۷</sup> اگر شخصی بت پرست، شما را به صرف خوراک دعوت کند، در صورت تمایل می‌توانید دعوتش را بپذیرید. آنگاه از هر چه که در سفره است بخورید و چیزی هم نپرسید. به این ترتیب وجدانتان راحت خواهد بود چون نمی‌دانید که گوشت قربانی است یا نه.<sup>۲۸</sup> اما اگر کسی به شما بگوید که این گوشت قربانی است، در آن صورت بخاطر آن کسی که گفته است و بخاطر وجدان حساس او، از آن گوشت نخورید.<sup>۲۹</sup> در این مورد احساس او مهم است، نه احساس شما.

اما شما ممکن است پرسید: «چرا من باید بخاطر فکر و احساس دیگران، در قید و بند باشم؟<sup>۳۰</sup> من خدا را شکر می‌کنم و خوراکم را با خوشی می‌خورم. چرا باید دیگری مانع خوشی من گردد، آن هم به این دلیل که تصور می‌کند من در اشتباهم؟»<sup>۳۱</sup> جواب سؤال شما اینست: کارهای شما، حتی خوردن و نوشیدنتان، همه باید برای جلال و بزرگی خدا باشد.<sup>۳۲</sup> پس مواظب باشید که برای کسی سنگ لغزش نشوید، نه برای یهودیان، نه برای غیریهودیان، نه برای مسیحیان.<sup>۳۳</sup> من نیز به همین روش عمل می‌کنم و می‌کوشم در هر کاری همه را راضی سازم. پس آنچه را که دوست دارم، و یا به نفع خودم می‌باشد، انجام نمی‌دهم، بلکه کاری را می‌کنم که به نفع دیگران است تا ایشان نجات یابند.

۲۶:۱۰  
مز ۱:۲۴ : ۱۲:۱۰۵

۲۷:۱۰  
لو ۹:۸:۱۰

۲۸:۱۰  
روم ۱۶:۱۴  
اقرن ۱۰:۷:۸

۳۱:۱۰  
متی ۱۶:۱۵:۵  
یو ۸:۱۵  
روم ۶:۱۴  
فیل ۱۱:۱  
۳۲:۱۰  
اعما ۱۶:۲۴  
اقرن ۱۳:۸  
۳۳:۱۰  
روم ۱۱:۱۴ : ۱:۱۵-۲  
اقرن ۲۲:۹ : ۸-۱:۱۳

نفع اطرافیانش باشد، نه کاری که به نفع خودش است. بعضی از کارهایی که به دیگران ضرر می‌رساند، اینها هستند: (۱) بی‌توجهی به دیگران و انجام هر کاری که دوست داریم، بدون اینکه اهمیتی بدهیم که کسی در اثر آن صدمه می‌بیند یا نه؛ (۲) بیش از حد حساس بودن و دست به کاری نزدن که مبادا کسی ناراضی بشود؛ (۳) سازشکار بودن و با هر چیزی مدارا کردن برای جلب رضایت و تأیید مردم بجای رضایت خدا. در روزگار ما که شعار جامعه اینست که «اول خودت باش» و «بهترین‌ها را برای خودت داشته باش»، بیان تکان‌دهنده پولس معیار خوبی است. وقتی خیریت دیگران یکی از اهداف اصلی ما می‌شود، روحیه خدمت در ما شکوفا می‌گردد.

نمی‌توانیم از زندگی لذت ببریم. خدا همه چیز را به فراوانی به ما داده است تا از آنها لذت ببریم (۲۶:۱۰). اگر می‌دانید مشکل خاصی دارید، آن را حل کنید، اما دیگر زیاد به جزئیات نپردازید. وقتی زیاد بر شریعت متمرکز می‌شویم، توجه‌مان فقط معطوف به حفاظت از خودمان می‌گردد. وقتی بر محبت متمرکز می‌شویم، به فکر کمک به دیگران خواهیم بود.

۳۱:۱۰ خدا باید بقدری بر زندگی ما حاکم باشد که تمامی کارهایمان را برای جلال او انجام دهیم. این سؤالات را بعنوان اصولی برای هدایت اعمالتان، از خود بکنید: «آیا این کار خدا را جلال می‌دهد؟» یا «من چگونه با این کار می‌توانم خدا را جلال دهم؟»  
۳۳:۱۰ ضابطه پولس این بود که کاری را بکند که به

## ۳- تعلیم درباره عبادت جمعی

## سؤالات مربوط به پوشش سر به هنگام عبادت

۱۱ پس از من سرمشق بگیرید، چنانکه من نیز از مسیح سرمشق می‌گیرم.

۲ برادران عزیز، بسیار شادم از اینکه هر چه به شما آموختم، بیاد دارید و به آنها عمل می‌کنید.<sup>۳</sup> اما می‌خواهم این موضوع را نیز یادآور شوم که هر زن باید از شوهر خود اطاعت کند، و شوهر نیز از مسیح، همانطور که مسیح هم از خدا اطاعت می‌کند.<sup>۴</sup> به همین دلیل اگر در جلسه‌ای مردی با سر پوشیده، دعا یا

۱:۱۱

اقرن ۱۶:۴

۳:۱۱

پیدا ۱۶:۳

اقرن ۲۳:۳ ؛ ۱۷:۷

غلا ۴:۴

افس ۵:۲۳

فیل ۷:۲

داشته باشد (پوشش سر زنان به هنگام عبادت)، اما در پس این تعلیم خاص، اصولی از قبیل احترام به همسر، حفظ حرمت و شایستگی به هنگام عبادت، وقف تمامیت زندگی به خدا، مربوط به همه اعصار می‌شود. اگر شیوه عمل شما موجب رنجش اعضا و ایجاد شقاق و تفرقه در کلیسا شود، آن را تغییر دهید تا اتحاد کلیسایی بیشتر شود. به این ترتیب، پولس به زنانی که سر خود را نمی‌پوشاندند، می‌گوید که این کار را بکنند؛ نه به این علت که دستور کتاب مقدسی باشد، بلکه تا کلیسا را از شقاق بر سر موضوع بی‌اهمیتی که فقط افکار آنان را از مسیح دور می‌ساخت، مصون دارد.

۱۱:۴۰ برای آنکه امور مربوط به هر کاری، اعم از کار تجاری، اداری یا خانوادگی، به شایستگی انجام پذیرد، اطاعت عامل مهمی می‌باشد. خدا در برخی از روایط، اطاعت کردن را مقرر داشت تا از هرج و مرج جلوگیری کند. لازم است بدانیم که اطاعت کردن به معنای تسلیم شدن، کناره‌گیری کردن یا بی‌تفاوتی نیست. اطاعت به معنای حقارت نیست چون خدا همه مردم را به شکل خود آفرید و ارزش همه یکسان است. اطاعت همکاری و تعهدی دو طرفه است.

بنابراین، خدا خواهان اطاعت در بین انسانهایی است که همه با هم برابرند. او مرد را برتر قرار نمی‌دهد؛ او راهی را فراهم کرده تا زن و مرد با هم کار کنند. عیسی مسیح، گرچه با خدای پدر برابر بود، اما از او اطاعت کرد تا نقشه نجات را به انجام برساند. به همان شکل، گرچه زن و مرد از دید خدا برابرند، اما لازم است که زن بخاطر پیوند زناشویی و خانواده، از مرد اطاعت کند. اطاعت متقابل بین کسانی که با هم برابرند، امری است انتخابی نه اجباری. در روابطی که در کلیسای خود داریم، در رابطه‌مان با همسرمان و در روابطمان با حکومت کشورمان، اگر از حالت قلبی مبتنی بر اطاعت برخوردار باشیم، در واقع خدا را خدمت کرده‌ایم.

۱۱:۱ در این قسمت، توجه اصلی پولس به مسأله رفتار و منش ناشایست به هنگام عبادت می‌باشد. ما باید این قسمت را با توجه به شرایط فرهنگی قرن‌تس درک کنیم. اگرچه پوشیدن کلاه یا پوشاندن سر ظاهراً موضوعی بی‌اهمیت می‌نماید، اما بخاطر ایجاد اختلاف میان مردم از دو زمینه فرهنگی مختلف، مشکل بزرگی شده بود. زنان یهودی همیشه به هنگام عبادت سر خود را می‌پوشاندند. ظاهر شدن زنی با سر برهنه در انظار، معیار اخلاقی پایین او را می‌رساند. از طرفی دیگر، زنان یونانی بدون پوشاندن سر در عبادت شرکت می‌کردند.

تا این فصل، سخن پولس درباره شقاق‌ها و حساسیت‌های موجود در کلیسا بود. این موضوع‌ها در مسأله پوشش سر نیز منعکس است. راه حلی که پولس در این زمینه ارائه می‌دهد، نشأت گرفته از آرزوی او برای اتحاد بین اعضای کلیسا و شایستگی به هنگام عبادت است. او می‌پذیرد که خدا در ایجاد اصولی برای روابط ما، حاکمیت تام دارد. ۱۱:۱ چرا پولس می‌گوید: «از من سرمشق بگیرید؟» پولس مغرور نشده بود؛ او خود را فردی بدون گناه نمی‌پنداشت. اما، در آن زمان، ایمانداران قرن‌تس چیز زیادی درباره زندگی و خدمت مسیح نمی‌دانستند. پولس نمی‌توانست به آنها بگوید که از عیسی تقلید کنند، چون اناجیل هنوز به نگارش در نیامده بود؛ از اینرو آنها نمی‌دانستند عیسی چگونه شخصیتی است. بهترین راه برای هدایت این نوایمانان بسوی مسیح، معطوف ساختن توجه آنان بسوی فرد مسیحی مورد اعتمادشان بود (همچنین مراجعه کنید به غلاطیان ۴:۱۲ ؛ فیلیپیان ۳:۱۷ ؛ اتسالونیکیان ۱:۶ ؛ ۲:۱۴ ؛ اتسالونیکیان ۳:۹،۱۰). پولس تقریباً دو سال در قرن‌تس بسر برد و طی این مدت، رابطه محکمی با بسیاری از آنان ایجاد کرد.

۱۱-۲:۱۶ این قسمت درباره ازدواج یا نقش زنان در کلیسا نیست، بلکه نحوه عبادت را مورد تأکید قرار می‌دهد. اگرچه تعلیم پولس ممکن است جنبه فرهنگی

نبوت کند، به مسیح بی‌احترامی کرده است، زیرا این پوشش یا کلاه نشانهٔ اطاعت از انسانهاست. <sup>۵</sup> همچنین اگر زنی در جلسه‌ای، با سر برهنه دعا یا نبوت کند، به شوهرش بی‌احترامی کرده است، زیرا این مانند آنست که زن سرش را بتراشد. <sup>۶</sup> اگر زن نمی‌خواهد سر خود را بپوشاند، باید موی سرش را بتراشد؛ و اگر از این عمل خجالت می‌کشد، پس باید سر خود را بپوشاند. <sup>۷</sup> اما مرد نباید به هنگام عبادت، سر خود را بپوشاند و یا کلاهی بر سر داشته باشد.

مرد، جلال و شکوه خداست و به شکل او آفریده شده. زن نیز جلال و شکوه مرد می‌باشد. <sup>۸</sup> نخستین مرد، از زن بوجود نیامد، بلکه اولین زن از مرد بوجود آمد. <sup>۹</sup> در ضمن، نخستین مرد که «آدم» بود، برای «حوا» آفریده نشد، بلکه حوا برای آدم آفریده شد. <sup>۱۰</sup> پس زن باید سر خود را بپوشاند تا نشان دهد که مطیع شوهرش می‌باشد. این واقعیتی است که حتی فرشتگان به آن توجه دارند و بسبب آن شادند. <sup>۱۱</sup> اما بیاد داشته باشید که در طرح الهی، زن و مرد به یکدیگر احتیاج دارند. <sup>۱۲</sup> زیرا با اینکه اولین زن از مرد بوجود آمد، ولی از آن پس، تمام مردها از زن بوجود آمده‌اند. اما بهر حال مرد و زن هر دو از خالق خود، خدا می‌باشند. <sup>۱۳</sup> حال، نظر خودتان در این باره چیست؟ آیا درست است که یک زن در یک جمع، بدون پوشش سر دعا کند؟ <sup>۱۴</sup> و <sup>۱۵</sup> آیا خود غریزه و طبیعت، به ما نمی‌آموزد که سر زن باید پوشیده باشد؟ زیرا زنها به موی بلند خود افتخار می‌کنند، چون موی بعنوان پوشش به ایشان داده شده است. در حالیکه موی بلند برای مردها عیب است. <sup>۱۶</sup> اما اگر کسی می‌خواهد در این باره بحث و مجادله کند، تنها چیزی که می‌توانم به او بگویم اینست که ما همیشه این را تعلیم داده‌ایم که زن به هنگام دعا یا نبوت، باید سر خود را بپوشاند. تمام کلیساها نیز در این امر توافق دارند.

۵:۱۱

لو ۲:۳۶  
اعما ۲۱:۹

۶:۱۱

اعد ۵:۱۸

۷:۱۱

پیدا ۱:۲۶

یعقو ۳:۹

۸:۱۱

پیدا ۲:۲۱

۱۳:۲ تیمو

۹:۱۱

پیدا ۲:۱۸

۱۲:۱۱

روم ۱۱:۳۶

۱۳:۱۱

لو ۱۲:۵۷

۱۶:۱۱

۴:۶ تیمو

طوری رفتار کنند که شایسته فرهنگشان باشد. در بسیاری از فرهنگها، موی بلند برای مردان، مناسب و مردانه تلقی می‌شود. در قرتنس موی بلند مرد را نشانه انحراف جنسی می‌دانستند و موی کوتاه زن را نشانه روسپیگری. پولس می‌گوید که در فرهنگ شهر قرتنس، زنان باید موی خود را بلند نگه دارند. در شرایطی که موی کوتاه برای زنان نشانه هرزگی تلقی می‌گردید، چقدر برای یک زن مسیحی با موی کوتاه، مشکل می‌شد که شاهد خوبی برای مسیح باشد. در فرهنگ یهود نیز پوشاندن سر از سوی زنان، سرکشی بود. پولس نمی‌گوید که ما باید طبق همه روشها و رسوم فرهنگمان عمل کنیم؛ منظور او اینست که ظاهر و رفتار ما باید بگونه‌ای باشد که هدفمان را خدشه‌دار نسازد، زیرا هدف ما اینست که شهادی امین و معتمد برای مسیح باشیم و ایمانمان را در عمل به دیگران نشان دهیم.

۹:۱۱-۱۱ پولس با اشاره به نخستین زن و مرد یعنی آدم و حوا، می‌گوید بگوید که خدا برای اینکه دنیا بطرز خوشایندی به پیش رود، اختیارات و مسؤولیت‌های مختلفی را به شکل صحیح مقرر فرموده است. گرچه اختیارات و مسؤولیت‌های مختلف باید وجود داشته باشد، حتی در ازدواج، اما **نباید** مسأله برتری مقام در بین خدا زن و مرد را با ویژگی‌های یکسان و مکمل هم آفرید، زن یا مرد به تنهایی بهتر از دیگری نیستند. ما نباید بگذاریم که مسأله مسؤولیت و اطاعت، خدشه‌ای در امر اتحاد در ازدواج ایجاد کند، بلکه باید از عطایای منحصر بفرد خود جهت تقویت پیوند زناشویی و برای جلال خدا استفاده کنیم.

۱۵و۱۴:۱۱ منظور پولس از صحبت در باره پوشش سر و موی بلند، این است که ایمانداران باید طوری ظاهر شوند و



## نظم در شام خداوند

<sup>۱۷</sup> می خواهم شما را برای رفتار ناپسندتان سرزنش کنم. زیرا شنیده‌ام که وقتی برای شرکت در شام خداوند گرد می‌آیید، ضرری که به شما وارد می‌آید، بیش از نفع آن است. <sup>۱۸</sup> می‌شنوم که در جلسات بحث و مجادله در می‌گیرید و دو دستگی بوجود می‌آید، و تا حدی این گفته‌ها را باور می‌کنم. <sup>۱۹</sup> لابد فکر می‌کنید که این بحثها و اختلافات لازم است، چون باعث می‌شود که همه بدانند حق با کیست.

۱۹:۱۱  
اقرن ۱۰:۱  
۲ پطرو ۱:۲  
۱ تیمو ۱:۴  
۱ یو ۱۹:۲

<sup>۲۰</sup> وقتی برای خوردن دور هم جمع می‌شوید، آنچه می‌خورید در واقع شام خداوند نیست، <sup>۲۱</sup> بلکه شام خودتان است. زیرا شنیده‌ام که بعضی بدون آنکه منتظر دیگران باشند، با عجله و تا آنجا که می‌توانند، خوراکیها را می‌بلعند و برای بقیه چیزی نمی‌گذارند. پس به یکی خوراک کافی نمی‌رسد و گرسنه می‌ماند، در حالیکه دیگری آنقدر خورده و نوشیده که مست شده است. <sup>۲۲</sup> واقعاً تعجب می‌کنم! آیا این راست است؟ مگر نمی‌توانید خوراکیتان را در خانه بخورید تا باعث بی‌حرمتی کلیسا نشوید و فقرا را که نمی‌توانند با خود خوراک بیاورند، خجالت‌زده نسازید؟ به شما چه بگویم؟ آیا شما را تحسین کنم؟ هرگز!

۲۱:۱۱  
یهو ۱۲

۲۲:۱۱  
لاو ۳۰:۱۹  
اقرن ۲۲:۱۰  
یعقو ۶:۲

<sup>۲۳</sup> این است آنچه خود خداوندمان عیسی مسیح درباره این شام فرموده است و من هم قبلاً آن را به شما تعلیم داده‌ام: خداوند ما عیسی، در شبی که یهودا به او خیانت کرد، نان را بدست گرفت، <sup>۲۴</sup> و پس از شکرگزاری، آن را پاره کرد و به شاگردان خود داد و گفت: «این را بگیری و بخورید. این بدن من است که در

۲۳:۱۱

متی ۲۶:۲۶-۲۸  
مر ۲۲:۱۴-۲۴  
لو ۲۲:۱۷-۲۰  
اقرن ۱۰:۱۶  
غلا ۱:۱۲

می‌کند و هدف واقعی شام خداوند را به کلیسا یادآور می‌شود.

**۲۵ و ۲۴:۱۱** معنای شام خداوند چیست؟ کلیسای اولیه تعلیم عیسی را درباره شام خداوند در شب عید پسخ به خاطر داشت (لوقا ۲۲:۱۳-۲۰). همانطور که عید پسخ، بزرگداشتی است از رهایی از بردگی در مصر، شام خداوند نیز بزرگداشت رهایی از گناه بوسیله مرگ مسیح می‌باشد.

مسیحیان نظرات مختلفی دارند در باره این گفته مسیح که فرمود: «این بدن من است.» برخی معتقدند که نان و شراب واقعاً به بدن و خون تبدیل می‌شوند. بعضی معتقدند که نان و شراب تغییری نمی‌کند، اما مسیح روحاً در نان و شراب حاضر می‌شود. اما عده‌ای دیگر معتقدند که نان و شراب مظهر و نمادی است از بدن و خون مسیح. اما مسیحیان اتفاق نظر دارند که نکته مهم این است که خدا جزئی از تجربه عشاء ربانی است و وقتی مرگ مسیح را تا زمان بازگشت او به یاد می‌آوریم، خدا ما را برکت می‌دهد.

**۱۷:۱۱-۳۴** عشاء ربانی یا شام خداوند باز نمود آشکاری است از انجیل، از مرگ مسیح برای گناهان ما. در شام خداوند تأکید بر روی این است که مرگ مسیح و امید پرچال برای بازگشت او را به یاد بیاوریم. در شام خداوند مشارکت میان ایمانداران جلوه گر می‌گردد؛ و ایمان از طریق مشارکت با مسیح و دیگر ایمانداران، تقویت می‌شود.

**۲۱:۱۱** در کلیسای اولیه، شام خداوند بعد از یک ضیافت یا شام دوستانه برگزار می‌شد. اما در قرن‌س شام دوستانه بجای اینکه فرصتی برای آماده شدن برای عشاء ربانی باشد، موقعیتی برای شکمبارگی و افراط در مشروبخواری شده بود. در این ضیافت، هر کسی غذایی می‌آورد، اما دیگری را در آن سهیم نمی‌کرد و کاری به کار کسی دیگر نداشت. مطمئناً این رفتار نه اتحاد و محبت را که مشخصه یک کلیساست، نشان می‌داد و نه حاکی از آماده شدن برای شرکت در عشاء ربانی بود. پولس این نوع رفتار را محکوم

راه شما فدا می‌کنم. این آیین را به یاد من نگاه دارید.»<sup>۲۵</sup> همچنین پس از شام، پیاله را بدست گرفت و فرمود: «این پیاله، نشان پیمان تازه‌ای است میان خدا و شما، که با خون من بسته شده است. هرگاه از آن می‌نوشید، بیاد من باشید.»<sup>۲۶</sup> به این ترتیب، هر بار که این نان را می‌خورید و از این پیاله می‌نوشید، در واقع این حقیقت را اعلام می‌کنید که مسیح برای نجات شما، جان خود را فدا کرده است. پس تا زمان بازگشت خداوند، این آیین را نگاه دارید.

<sup>۲۷</sup> بنابراین، اگر کسی بطور ناشایست از این نان بخورد و از این پیاله بنوشد، به بدن و خون خداوندان عیسی مسیح بی‌احترامی کرده و نسبت به آنها مرتکب گناه شده است.<sup>۲۸</sup> به همین دلیل است که شخص پیش از شرکت در این آیین، باید با دقت خود را امتحان کند تا ببیند آیا شایستگی برای شرکت در آن را دارد یا نه.<sup>۲۹</sup> زیرا اگر کسی بطور ناشایسته از نان بخورد و از پیاله بنوشد، یعنی تشخیص ندهد که بدن مسیح همان کلیساست، با شرکت در این آیین، خود را در نظر خدا محکوم کرده است، چون به مرگ مسیح بی‌حرمتی نموده است.<sup>۳۰</sup> از اینروست که بسیاری از شما ضعیف و بیمارند و حتی بعضی مرده‌اند.

۲۵:۱۱

لو ۲۰:۲۲

اقرن ۱۰:۱۶

اقرن ۳:۶

۲۶:۱۱

اعما ۱۱:۱

مکا ۷:۱

۲۷:۱۱

عبر ۲۹:۱۰

۲۸:۱۱

متی ۲۰:۲۰-۲۲

اقرن ۱۳:۵

غلا ۴:۶

باشیم و آن را فقط بخاطر ایمان و عشق به مسیح انجام دهیم. (۳) ما باید با تشخیص این حقیقت در شام خداوند شرکت کنیم که مسیح با کاری که از روی محبت انجام داد، مجازاتی را که بخاطر گناهانمان مستحقش بودیم، از ما برداشت (۲۹:۱۱). (۴) ما باید با رعایت حال دیگران در آن شرکت کنیم (۳۳:۱۱)، یعنی باید صبر کنیم تا همه حاضر شوند و با نظم و با اتحاد از آن بخوریم.

**۲۷:۱۱** وقتی پولس می‌فرماید که هیچکس نباید بطور ناشایسته از شام خداوند بخورد، روی سخن او با آن دسته از اعضای کلیسا بود که بدون تفکر در باره معنای شام خداوند، به آن حمله‌ور می‌شدند. هیچکس شایسته خوردن شام خداوند نیست. ما همه گناهکارانی هستیم که با فیض نجات یافته‌ایم. به همین دلیل، باید با تفتیش صحیح خود، توبه از گناهان، برطرف کردن اختلافات با دیگران، برداشتن موانع در رابطه خود با مسیح و دیگران، خود را برای شرکت در عشاء ربانی آماده کنیم. نگذارید آگاهی شما از گناهان شما را از شرکت در عشاء ربانی باز دارد، بلکه با اشتیاق در آن شرکت کنید.

**۳۰:۱۱** این شاید داوری خاص الهی برای کلیسای قرتنس بوده است. این حقیقت، جدی بودن شام خداوند را آشکارتر می‌سازد. شام خداوند نباید سبک گرفته شود؛ این پیمان جدید به بهای خون مسیح فراهم شد. عشاء ربانی یک عرف مذهبی بی‌معنا نیست، بلکه رسمی است که مسیح آن را برقرار فرمود تا باعث تقویت ایمان ما گردد.

**۲۵:۱۱** پیمان جدید چیست؟ به واسطه پیمان قدیم، مردم فقط از طریق کاهنان و گذراندن قربانی می‌توانستند به خدا نزدیک شوند. مرگ مسیح بر روی صلیب بیانگر پیمان جدیدی است میان خدا و ما. حالا همه مردم می‌توانند به تنهایی به خدا نزدیک شوند و با او ارتباط و مشارکت برقرار نمایند. پیمان قدیم اول بار در کوه سینا میان خدا و قوم اسرائیل منعقد شد (خروج ۱۹، ۲۰) و مقصود از آن اشاره به زمانی بود که مسیح می‌بایست بیاید. پیمان جدید جانشین پیمان قدیم نیست بلکه کامل‌کننده آن است؛ همه چیزهایی که در پیمان قدیم وعده داده شده بود، در پیمان جدید به تحقق می‌پیوندد. ما با خوردن نان و نوشیدن از پیاله، نشان می‌دهیم که مرتباً عهدی را که با خدا در پیمان جدید بسته‌ایم، تازه می‌سازیم. درباره پیشگویی صلیب مسیح، مراجعه کنید به ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴.

**۲۵:۱۱** مسیح فرمود: «این را به یاد من انجام دهید.» ما در شام خداوند چگونه مسیح را به یاد می‌آوریم؟ از طریق تفکر درباره کاری که او کرد و علت آن، می‌توانیم مسیح را به یاد آوریم. اگر شام خداوند تبدیل به یک رسم یا عرف مذهبی بشود، دیگر یادآور مسیح نخواهد بود.

**۲۷:۱۱** پولس دستوره‌ای خاصی برای نحوه برگزاری شام خداوند می‌دهد. (۱) ما باید با حالت توبه در شام خداوند شرکت کنیم زیرا به یاد می‌آوریم که مسیح برای گناهان ما مرد (۲۶:۱۱). (۲) ما باید بعد از تفتیش قلبی در آن شرکت نماییم (۲۸:۱۱). ما باید حاضر و آماده

۳۱ اما اگر خود را امتحان کنید، دیگر خدا شما را محکوم و تنبیه نخواهد نمود.  
 ۳۲ اما حتی اگر خداوند ما را محکوم و تنبیه کند، به این منظور است که در آینده  
 با سایر مردم دنیا مورد محاکمه و داوری قرار نگیریم.<sup>۳۳</sup> پس ای برادران عزیز،  
 هنگامی که برای شام خداوندمان عیسی مسیح جمع می‌شوید، صبر کنید تا  
 دیگران هم بیایند.<sup>۳۴</sup> اگر کسی خیلی گرسنه است، در خانه بخورد تا وقتی با  
 دیگران جمع می‌شود، باعث محکومیت و مجازات خود نشود.  
 وقتی آمد، به مسایل دیگر نیز رسیدگی خواهیم کرد.

۳۱:۱۱  
 ایو ۹:۱  
 مکا ۱۹:۳  
 ۳۲:۱۱  
 سمو ۱۴:۷  
 ایو ۱۷:۵  
 مز ۱۲:۹۴  
 عا ۲:۳  
 عبر ۷-۵:۱۲  
 ۳۴:۱۱  
 اقرن ۱۹:۴

### پولس درباره عطایای روحانی تعلیم می‌دهد

۱۲  
 ۱۲ حال، ای برادران، می‌خواهم در خصوص عطایایی که روح‌القدس  
 به هر یک از شما می‌بخشد، نکاتی بنویسم، زیرا می‌خواهم این  
 موضوع را بدقت درک کنید و برداشت نادرست از آن نداشته باشید.<sup>۱</sup> یقیناً  
 به یاد دارید که پیش از ایمان آوردن به خداوند، در میان بت‌هایی که قادر به  
 سخن گفتن نبودند، سرگردان بودید و از یک بت به بت دیگر پناه می‌بردید.  
 ۳ اما اکنون به کسانی برمی‌خورید که ادعا می‌کنند از جانب روح خدا برایتان  
 پیغامی دارند. چگونه می‌توان دانست که آیا ایشان واقعاً از جانب خدا الهام  
 یافته‌اند، یا اینکه فریبکارند؟ راهش اینست: کسی که تحت قدرت روح خدا  
 سخن می‌گوید، هرگز نمی‌تواند عیسی را لعنت کند. هیچکس نیز نمی‌تواند با  
 تمام وجود عیسی را خداوند بخواند، جز اینکه روح‌القدس این حقیقت را بر  
 او آشکار ساخته باشد.  
 ۴ اگر چه عطایایی که خدا به ما می‌بخشد گوناگون است، اما اصل و منشاء تمام  
 آنها، روح‌القدس است.<sup>۵</sup> با اینکه می‌توان خدا را از راه‌های مختلف خدمت کرد،

۱:۱۲  
 اقرن ۱:۱۴  
 ۲:۱۲  
 اش ۷:۴۶  
 حب ۱۹و۱۸:۱  
 اتسا ۹:۱  
 ابطر ۳:۴  
 ۳:۱۲  
 یو ۱۳:۱۳  
 روم ۹:۱۰  
 ایو ۲:۴  
 ۴:۱۲  
 روم ۶:۱۲  
 افس ۴:۴  
 عبر ۴:۲

به ایمانداران روحانی و غیر روحانی شده بود. این به منزله  
 سوء استفاده‌ای وحشتناک از عطایای روحانی بود، چون  
 هدف عطایا اینست که کار کلیسا را ثمریخس‌تر سازد نه  
 آنکه در آن شکاف ایجاد کند.

۳:۱۲ هر کسی می‌تواند ادعا کند که از جانب خدا سخن  
 می‌گوید؛ دنیا پر از معلمین دروغین است. پولس راهی  
 در اختیار ما می‌گذارد تا به کمک آن بتوانیم تشخیص  
 بدهیم که کدام معلم پیام‌آور واقعی خداست. این راه  
 اینست: آیا این معلم معترف به خداوندی عیسی هست یا  
 نه؟ سخنان همه آنان را که ادعا می‌کنند از جانب خدا  
 سخن می‌گویند، به‌سادگی نپذیرید؛ از آنچه که آنها  
 درباره مسیح تعلیم می‌دهند، درستی گفتار آنان را  
 تشخیص دهید.

۱:۱۲ توانایی‌های خاصی که روح‌القدس به هرکس  
 می‌بخشد، عطایای روحانی نامیده می‌شود. عطایای  
 روحانی این امکان را به ما می‌دهند که نیازهای ایمانداران  
 را برطرف کنیم. این فصل حاوی فهرست کامل عطایای  
 روحانی نمی‌باشد (عنوان تعدادی دیگر از عطایا، در  
 سایر بخش‌های عهدجدید آمده است: رومیان فصل ۱۲؛  
 افسسیان فصل ۴؛ ابطرس ۴:۱۰و۱۱). عطایا بسیارند؛  
 مردم عطایای مختلفی دارند؛ و هیچ عطایی نسبت به عطای  
 دیگر برتری ندارد. همه عطایا از روح‌القدس است، و  
 هدف همه آنها بنای بدن مسیح، یعنی کلیسا، می‌باشد.

۱:۱۲ عطایای روحانی بجای اینکه کلیسای قرتس را بنا  
 کند، باعث جدایی آن شده بود. عطایا تبدیل شده بود به  
 مظهر اقتدار روحانی، و موجب بروز رقابت و تقسیم افراد

اما همه همان خداوند را خدمت می‌کنیم. <sup>۶</sup> خدا یکی است، اما به صورت‌های مختلف در زندگی ما عمل می‌کند. او همان خداست که در همه ما و بوسیله ما که از آن او هستیم، کار می‌کند. <sup>۷</sup> در واقع، روح‌القدس بوسیله هر یک از ما، قدرت خدا را جلوه‌گر می‌سازد، تا از این راه کلیسا را تقویت نماید.

<sup>۸</sup> روح‌القدس به یک شخص عطای بیان حکمت می‌بخشد تا با ارائه راه حل‌های حکیمانه دیگران را یاری نماید؛ و به دیگری دانستن اسرار را عطا می‌کند. <sup>۹</sup> او به یکی ایمانی فوق‌العاده عطا می‌نماید، و به دیگری قدرت شفای بیماران را می‌بخشد. <sup>۱۰</sup> به بعضی قدرت انجام معجزات می‌دهد، به برخی دیگر عطای نبوت کردن. به یک نفر قدرت عطا می‌کند که تشخیص دهد چه عطایی از جانب روح خداست و چه عطایی از جانب او نیست. باز ممکن است به یک شخص این عطا را ببخشد که بتواند به هنگام دعا به زبانهایی که نیاموخته است، سخن گوید، و به دیگری عطای ترجمه این زبانها را بدهد. <sup>۱۱</sup> اما تمام این عطایا از جانب یک روح، یعنی همان روح‌القدس است، و اوست که تصمیم می‌گیرد به هر کس چه عطایی ببخشد.

۶:۱۲

افس ۱:۲۳

۷:۱۲

روم ۶:۱۲

اقرن ۱۴:۲۶

افس ۴:۱۲

۸:۱۲

اقرن ۲:۱۱-۱۶

۹:۱۲

متی ۱۷:۱۹-۲۰

۱۰:۱۲

اعما ۲:۴

روم ۶:۱۲

اقرن ۱۴:۲۶-۳۲

غلا ۳:۵

ایو ۴:۱

۱۱:۱۲

روم ۶:۱۲-۸

افس ۴:۷

عبر ۲:۴

### ایمانداران بدن مسیح هستند

<sup>۱۲</sup> بدن یکی است اما اعضای بسیار دارد. وقتی تمام این اعضا کنار هم قرار می‌گیرند، بدن تشکیل می‌شود. «بدن» مسیح نیز همینطور است. <sup>۱۳</sup> هر یک از ما عضوی از بدن مسیح می‌باشیم. بعضی از ما یهودی هستیم و بعضی غیریهودی؛ بعضی غلام هستیم و بعضی آزاد. اما روح‌القدس همه ما را کنار هم قرار داده و بصورت یک بدن درآورده است. در واقع ما بوسیله یک روح، یعنی روح‌القدس، در بدن مسیح تعمید گرفته‌ایم و خدا به همه ما، از همان روح عطا کرده است.

۱۲:۱۲

روم ۴:۱۲

اقرن ۱۷:۱۰ ؛ ۱۷:۱۲

۱۳:۱۲

یو ۶:۳۷-۳۹

روم ۵:۶

غلا ۳:۲۷-۲۸

افس ۲:۱۳-۱۶

کول ۳:۱۱

متفاوت و با توانایی‌ها و عطایای گوناگون تشکیل شده است. چنین تفاوت‌هایی براحتی باعث تفرقه و جدایی انسانها می‌شود، همانطور که در قرنتس این وضعیت پیش آمده بود. اما علی‌رغم این اختلافات، تمام ایمانداران یک وجه مشترک دارند - و آن ایمان به مسیح است. کلیسا در این حقیقت بنیادی است که به اتحاد و یگانگی می‌رسد. همه ایمانداران بوسیله یک روح‌القدس در بدن یعنی کلیسا، تعمید می‌گیرند. ما هویت فردی خود را از دست نمی‌دهیم، اما در درجه اول در مسیح یکی می‌شویم. وقتی فردی به مسیح ایمان می‌آورد، روح‌القدس در او ساکن می‌گردد و او جزو خانواده خدا می‌شود. ما بعنوان اعضای خانواده خدا، ممکن است علائق و عطایای مختلفی داشته باشیم، اما در هدف مشترک هستیم.

**۹:۱۲** همه مسیحیان ایمان دارند. اما برخی عطای ایمان را دارند، یعنی اعتمادی غیرقابل سنجش به قدرت روح‌القدس.

**۱۲:۱۲** پولس بدن مسیح یعنی کلیسا را به بدن انسان تشبیه می‌کند. هر عضو از بدن عملکرد خاصی دارد که برای کل بدن ضروری است. هر عضو از بدن کار متفاوتی دارد؛ اعضای مختلف با اینکه متفاوتند، اما باید با هم کار کنند. مسیحیان باید از دو اشتباه رایج اجتناب ورزند: (۱) به خاطر عطایا پایشان مغرور نشوند؛ (۲) فکر نکنند که چیزی برای ارائه به سایر ایمانداران ندارند. بجای اینکه خود را با دیگران مقایسه کنیم، هر یک باید در اتحاد با هم عطایای خود را برای رساندن مژده نجات، بکار ببریم.

**۱۳:۱۲** کلیسا از انواع مختلف انسانها با پیشینه‌های

<sup>۱۴</sup> بلی، بدن فقط دارای یک عضو نیست، بلکه اعضای گوناگون دارد. <sup>۱۵</sup> اگر روزی پا بگوید: «من چون دست نیستم، جزو بدن نمی‌باشم،» آیا این گفته دلیل می‌شود که پا جزو بدن نباشد؟ <sup>۱۶</sup> یا اگر گوش بگوید: «من چون چشم نیستم، جزو بدن به حساب نمی‌آیم،» چه پیش می‌آید؟ آیا این سخن، گوش را از سایر اعضای بدن جدا می‌کند؟ <sup>۱۷</sup> فرض کنید تمام بدن چشم بود! در آنصورت چگونه می‌توانستید بشنوید؟ یا تمام بدن گوش بود! چگونه می‌توانستید چیزی را بو کنید؟

<sup>۱۸</sup> اما خدا ما را به اینصورت خلق نکرده است. او برای بدن ما اعضای گوناگون ساخته و هر عضو را درست در همانجایی که لازم می‌دانست، قرار داده است. <sup>۱۹</sup> اگر بدن فقط یک عضو می‌داشت، چقدر عجیب و غریب می‌شد! <sup>۲۰</sup> اما خدا بدن را از اعضای متعدد ساخت، ولی با وجود این، بدن یکی است. <sup>۲۱</sup> چشم هرگز نمی‌تواند به دست بگوید: «من احتیاجی به تو ندارم.» سر هم نمی‌تواند به پاها بگوید: «من نیازی به شما ندارم.» <sup>۲۲</sup> برعکس، بعضی از اعضا که ضعیف‌ترین و بی‌اهمیت‌ترین اعضا بنظر می‌رسند، در واقع بیش از سایرین مورد نیاز می‌باشند. <sup>۲۳</sup> ما همچنین آن اعضای را که زشت و بی‌ارزش به نظر می‌آیند، مورد مراقبت بیشتر قرار می‌دهیم و آنها را بدقت می‌پوشانیم. <sup>۲۴</sup> درحالیکه اعضای زیبای بدن ما، نیاز به چنین توجهی ندارند. بنابراین، خدا اعضای بدن را طوری در کنار هم قرار داده است که به اعضای بظاهر کم‌اهمیت، احترام و توجه بیشتری شود؛ <sup>۲۵</sup> تا به این ترتیب در میان اعضای بدن هم‌آهنگی ایجاد شود و هر عضو همان قدر که به خود علاقه و توجه دارد، به اعضای دیگر نیز علاقمند باشد. <sup>۲۶</sup> به این ترتیب، اگر عضوی از بدن دچار دردی شود، تمام اعضای بدن با آن همدردی می‌کنند؛ و اگر افتخاری نصیب یک عضو گردد، تمام اعضا با او شادی می‌نمایند.

۱۸:۱۲  
روم ۶:۱۲  
اقرن ۲۸:۱۲

۱۲:۱۴-۱۷ پولس با بکار بردن تمثیل بدن، اهمیت هر عضو کلیسا را مورد تأکید قرار می‌دهد (مراجعه کنید به توضیحات مربوط به ۱۲:۱۲). اگر عضوی به‌ظاهر کم‌اهمیت، از بدن جدا شود، از کارآیی کل بدن کاسته می‌شود (۲۲:۱۲). اگر فکر کنید که عطای شما مهم‌تر از عطای کسی دیگر است، دچار غرور روحانی شده‌اید. ما نباید به کسانی که به‌ظاهر بی‌اهمیت‌اند، به دیده تحقیر بنگریم و نباید به کسانی که عطایای عظیمی دارند، حسادت بورزیم. ما باید عطایای خود را بکار بگیریم و دیگران را تشویق کنیم تا از عطایای خود استفاده کنند. در غیراین صورت، کارآیی بدن ایمانداران پایین خواهد آمد.

۱۲:۲۵ و ۲۶ وقتی افتخاری نصیب یکی از ایمانداران می‌شود، شما چه واکنشی نشان می‌دهید؟ وقتی دچار رنجی می‌شود، چطور؟ ما خوانده شده‌ایم تا با خوشحالیان شادی کنیم و با کسانی که گریانند، گریه کنیم (رومیان ۱۲:۱۵). متأسفانه بسیاری از اوقات ما نسبت به خوشحالیان حسادت می‌ورزیم و خود را از کسانی که گریه می‌کنند جدا می‌سازیم. ایمانداران در دنیا در همبستگی قرار دارند؛ ما چیزی بعنوان مسیحیت فردی نداریم. ما نمی‌توانیم فقط به رابطه خودمان با خدا توجه داشته باشیم؛ ما باید به زندگی دیگران نیز توجه و علاقه نشان دهیم.

۲۷ مقصودم از این سخنان اینست که شما همگی با هم بدن مسیح هستید، اما هر یک به تنهایی عضوی مستقل و ضروری در این بدن می‌باشید.<sup>۲۸</sup> بعضی از اعضاء که خدا در کلیسا یعنی در بدن مسیح قرار داده است، اینها هستند: رسولان، یعنی فرستادگان مسیح.

انبیاء، یعنی کسانی که با الهام از خدا، پیغامی می‌آورند. معلمان، یعنی کسانی که کلام خدا را به دیگران تعلیم می‌دهند.

کسانی که معجزه می‌کنند.

کسانی که بیماران را شفا می‌دهند.

کسانی که عطای کمک به دیگران را دارند.

کسانی که عطای رهبری و هدایت مردم را دارند.

کسانی که عطای سخن گفتن به زبانهایی را دارند که قبلاً نیاموخته‌اند.

۲۹ آیا در کلیسا همه رسول هستند؟ آیا همه نبی هستند؟ آیا همه معلمند؟ آیا همه می‌توانند معجزه کنند؟<sup>۳۰</sup> آیا همه عطای شفا دارند؟ آیا همه عطای سخن گفتن به زبانها را دارند؟ یا همه عطای ترجمه این زبانها را دارند؟<sup>۳۱</sup> نه، چنین نیست. پس تا آنجا که می‌توانید، بکوشید که بهترین عطایا را دریافت کنید. اما اجازه دهید ابتدا راهی را به شما نشان دهم که از تمام این عطایا برتر است.

### خصوصیات محبت

اگر عطای سخن گفتن به زبانهای مردم و فرشتگان را داشته باشم،  
 ۱۳ زبانهایی که هیچگاه نیاموخته‌ام، اما در وجود خود نسبت به انسانها محبت نداشته باشم، همچون طبلی توخالی و سنجی پر سروصدا خواهم بود.<sup>۲</sup> اگر عطای نبوت داشته باشم، و از رویدادهای آینده آگاه باشم و همه چیز را درباره هر چیز و هر کس بدانم، اما انسانها را دوست نداشته باشم، چه فایده‌ای به ایشان خواهم رساند؟ یا اگر چنان ایمانی داشته باشم که به فرمان من کوه‌ها جابجا گردند، اما انسانها را دوست نداشته باشم، باز هیچ ارزشی

۲۷:۱۲

روم ۵:۴-۱۲

اقرن ۱۲:۱۲

افس ۱:۲۲ و ۲۳؛ ۴:۱۲؛ ۵:

۳۰، ۲۳:۵

کول ۱:۲۴

۲۸:۱۲

اعد ۱۱:۱۶ و ۱۷

اعما ۱:۱۳

روم ۶:۱۲-۸

افس ۲:۲؛ ۳:۵؛ ۴:۱۱

۱ تیمو ۵:۱۷

عبر ۱۳:۱۷

۳۱:۱۲

اقرن ۱۴:۱-۳۹

۱:۱۳

۱ تیمو ۵:۱

۲:۱۳

مت ۲۰:۱۷

لو ۶:۱۷

اقرن ۸:۱-۱۰

خدا و بالا بردن رشد روحانی بدن مسیح، به ما داده شده است.

۱:۱۳ پولس در فصل ۱۲ انگشت بر فقدان محبت قرتیان گذاشت. اکنون در فصل ۱۳ توضیح می‌دهد که محبت واقعی چیست، و در فصل ۱۴ نشان می‌دهد که محبت چگونه عمل می‌کند. محبت از تمام عطایای روحانی که در بدن (کلیسا) بکار گرفته می‌شود، مهم‌تر است. ایمان عظیم و قدرت انجام معجزات، بدون محبت بی‌فایده است. محبت اعمال و عطایای ما را قابل استفاده و مفید می‌گرداند.

۳۰:۱۲ پولس موضوع صحبت به زبانها را در فصل ۱۴ بطور مفصل مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

۳۱:۱۲ مهم‌ترین عطایا، آنهایی هستند که بیشترین منفعت را به بدن مسیح می‌رسانند. پولس قبل از این توضیح داد که هیچ عطایی برتر از دیگری نیست. حال او ایمانداران را تشویق می‌کند تا بفهمند چگونه به بهترین نحو می‌توانند بدن مسیح را با عطایایی که خدا به آنها داده است، خدمت کنند. عطایای روحانی برای نفع شخصی ما نیست. عطایای روحانی جهت خدمت به

<p>۳:۱۳ متی ۲۴:۱۶</p> <p>۴:۱۳ اقرن ۶:۴ ۱ پطرس ۸:۴</p> <p>۵:۱۳ اقرن ۲۴:۱۰ فیل ۴:۲ : ۸:۴</p> <p>۶:۱۳ مز ۳:۱۰ امت ۱۲:۱۰ روم ۳۲:۱ ۲ تسالو ۱۲:۲</p> <p>۷:۱۳ ۴ یوحنا غلا ۲:۶</p> <p>۸:۱۳ اقرن ۱۳:۱۳</p> <p>۹:۱۳ اقرن ۲:۸</p> <p>۱۰:۱۳ اش ۱۹:۶۰ ار ۳۴:۳۱</p> <p>۱۲:۱۳ اقرن ۱۸:۳ : ۷:۵ فیل ۱۲:۳ ۱ یوحنا ۲:۳</p> <p>۱۳:۱۳ متی ۳۹-۳۷:۲۲ غلا ۶:۵</p>	<p>نخواهم داشت.<sup>۳</sup> اگر تمام اموال خود را به فقرا ببخشم و بخاطر اعلام پیغام انجیل، زنده‌زنده در میان شعله‌های آتش سوزانده شوم، اما نسبت به انسانها محبتی نداشته باشم، تمام فداکاریهایم بیهوده خواهد بود.</p> <p>کسی که محبت دارد، صبور است و مهربان؛ حسود نیست و به کسی رشک نمی‌برد؛ مغرور نیست و هیچگاه خودستایی نمی‌کند؛<sup>۵</sup> به دیگران بدی نمی‌کند؛ خودخواه نیست و باعث رنجش کسی نمی‌شود. کسی که محبت دارد، پرتوقع نیست و از دیگران انتظار بیجا ندارد؛ عصبی و زودرنج نیست و کینه به دل نمی‌گیرد؛<sup>۶</sup> هرگز از بی‌انصافی و بی‌عدالتی خوشحال نمی‌شود، بلکه از پیروز شدن راستی شاد می‌گردد.<sup>۷</sup> کسی که محبت دارد در هر وضعی وفادار می‌ماند، همیشه اعتماد دارد، هرگز امیدش را از دست نمی‌دهد و در هر شرایطی تحمل می‌کند.</p> <p><sup>۸</sup> همه عطا یایی که خدا به ما می‌بخشد، روزی به انتها خواهد رسید. نبوتها، سخن گفتن به زبانها و دانستن علم و اسرار، روزی پایان خواهد پذیرفت. اما محبت تا ابد باقی خواهد ماند و از میان نخواهد رفت.<sup>۹</sup> در حال حاضر، با وجود تمام این عطایا، علم و نبوتهای ما جزئی و نارساست.<sup>۱۰</sup> اما زمانی که از هر جهت کامل شدیم، دیگر نیازی به این عطایا نخواهد بود و همه از بین خواهند رفت.</p> <p><sup>۱۱</sup> می‌توانم این مثال را بیاورم که به هنگام کودکی، مانند یک کودک سخن می‌گفتم و مانند یک کودک فکر و استدلال می‌کردم. اما چون بزرگ شدم، فکرم رشد کرد و کارهای کودکانه را ترک کردم.<sup>۱۲</sup> آنچه اکنون می‌بینیم و می‌دانیم، تار و مبهم است؛ اما روزی همه چیز را واضح و روشن خواهیم دید، به همان روشنی که خدا اکنون قلب ما را می‌بیند.</p> <p><sup>۱۳</sup> پس، سه چیز همیشه باقی خواهد ماند: ایمان، امید و محبت، اما از همه اینها بزرگتر، محبت است.</p>
---	--

کنیم. عطایای روحانی برای کلیساست. در ابدیت، ما کامل و بی‌عیب خواهیم شد و در حضور خود خدا خواهیم بود. در آنجا دیگر نیازی به عطایای روحانی نخواهیم داشت، از این رو عطایا از میان خواهد رفت.

**۱۲:۱۳** پولس نگاهی به آینده می‌اندازد تا به ما این امید را بدهد که روزی کامل خواهیم شد، آن هنگام که خدا را روبرو ببینیم. این حقیقت باید ایمان ما را تقویت کند. ما جواب تمامی سؤالات خود را در این دنیا نمی‌یابیم، اما در آن روز پر جلال همه پاسخها را خواهیم یافت. روزی خود مسیح را خواهیم دید و دیدگاههای الهی را در خواهیم یافت.

**۱۳:۱۳** در جامعه قرنتس و اخلاقیات فاسد آن، محبت اصطلاحی نامشخص و بی‌معنی بود. امروز نیز مردم تصور درستی از محبت ندارند. محبت بزرگترین ویژگی انسان

**۷-۴:۱۳** جامعه ما عشق و محبت را با شهوت و لذت‌جویی اشتباه گرفته است. برعکس لذت‌جویی، محبتی که از خداست، متوجه بیرون یعنی دیگران است، نه به طرف درون یعنی خودمان. ایثار و از خود گذشتگی، خصوصیت این نوع محبت است.

**۷-۴:۱۳** چنین محبتی در سرشت ما نهاده نشده است. در صورتی می‌توانیم از آن برخوردار گردیم که خدا معجزه‌آسا به ما کمک کند تا علایق و غرایض خود را کنار بگذاریم؛ بدینسان می‌توانیم بدون انتظار جبران، محبت کنیم. بنابراین، هرچه بیشتر به مسیح نزدیک شویم، بیشتر به دیگران محبت خواهیم کرد.

**۱۰:۱۳** خدا عطایای روحانی را در این جهان به ما می‌دهد تا مسیحیان همسنگر خود را بنا، خدمت، و تقویت

## پولس درباره عطای نبوت و زبانها تعلیم می‌دهد

۱۴ پس، محبت را مهم‌ترین هدف زندگی خود بسازید. اما در عین حال مشتاقانه دعا کنید تا روح‌القدس عطایای روحانی را نیز به شما عنایت فرماید، خصوصاً عطای نبوت را، یعنی عطای دریافت پیغام از خدا و اعلام آن به دیگران.

۲ اگر کسی عطای سخن گفتن به زبانها را دارد، یعنی به زبانهایی سخن می‌گوید که قبلاً نیاموخته است، در اینصورت، با این زبانها فقط با خدا سخن می‌گوید نه با مردم، زیرا دیگران گفته‌های او را درک نمی‌کنند، چون او با قدرت روح‌القدس، بصورت راز تکلم می‌کند. <sup>۳</sup> اما کسی که نبوت می‌کند، یعنی پیغامهای خدا را به ایمانداران اعلام می‌کند، با این کار به آنان کمک می‌نماید تا رشد کنند، تشویق شوند و تسلی یابند. <sup>۴</sup> پس، کسی که به زبانها سخن می‌گوید، فقط به رشد خود کمک می‌کند، اما آنکه نبوت می‌نماید، به رشد تمام کلیسا کمک می‌کند تا همه در پاکی و شادی پیشرفت نمایند.

۵ آرزوی من اینست که همه شما به زبانها سخن بگویید، اما بیشتر دلم می‌خواهد که نبوت کنید، زیرا نبوت کردن بهتر است از سخن گفتن به زبانها، مگر آنکه کسی بتواند مطلبی را که شما به زبانهای غیر می‌گویید، برای دیگران ترجمه کند تا ایشان نیز از آن بهره‌مند شوند.

۶ ای برادران عزیز، حتی اگر خود من نزد شما بیایم و با شما به زبانها سخن گویم، چه نفعی به شما خواهم رساند؟ اما اگر بیایم و حقایق عمیق کلام خدا را برایتان بیان کنم، و یا آنچه را که او بر من آشکار ساخته و آنچه را که آموخته‌ام

۱:۱۴  
لاو ۱۸:۱۹  
اعد ۲۵:۱۱  
متی ۲۲:۳۷-۴۰  
مر ۱۲:۲۹-۳۱  
روم ۱۲:۶؛ ۸:۱۳-۱۰  
اقرن ۱۲:۱۴  
غلا ۵:۱۴  
افس ۵:۲  
کول ۳:۱۴  
اتیمو ۱:۵  
یعقو ۲:۸  
۲:۱۴  
مر ۱۶:۱۷  
اعما ۲:۴؛ ۱۰:۴۶ و ۴۷  
۶:۱۹  
۳:۱۴  
روم ۱۴:۱۹  
۴:۱۴  
اقرن ۱۲:۱۰؛ ۳۰:۱۰  
۱۴:۱۸ و ۱۹:۲۶-۲۸

۶:۱۴  
روم ۱۷:۶  
اقرن ۱۳:۸؛ ۱۱:۲  
افس ۱۷:۱۶ و ۱۷

شما می‌خواهید از عطایای خارق‌العاده خدا، برای بنای کلیسا استفاده کنید یا برای نفع خودتان؟ عطایای روحانی تنها زمانی مفید واقع می‌شود که بطور صحیح برای کمک به همه کلیسا بکار رود. ما از آنها استفاده نمی‌کنیم تا خودمان احساس رضایت نماییم.

۲:۱۴ پولس چند نکته را درباره صحبت به زبانها بیان می‌کند: (۱) زبانها عطایی است روحانی از جانب خدا (۲:۱۴)؛ (۲) زبانها عطایی است مفید، گرچه لازمه ایمان نیست (۲۸:۱۲-۳۱)؛ (۳) زبانها از نبوت و تعلیم کم‌اهمیت‌تر است (۱۴:۴). با اینکه پولس خودش به زبانها صحبت می‌کرد، اما او روی نبوت (اعلام پیام از جانب خدا) تأکید می‌کند چون نبوت کل کلیسا را نفع می‌رساند، در حالی که صحبت کردن به زبانها اساساً برای خود گوینده مفید است. عبادت گروهی باید قابل درک و مفید برای همه کلیسا باشد.

است. محبت مستلزم خدمت فداکارانه به دیگران است؛ محبت یعنی توجه و علاقه به دیگران. ایمان اساس و محتوای پیام خداست؛ امید، حالتی قلبی است و توجه به آینده؛ محبت نیز به منزله عمل است. وقتی ایمان و امید در کنار هم هستند، می‌توانید واقعاً محبت کنید چون در می‌یابید که خدا چگونه محبت می‌کند. محبت خصوصیت خود خداست (۱ یوحنا ۴:۸).

۱:۱۴ نبوت ممکن است پیشگویی حوادث آینده باشد، اما هدف اصلی آن رساندن پیغام خدا به انسان است که شامل ارائه بینش و دید، هشدار، تأدیب و تشویق می‌باشد. ۲:۱۴ عطای تکلم به زبانها، مسأله مورد توجه کلیسای قرتنس بود چون باعث ایجاد بی‌نظمی به هنگام عبادت شده بود. زبانها عطای روح‌القدس است، اما ایمانداران قرتنس از آن به منزله نشانه‌ای برای برتری روحانی استفاده می‌کردند، نه به‌عنوان وسیله‌ای برای اتحاد روحانی. آیا



بازگو نمایم، و یا پیغامی از جانب او برایتان بیاورم، در اینصورت به شما نفع رسانده‌ام.<sup>۷</sup> حتی سازهایی مثل نی و چنگ، اگر بطور واضح نواخته نشوند، چگونه می‌توان آهنگ آنها را تشخیص داد؟

به همین ترتیب، اگر ما هم به زبان قابل درک سخن نگوییم، دیگران چگونه سخنان ما را درک خواهند کرد؟<sup>۸</sup> یا اگر در میدان جنگ، شیپور آماده باش را ننوازند، چه کسی خود را برای نبرد آماده خواهد ساخت؟<sup>۹</sup> به همین صورت، اگر با کسی به زبانی گفتگو کنید که برای او قابل فهم نیست، چگونه می‌تواند سخنان شما را درک کند؟ مانند این خواهد بود که با دیوار سخن می‌گویید!<sup>۱۰</sup> فکر می‌کنم در دنیا صدها زبان مختلف وجود داشته باشد، اما هر یک از این زبانها فقط برای کسانی که به آنها تکلم می‌کنند، بامعنی هستند،<sup>۱۱</sup> و من از آنها سر در نمی‌آورم. اگر کسی به یکی از این زبانها با من سخن گوید، او برای من همچون یک بیگانه است و من هم برای او.<sup>۱۲</sup> پس حال که تا این حد مشتاق عطایای روح القدس هستید، طالب بهترین آنها باشید تا برای رشد تمام کلیسا مفید واقع شوید.<sup>۱۳</sup> اگر کسی عطای تکلم به زبانها را دارد، باید دعا کند تا خدا به او عطای ترجمه این زبانها را نیز بدهد.<sup>۱۴</sup> زیرا اگر به زبانی دعا کنم که آن را نمی‌فهمم، در واقع روح من دعا می‌کند و خودم از آنچه می‌گویم، بی‌خبرم.<sup>۱۵</sup> پس چه کنم؟ باید هم به این زبانها دعا کنم و هم به زبان خودم؛ هم به این زبانها سرود بخوانم و هم به زبان خودم، تا همه بفهمند.<sup>۱۶</sup> زیرا اگر شما خدا را به زبانی شکر گوید که فقط روح خودتان می‌فهمد، چگونه دیگران بتوانند به دعای شکرگزاری شما آمین بگویند، در حالیکه نمی‌فهمند چه می‌گویید؟<sup>۱۷</sup> شکی نیست که شما بسیار عالی خدا را شکر می‌گویید، اما حاضرین بهره‌ای نمی‌برند.

<sup>۱۸</sup> خدا را شکر که در تنهایی، بیش از همه شما به زبانها سخن می‌گوییم. اما وقتی با دیگران خدا را عبادت می‌کنم، ترجیح می‌دهم پنج کلمه به زبانی سخن بگویم که همه بفهمند و استفاده کنند، تا اینکه هزاران کلمه به زبانهای غیر تکلم کنم که کسی نمی‌فهمد.

<sup>۲۰</sup> برادران عزیز، در درک این مطالب مانند کودکان نباشید. در درک و فهم امور روحانی، چون مردان عاقل و دانا باشید، اما در بدی کردن مانند کودکان!<sup>۲۱</sup> کتاب آسمانی می‌فرماید که خداوند از سرزمینهای دیگر افرادی را خواهد فرستاد تا پیغام او را به زبانهای بیگانه به قوم او اعلام کنند، اما با اینحال ایشان نخواهند شنید.<sup>۲۲</sup> پس می‌بینید که سخن گفتن به زبانها، نشانه قدرت خدا برای

۸:۱۴

اعد ۹:۱۰

ار ۱۹:۴

حز ۶-۲:۳۳

یول ۱:۲

۱۲:۱۴

روم ۱۹:۱۴

۱۳:۱۴

اقرن ۱۰:۱۲

۱۵:۱۴

مز ۷:۴۷

افس ۱۹:۵

کول ۱۶:۳

۱۶:۱۴

اتوا ۳۶:۱۶

نخ ۱۳:۵ : ۶۸

مز ۴۸:۱۰۶

۱۷:۱۴

روم ۱۹:۱۴

۲۰:۱۴

متی ۲۵:۱۱

روم ۱۹:۱۶

افس ۱۴:۴

عبر ۱۲:۵

۲۱:۱۴

اش ۱۱:۲۸

یو ۳۴:۱۰

۲۲:۱۴

اقرن ۱:۱۴

ایمانداران نیست بلکه نشانه‌ای است برای بی‌ایمانان. اما نبوت، یعنی آوردن پیغام از جانب خدا، برای بی‌ایمانان نیست بلکه برای ایمانداران.<sup>۲۳</sup> پس اگر فردی بی‌ایمان و یا کسی که این عطایا را ندارد، به جمع شما داخل شود و بشنود که شما همه به زبانهای غیر تکلم می‌کنید، یقیناً تصور خواهد کرد که دیوانه‌اید.<sup>۲۴</sup> اما اگر همه نبوت کنید، حتی اگر این پیغامها بیشتر برای ایمانداران مفید باشد، و همان موقع یک غیر مسیحی یا یک نوایمان وارد شود، با شنیدن این پیغامهای الهی وجدانش بیدار خواهد شد و پی خواهد برد که گناهکار است.<sup>۲۵</sup> آنگاه پرده از افکار پنهان او برداشته شده، به زانو خواهد افتاد و خدا را پرستش کرده، خواهد گفت که حقیقتاً خدا در میان شماست.

۲۳:۱۴  
اعما ۱۳و۱۲:۲

۲۴:۱۴  
اقرن ۱:۱۴

۲۵:۱۴  
اش ۱۴:۴۵  
زکر ۲۳:۸  
عبر ۱۳و۱۲:۴

### نظم و ترتیب در مجالس عبادتی

<sup>۲۶</sup> پس، ایمانداران عزیز، مقصود خود را بطور خلاصه بیان می‌کنم. وقتی برای عبادت در کلیسا جمع می‌شوید، یکی از شما سرود بخواند، دیگری کلام خدا را تعلیم دهد، یکی دیگر حقیقتی را که از جانب خدا بر او آشکار شده بیان نماید، یک نفر نیز به زبانهای غیر سخن بگوید و دیگری آن را ترجمه کند. اما هر چه انجام می‌شود، باید برای همه ایمانداران مفید باشد و باعث تقویت و رشد روحانی ایشان گردد.<sup>۲۷</sup> اگر کسانی می‌خواهند به زبانهای غیر حرف بزنند، تعدادشان نباید بیش از دو یا سه نفر باشد، آن هم به نوبت. یک نفر نیز باید این زبانها را ترجمه کند.<sup>۲۸</sup> اما اگر کسی نباشد که ترجمه کند، ایشان باید در سکوت با خود و با خدا به زبانهای غیر سخن گویند، نه در حضور همه و با صدای بلند.

۲۶:۱۴  
روم ۱۹:۱۴  
اقرن ۱۰:۱۲-۸-۱۴ : ۶-۲:۱۴  
افس ۱۳-۱۲:۴ : ۱۹:۵

۲۷:۱۴  
اقرن ۱۰:۱۲ : ۱۳:۵، ۲:۱۴  
اتسا ۲۱و۲۰:۵

<sup>۲۹</sup> و <sup>۳۰</sup> اگر کسانی هستند که نبوتی از جانب خدا دارند، بهتر است دو یا سه نفر از ایشان به نوبت پیغام خدا را اعلام نمایند و دیگران در مورد آن قضاوت کنند. در ضمن اگر در همان لحظه که شخصی نبوت می‌کند، پیغام یا مطلبی از جانب خدا بر شخص دیگری آشکار شود، آن کسی که مشغول سخن گفتن است، باید ساکت

**۲۶:۱۴** هر کاری که در جلسه عبادتی انجام می‌شود، باید برای عبادت‌کنندگان مفید باشد. این دستورالعمل به همه ابعاد عبادت مربوط می‌شود، یعنی به سرود خواندن، موعظه کردن، و بکار بردن عطایا. کسانی که سهم مهمی در جلسه عبادتی دارند (اشخاصی که سرود می‌خوانند، به زبانها صحبت می‌کنند، کسانی که ترجمه می‌کنند)، باید محبت را انگیزه اصلی خود قرار دهند و با سخنان مفید، ایمان دیگر ایمانداران را تقویت کنند.

که صحبت کردن به زبانها، *نشانه‌ای* است برای بی‌ایمانان (همانطور که در اعمال فصل ۲ چنین بود). بعد از صحبت کردن به زبانها، ایمانداران به ترجمه آن احتیاج داشتند تا خدا را تمجید کنند. آنگاه حضور روح‌القدس می‌توانست مردم غیرمسیحی را ملزم سازد و آنان را برای تحقیق بیشتر درباره ایمان مسیحی برانگیزاند. اگرچه این یکی از راههای بشارت به بی‌ایمانان است، اما پولس می‌گوید که معمولاً موعظه واضح بهتر است (۵:۱۴).

۳۱:۱۴  
روم ۶:۱۲

۳۲:۱۴  
۱ یو ۴

۳۳:۱۴  
اقرن ۱۷:۴ ؛ ۱۷:۷

۳۴:۱۴  
پیدا ۱۶:۳  
اقرن ۱۱:۳ ؛ ۱۶:۳

افس ۲۲:۵  
کول ۱۸:۳  
۱ تیمو ۱۱:۲  
تیط ۵:۲

۱ پطر ۱:۳  
۳۶:۱۴

اش ۳:۲  
۳۷:۱۴

لو ۱۶:۱۰  
اقرن ۱۵:۲  
۱ قرن ۷:۱۰  
۱ یو ۶:۴

۳۹:۱۴  
اقرن ۳۱:۱۲  
۱ تس ۵:۲۰

شود.<sup>۳۱</sup> به این ترتیب، تمام کسانی که پیغامی از سوی خداوند دریافت کرده‌اند، خواهند توانست یکی پس از دیگری پیغام خدا را اعلام کنند تا همه تعلیم بگیرند و تشویق و تقویت شوند.<sup>۳۲</sup> بعلاوه بیاد داشته باشید کسانی که عطای نبوت دارند، باید این قدرت را هم داشته باشند که ساکت بنشینند و منتظر نوبت خود باشند.<sup>۳۳</sup> خدا هرج و مرج را دوست ندارد، بلکه هماهنگی و نظم و ترتیب را. همانگونه که در تمام کلیساها مشاهده می‌شود،<sup>۳۴</sup> زنان در جلسات باید ساکت باشند. آنها نباید سخن بگویند بلکه گوش کنند و اطاعت نمایند، همانطور که کتاب تورات فرموده است.<sup>۳۵</sup> اگر سؤالی نیز دارند، در خانه از شوهران خود پرسند، چون صحیح نیست که زنان در جلسات کلیسا گفتگو و اظهار نظر کنند.<sup>۳۶</sup> آیا با این مطالب مخالفید؟ یا شاید فکر می‌کنید که فقط شما اراده خدا را می‌شناسید و بس؟ در اینصورت در اشتباه هستید!<sup>۳۷</sup> اگر ادعا می‌کنید که عطای نبوت و یا سایر عطایای روح القدس را دارید، پس باید اولین کسانی باشید که دریابید آنچه می‌گویم، احکام خود خداوند است.<sup>۳۸</sup> اما اگر کسی باز مخالف است، بگذار در نادانی خود باقی بماند.<sup>۳۹</sup> پس ای برادران عزیز، با اشتیاق بسیار طالب عطای نبوت باشید و در ضمن کسی را از سخن گفتن به زبانها منع نکنید.<sup>۴۰</sup> هر کاری بجای خود نیکوست و باید با نظم و ترتیب انجام شود.

طبق فرهنگ قرننس، زنان اجازه نداشتند در ملاء عام با مردها صحبت کنند. ظاهراً بعضی از زنانی که مسیحی شده بودند، فکر می‌کردند که آزادی مسیحی این حق را به آنها می‌دهد که در جلسه عبادتی با صدای بلند حرف بزنند و مردها را مورد مؤاخذه قرار دهند. این موجب بروز تفرقه در کلیسا می‌شد. بعلاوه، در آن زمان، زنان مانند مردان، آموزشهای رسمی مذهبی نمی‌دیدند. زنان ممکن بود طی جلسه عبادتی، سؤالاتی را مطرح کنند که به راحتی می‌توانستند پاسخ آنها را در خانه از شوهران خود بگیرند و باعث به هم خوردن جلسه کلیسا نشوند. پولس برای ایجاد اتحاد، از زنان می‌خواهد تا در جلسه عبادتی، آزادی مسیحی خود را نمایش ندهند. اینجا هدف پولس ایجاد اتحاد است، نه تعلیم درباره نقش زنان در کلیسا.

۴۰:۱۴ عبادت برای زندگی شخص و برای کل کلیسا، امری حیاتی است. جلسات کلیسایی ما باید خوب و با نظم و ترتیب اجرا شود تا بتوانیم عبادت کنیم، تعلیم بگیریم، و برای خدمت به خدا آماده شویم. کسانی که مسؤول برنامه‌ریزی برای جلسات عبادتی هستند، باید از نظم و ترتیب و نحوه اداره آن یقین حاصل کنند.

۳۳:۱۴ در جلسه عبادتی، همه چیز باید در هماهنگی و با نظم و ترتیب انجام شود. حتی وقتی از عطایای روح القدس استفاده می‌شود، هیچ دلیلی برای بی‌نظمی وجود ندارد. هرج و مرج در کلیسا مانع می‌شود که خدا آنطور که دوست دارد، در بین ایمانداران کار کند.

۳۳:۱۴ منظور پولس از جمله «همانگونه که در تمام کلیساها مشاهده می‌شود»، چیست؟ در بعضی از ترجمه‌ها، این جمله به عبارت قبلی مربوط شده است، به این شکل: «خدا هرج و مرج را دوست ندارد، بلکه هماهنگی و نظم ترتیب را، همانگونه که در تمام کلیساها مشاهد می‌شود.»

۳۵ و ۳۴:۱۴ آیا این بدان معناست که امروز زنان نباید در جلسات کلیسایی سخن بگویند؟ از آیه ۵:۱۱ مشهود است که زنان می‌توانند در کلیسا - و از قرار معلوم در جلسات عمومی - دعا و نبوت کنند. همچنین از فصل‌های ۱۲ تا ۱۴ مشخص است که زنان عطایای روحانی داشتند و ترغیب می‌شدند که در بدن مسیح از عطایا استفاده کنند. زنان نه فقط می‌توانند، بلکه موظف‌اند در بُعد وسیعی در جلسات عبادتی شرکت داشته باشند.

## ۴- تعلیم درباره قیام قیام مسیح

### ۱۵

حال ای برادران، بگذارید بار دیگر حقایق انجیل را بیاد شما آورم، یعنی همان خبر خوشی را که قبلاً به شما اعلام کردم و شما هم آن را با شادی پذیرفتید و اکنون نیز ایمانتان بر همین پیغام عالی استوار است.<sup>۲</sup> همین خبر خوش است که اگر واقعاً به آن ایمان داشته باشید، باعث نجاتتان می‌گردد، مگر آنکه ایمانتان واقعی نباشد.

<sup>۳</sup> من مهمترین حقایق انجیل را همانطور که دیگران به من رساندند، به شما اعلام کردم، یعنی این حقایق را که مسیح طبق نوشته‌های کتاب آسمانی، جان خود را در راه آموزش گناهان ما فدا کرد و مرد،<sup>۴</sup> در قبر گذاشته شد و روز سوم زنده گردید و از قبر بیرون آمد، همانطور که انبیاء پیشگویی کرده بودند.<sup>۵</sup> پس از آن، پطرس او را زنده دید و بعد، بقیه آن دوازده رسول نیز او را دیدند.<sup>۶</sup> سپس او خود را به بیش از پانصد نفر از برادران ما ظاهر کرد، که بسیاری از ایشان هنوز زنده‌اند و بعضی نیز فوت شده‌اند.<sup>۷</sup> بعد از آن، یعقوب و همه رسولان او را دیدند.<sup>۸</sup> آخر از همه، من نیز او را دیدم. در واقع، من همچون طفلی بودم که پیش از وقت دنیا آمده باشد،<sup>۹</sup> زیرا من از تمام رسولان کوچکتر هستم، چون بعد از آن بدیهایی که به کلیسای خدا روا داشتیم، حتی لیاقت ندارم نام خود را رسول بگذارم.

۳:۱۵

اش ۵:۵۳

لو ۲۷-۲۵:۲۴

۱ پط ۲:۲۴

۴:۱۵

لو ۲۷-۲۵:۲۴

۵:۱۵

مر ۱۴:۱۶

لو ۳۵ و ۳۴:۲۴

یو ۱۹:۲۰

۶:۱۵

لو ۱۳:۳۱-۱۳:۲۴

یو ۱۹:۲۰، ۲۶:۳۰، ۲۱:۱

۸:۱۵

اعما ۱۲-۳:۹

۹:۱۵

اعما ۳:۸

قرن ۱۲:۱۱

افس ۸:۳

**۹:۱۵** مهم‌ترین مدرک پولس که ثابت می‌کرد رسول مسیح است، این بود که او شاهد عینی مسیح قیام کرده بود (مراجعه کنید به اعمال ۳:۹-۶).

**۹:۱۵** پولس در مقام یک فریسی متعصب، دشمن کلیسا بود؛ دشمنی او به حدی بود که ایمانداران را دستگیر می‌کرد و آزار می‌رسانید (مراجعه کنید به اعمال ۱:۹-۳). به همین دلیل، او می‌گوید که شایستگی این را ندارد

که رسول (فرستاده برگزیده) مسیح خوانده شود. او با اینکه یکی از متنفذترین رسولان بود، اما بسیار فروتن بود. او می‌دانست که متحمل زحمات بسیاری شده و کارهای زیادی انجام داده است، اما همه اینها را فقط به کمک فیض و لطف خدا به انجام رسانده بود. فروتنی واقعی این نیست که شخص به خود تلقین کند که بی‌ارزش است، بلکه تشخیص این واقعیت است که موفقیتش از جانب خداست. فروتنی یعنی اینکه انسان خود را با عینک الهی ببیند و تشخیص دهد که رشد و تکامل تواناییها و استعدادهايش در اثر فیض خدا است.

**۲:۱۵** در همه کلیساها افرادی هستند که هنوز ایمان ندارند. برخی از آنها در مسیر ایمان پیش می‌روند، و دیگران صرفاً تظاهر به ایمان می‌کنند. اما افرادی که از ایمانشان اطمینان حاصل نیست، نباید از کلیسا اخراج شوند (مراجعه کنید به متی ۲۹:۱۳)، چون این فقط کار خداوند است. انجیل ما را نجات می‌دهد **به این شرط که** به آن ایمان داشته باشیم.

**۸-۵:۱۵** همیشه کسانی خواهند بود که می‌گویند عیسی از مردگان بر نخاسته است. پولس این اطمینان را به ما می‌دهد که عده بسیاری عیسی را پس از قیام دیدند، از جمله بیش از ۵۰۰ نفر در یک محل. قیام مسیح یک واقعیت تاریخی است. با سخنان شکاکانی که قیام مسیح را انکار می‌کنند، ناامید نشوید.

**۷:۱۵** یعقوب، احتمالاً برادر عیسی است که در ابتدا ایمان نداشت که عیسی، مسیح موعود است (یوحنا ۵:۷). اما بعد از دیدن مسیح قیام کرده، ایماندار شد و در نهایت به رهبری کلیسای اورشلیم انتخاب گردید (اعمال ۳:۱۵). او همچنین یکی از کتابهای عهد جدید، یعنی رساله یعقوب را نوشت.

۱۰:۱۵  
۲۳:۱۱ قرن  
غلا ۸:۲  
افس ۷:۲  
اتیمو ۱۰:۴

۱۰ اما اکنون هر چه هستیم، بخاطر لطفی است که خدا در حق من فرموده و این لطف نیز بی نتیجه نبوده است، چون من حتی بیش از سایر رسولان زحمت کشیده‌ام؛ هر چند که من نبودم که این کارها را می‌کردم، بلکه خدا بود که در من کار می‌کرد و مرا برکت می‌داد. <sup>۱۱</sup> به هر حال فرقی نمی‌کند که من بیشتر زحمت کشیده‌ام یا ایشان. مهم این است که ما انجیل را به شما اعلام کردیم و شما نیز به آن ایمان آوردید.

### قیام مردگان

۱۲:۱۵  
اعما ۳۲:۱۷  
۱۸:۲ تیمو

۱۲ اما اگر پیغمبی که ما اعلام کردیم، این بود که مسیح از مردگان برخاسته است و شما نیز به آن ایمان آوردید، پس چگونه است که بعضی از شما اکنون می‌گویید که مرده‌ها هرگز زنده نخواهند شد؟ <sup>۱۳</sup> چون اگر مرده‌ها در روز قیامت زنده نخواهند شد، بنابراین مسیح هم زنده نشده است؛ <sup>۱۴</sup> و اگر مسیح زنده نشده است، پس تمام پیغامها و موعظه‌های ما دروغ است و ایمان و اعتماد شما نیز به خدا، بی‌اساس و بیهوده می‌باشد. <sup>۱۵</sup> در اینصورت، ما رسولان نیز همه دروغگو هستیم، زیرا گفته‌ایم که خدا مسیح را زنده کرده و از قبر بیرون آورده است؛ اگر قیامت مردگان وجود نداشته باشد، این گفته ما نیز دروغ است. <sup>۱۶</sup> اگر قیامت مردگان وجود ندارد، مسیح نیز زنده نشده است. <sup>۱۷</sup> و اگر مسیح زنده نشده ایمان شما نیز بی فایده است و هنوز زیر محکومیت گناهانتان هستید. <sup>۱۸</sup> در اینصورت، تمام ایماندارانی که تا بحال مرده‌اند، نابود شده‌اند. <sup>۱۹</sup> اگر امید ما به مسیح فقط برای زندگی در این دنیا باشد، از تمام مردم دنیا بدبخت‌تریم.

۱۷:۱۵  
روم ۲۵:۴  
۱۸:۱۵  
۱۶:۴ اتسا  
مکا ۱۳:۱۴  
۱۹:۱۵  
۱۲:۳ تیمو

جاودانگی داخل می‌شود. در کتاب مقدس، برعکس، بدن و روح پس از قیامت یکی می‌شوند. کلیسای قرتس در قلب فرهنگ یونانی قرار داشت. از این رو بسیاری از ایمانداران بخاطر اعتقاد به قیام بدن دچار مشکل می‌شدند. پولس این قسمت از نامه را نوشت تا این مشکل و سردرگمی در باره قیامت را حل کند.

۱۴ و ۱۳:۱۴ قیام مسیح مرکز ایمان مسیحی است. چون مسیح از مردگان برخاست، می‌دانیم که هرچه گفت راست بود؛ او خداوند است. چون او برخاست، مرگ او در راه گناهان ما اعتبار می‌یابد و ما می‌توانیم مورد عفو قرار بگیریم. چون او برخاست، زنده است و برای ما شفاعت می‌کند. چون او برخاست و مرگ را شکست داد، می‌دانیم که ما هم بر خواهیم خاست.

۱۹:۱۵ چرا پولس می‌گوید که اگر مسیحیت فقط در این دنیا دارای ارزش باشد، مسیحیان از همه مردم بدبخت‌تر هستند؟ در زمان پولس، مسیحی بودن جفا، طرد

۱۰:۱۵ پولس می‌فرماید که بیش از سایر رسولان متحمل زحمتات و مشقات شده است. این گفته او از روی غرور نیست چون او می‌دانست که قدرت او از خدا سرچشمه می‌گیرد (۹:۱۵) و اینکه فرقی نمی‌کند چه کسی بیشترین زحمت را کشیده باشد (۱۱:۱۵). او بخاطر شهرتی که بعنوان یک فریسی داشت، در اثر گرویدن به مسیحیت بیش از دیگر رسولان هدف آزار و اذیت قرار گرفت؛ از این رو او می‌بایست برای موعظه همان پیامی که دیگران بدون تحمل زحمتات و عظمی کردند، زحمت بیشتری می‌کشید.

۱۲:۱۵ بیشتر یونانی‌ها به زنده شدن بدن انسان پس از مرگ اعتقاد نداشتند. آنها حیات پس از مرگ را فقط برای روح می‌دانستند. طبق نظر فلاسفه یونانی، وجود واقعی انسان روحش می‌باشد، روحی که در بدن فیزیکی محبوس است و به هنگام مرگ آزاد می‌شود. به عقیده آنان، هیچ ابدیتی برای بدن وجود ندارد، اما روح به

۲۰ اما واقعیت اینست که مسیح پس از مرگ، دوباره زنده شد؛ او نخستین فرد از میان کسانی است که در روز قیامت زنده خواهند شد.

۲۱ همانطور که به علت گناه «آدم»، مرگ به این دنیا آمد، در اثر کار نجات بخش مسیح نیز زندگی پس از مرگ نصیب ما شد. ۲۲ همه ما می میریم، زیرا از نسل گناهکار آدم هستیم، چون هر جا گناه باشد، مرگ نیز وجود دارد. اما همه کسانی که از آن مسیح می باشند، پس از مرگ بار دیگر زنده خواهند شد. ۲۳ اما هر کس به نوبت خود: نخستین کسی که زنده شد، مسیح بود؛ سپس به هنگام بازگشت او، تمام آنانی که به او تعلق دارند، زنده خواهند شد. ۲۴ پس از آن، آخرت فرا خواهد رسید.

در آن زمان، مسیح تمام دشمنان خود را نابود خواهد ساخت و سلطنت را به خدای پدر واگذار خواهد کرد. ۲۵ زیرا سلطنت مسیح تا زمانی خواهد بود که همه دشمنان خود را نابود سازد. ۲۶ آخرین دشمن او مرگ است، که آن هم باید مغلوب و نابود شود. ۲۷ چون خدای پدر اقتدار و حکمرانی بر همه چیز را به مسیح سپرده است، البته روشن است که خود خدای پدر زیر این اقتدار و سلطه نمی باشد. ۲۸ سرانجام، وقتی مسیح بر تمام دشمنان خود پیروزی یافت، آنگاه خود او نیز که فرزند خداست، خود را تحت فرمان پدرش خدا قرار خواهد داد تا خدا که او را بر همه چیز مسلط ساخته بود، بر کل عالم هستی حاکم شود.

۲۹ اما اگر مردگان هیچگاه زنده نخواهند شد، پس چرا بعضی بجای مرده ها غسل تعمید می گیرند؟ این غسل چه فایده ای دارد، مگر اینکه ایمان داشته باشند که

۲۰:۱۵
کول ۱:۱۸
۱ پطرس ۳:۱
مکا ۵:۱
۲۱:۱۵
روم ۱۲:۵
۲۲:۱۵
روم ۱۴:۵-۱۸
۲۳:۱۵
۱ تسانا ۱۵:۱۷-۱۷
۲۴:۱۵
دان ۱۴:۷
۲ قرن ۱۴:۴
۲۵:۱۵
مز ۱:۱۱۰
عبر ۱۳:۱
۲۶:۱۵
۱ قرن ۱۵:۵۵، ۴:۵۵
۲ تیمو ۱۰:۱
عبر ۱۴:۲
مکا ۱۸:۱، ۱۴:۲۰، ۴:۲۱
۲۷:۱۵
مز ۶:۸
متی ۱۸:۲۸
افس ۲۲:۱
عبر ۸:۲
۱ پطرس ۲۲:۳
۲۸:۱۵
یو ۲۸:۱۴
۱ قرن ۲۳:۳، ۳:۱۱
افس ۱۰:۱
فیل ۲۱:۳

۲۵:۱۵-۲۸ اگرچه خدای پدر و خدای پسر با هم برابرند، اما هر یک کار جداگانه ای دارند (۲۸:۱۵). مسیح از پدر پایین تر نیست، وظیفه او شکست تمامی شرارت بر روی زمین است. او نخست گناه و مرگ را بر روی صلیب مغلوب ساخت، و در روزهای آخر شیطان و تمامی شرارت را شکست خواهد داد. ممکن است به نظر بیاید که کسی بر وقایع دنیا نظارت ندارد و عدالت رنگ باخته است. اما خدا کنترل را در دست دارد و به شیطان اجازه داده است تا برای مدتی به بقای خود ادامه دهد تا وقتی که بار دیگر عیسی را به جهان بفرستد. آنگاه خداوند عیسی دنیای جدید و کاملی را برای خدا آماده خواهد ساخت.

۲۹:۱۵ بعضی از ایمانداران به نیابت از طرف کسانی که بدون تعمید مرده بودند، تعمید می گرفتند. این موضوع گرچه برای ما روشن نیست و چیز دیگری در باره آن نمی دانیم، اما بروشنی گویای این حقیقت است که مسیحیان قرننس، با انجام این رسم، اعتقاد خود را به قیامت نشان می دادند. پولس الزاماً تعمید گرفتن برای مردگان را

شدن از خانواده و در بسیاری موارد، فقر را بدنبال داشت. مسیحی بودن در جامعه آن روز منفعتی نداشت. مسیحی بودن باعث ترقی در جامعه نمی گردید. از همه مهم تر، اگر مسیح از مردگان بر نخاسته بود، گناهان مؤمنین بخشوده نمی شد و امیدی برای حیات جاودانی برای ایشان نمی بود. مرگ در نتیجه گناه آدم و حوا وارد جهان شد. در رومیان ۱۲:۵-۲۱ پولس توضیح می هد که چرا گناه آدم، به تمام انسانها منتقل شد، و چطور مرگ و گناه بخاطر گناه اولیه به تمام بشریت سرایت کرد؛ او مرگ آدم را با مرگ مسیح مقایسه می کند.

۲۳:۱۵ کسانی که به مسیح تعلق دارند، مسیحی هستند، یعنی افرادی که بواسطه ایمان، خواهران و برادران مسیح شده اند و در قیامت او شراکت دارند. چون مسیح از مردگان بر خاست، یقین داریم که ما ایمانداران نیز بر خواهیم خاست. این قسمت نه ترتیب تاریخی وقایع را بدست می دهد و نه زمان وقوع آنها را. مقصود پولس این است که مسیح قیامت کرده، بر تمامی شرارت، از جمله مرگ غالب خواهد آمد.

روزی مرده‌ها دوباره زنده خواهند شد؟<sup>۳۰</sup> یا ما چرا هر روز جانمان را به خطر می‌اندازیم و هر لحظه با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنیم؟<sup>۳۱</sup> به افتخاری که به رشد روحانی شما در خداوند ما عیسی مسیح دارم، سوگند که من هر روز با مرگ روبرو می‌شوم.<sup>۳۲</sup> اگر پاداش زحمات من فقط در همین زندگی است، پس چرا بیهوده با اهالی شهر افسس که همچون حیوانات درنده بودند، مبارزه کردم؟ اگر بعد از مرگ، زندگی دیگری وجود ندارد، بخوریم و بنوشیم و خوش باشیم، زیرا فردا خواهیم مرد و همه چیز به پایان خواهد رسید.<sup>۳۳</sup> فریب کسانی را که اینچنین سخن می‌گویند، نخورید و به گفته‌های آنان گوش ندهید، زیرا اخلاق و رفتارتان مانند آنان فاسد خواهد شد.<sup>۳۴</sup> به خود آییند و درست فکر کنید و دست از گناه بشوید. برخی از شما حتی مسیحی نیستید و خدا را هم نمی‌شناسید. این را می‌گویم تا خجالت بکشید.

### بدن قیام کرده

<sup>۳۵</sup> اما شاید کسی بپرسد: «چگونه مردگان زنده خواهند شد؟ به هنگام زنده شدن، چه نوع بدنی خواهند داشت؟»<sup>۳۶</sup> چه سؤال ناآگاهانه‌ای! جواب سؤالان را

۳۰:۱۵ روم ۳:۶  
۳۱:۱۵ ۱۰:۴  
۳۲:۱۵ اش ۱۳:۲۲  
لو ۱۹:۱۲-۲۱  
۱۶:۸  
قرن ۸:۱

۳۴:۱۵ افس ۵:۱۴  
۱۶:۵  
۴:۵

۳۵:۱۵ حز ۳:۳۷  
۳۶:۱۵ یو ۲۴:۲۳ و ۲۴

بدن جسمانی و بدن قیام کرده	بدن جسمانی	بدن قیام کرده
فسادپذیر و فانی	غیرفانی	
دلسرد کننده	پر جلال	
پراز ضعف	پر از قدرت	
انسانی	فوق انسانی	
طبیعی	روحانی	
خاکی	آسمانی	

همه ما دارای بدن هستیم، بدنی که از بدن سایرین متفاوت است. بدن هر یک از ما در توانایی‌ها و ضعف‌ها از دیگر بدنها متفاوت است. اما از نظر فیزیکی و تعلق داشتن به زمین، همه بدنها مانند هم هستند. به همه ایمانداران زندگی پس از مرگ و داشتن بدنی شبیه بدن قیام کرده مسیح، وعده داده شده است (۴۹:۱۵).

تأیید نمی‌کند بلکه از آن بعنوان یک مثال استفاده می‌کند تا این استدلال را تحکیم بخشد که قیام یک واقعیت است.

۳۰:۱۵-۳۴ اگر مرگ پایان همه چیز است، تنها کاری که باید کرد، لذت بردن از هر لحظه زندگی است. اما مسیحیان می‌دانند که *ورای* مرگ حیاتی وجود دارد و زندگی ما در این دنیا فقط مقدمه آن است.

۳۵:۱۵ پولس بحثی را درباره کیفیت بدن قیام کرده آغاز می‌کند. اگر شما می‌توانستید نوع بدنتان را انتخاب کنید،

چه بدنی را انتخاب می‌کردید، نیرومند و ورزیده یا زیبا؟ پولس شرح می‌دهد که ما در بدنهای قیام کرده خود قابل شناسایی خواهیم بود، اما آن بدنها بهتر از آن چیزی خواهد بود که قابل تصور است، چون برای حیات ابدی ساخته شده‌اند. با وجود این، ما شخصیت و فردیت خود را حفظ خواهیم کرد. اما همه اینها بواسطه کار مسیح به انجام خواهد رسید. کتاب مقدس نمی‌گوید که بدن قیام کرده ما قادر به انجام چه کارهایی خواهد بود، اما می‌دانیم که کامل و بدون درد و مرض خواهد بود.

می‌توانید در باغچه خانه‌تان بیاید! وقتی دانه‌ای در خاک می‌کارید، پیش از آنکه سبز شود، نخست می‌پوسد و می‌میرد؛<sup>۳۷</sup> و هنگامی که سبز می‌شود، شکلش با آن دانه‌ای که کاشتید، خیلی فرق دارد. زیرا چیزی که شما می‌کارید، دانه کوچکی است، خواه گندم، خواه دانه‌ای دیگر.<sup>۳۸</sup> اما خدا به آن دانه، بدنی تازه و زیبا می‌دهد، همان بدنی که اراده کرده است. از هر نوع دانه، گیاهی خاص بوجود می‌آید.<sup>۳۹</sup> درست همانگونه که دانه‌ها و گیاهان با هم فرق دارند، بدن‌ها نیز با هم فرق دارند. بدن انسانها، حیوانات، ماهیها و پرندگان، همه با هم فرق دارند.<sup>۴۰</sup> بدنی که فرشتگان آسمان دارند، با بدن ما تفاوت بسیار دارد، و جلوه بدن آنان با جلوه بدن ما نیز متفاوت است.<sup>۴۱</sup> خورشید یک نوع زیبایی و شکوه دارد و ماه و ستارگان، نوعی دیگر. حتی ستاره‌ها از لحاظ زیبایی و درخشندگی با یکدیگر فرق دارند.

۳۸:۱۵

پیدا ۱۱:۱  
مز ۱۴:۱۰۴

<sup>۴۲</sup> به همین صورت، این بدن خاکی و زمینی ما که محکوم به مرگ و نابودی است، با بدنی که بعد از زنده شدن خواهیم داشت تفاوت دارد، زیرا آن بدن هرگز نخواهد مرد.<sup>۴۳</sup> این بدن باعث زحمت و رنج ماست، چون در معرض بیماری و مرگ قرار دارد، اما آن بدن پر از جلال و شکوه خواهد بود. بلی، این بدن اکنون ضعیف و فانی است، اما بدنی که پس از مرگ خواهیم داشت، پرقدرت خواهد بود.<sup>۴۴</sup> به هنگام مرگ، بدن نفسانی دفن می‌شود، اما در روز قیامت، بدن روحانی برخواهد خاست. زیرا همانگونه که بدن طبیعی و نفسانی وجود دارد، بدن فوق طبیعی و روحانی نیز وجود دارد.

۴۲:۱۵

دان ۳:۱۲  
متی ۴۳:۱۳  
اقرن ۵۰:۱۵  
۴۳:۱۵  
فیل ۲۱:۳  
کول ۴:۳

<sup>۴۵</sup> کتاب آسمانی می‌فرماید که به اولین انسان یعنی به آدم، بدنی طبیعی و نفسانی داده شد. اما آدم آخر، یعنی مسیح بسیار برتر است زیرا او روح حیات بخش می‌باشد.<sup>۴۶</sup> پس، نخست باید این بدن نفسانی را داشته باشیم، سپس در آینده خدا بدن روحانی و آسمانی را به ما خواهد داد.<sup>۴۷</sup> آدم اول از خاک زمین آفریده شد، اما آدم دوم یعنی مسیح، از آسمان آمد.<sup>۴۸</sup> هر یک از ما انسانها، بدنی خاکی داریم، شبیه بدن آدم. همچنین آنانی که از آن مسیح می‌گردند، همانند او بدنی آسمانی خواهند یافت.<sup>۴۹</sup> همانطور که در حال حاضر هر یک از ما بدنی داریم مانند بدن آدم، روزی هم

۴۵:۱۵

پیدا ۷:۲  
یو ۲۱:۵  
روم ۲:۸  
اقرن ۱۷:۳  
کول ۴:۳  
۱ پط ۱۸:۳

۴۷:۱۵

پیدا ۱۹:۳  
یو ۳۱،۳۳

۴۸:۱۵

فیل ۲۱ و ۲۰:۳

۴۹:۱۵

پیدا ۳:۵  
روم ۲:۸  
فیل ۲۱:۳  
ایو ۲:۳

حیات بخش» شد، به این معنی که وارد نوع جدیدی از حیات شد (مراجعه کنید به توضیحات مربوط به ۲ قرتیان ۱۷:۳). بدن انسانی و جلال یافته مسیح حالا سازگار با حیات تازه و پر جلال اوست - همانطور که بدن انسانی آدم مناسب با حیات طبیعی او بود. وقتی بر خیزانیده شویم، خدا به ما بدنی جلال یافته، متناسب با حیات جدید و ابدی خواهد داد.

۴۴:۱۵ فوق طبیعی یعنی «چیزی فراتر و بالاتر از امور طبیعی». بنابراین، بدنهای روحانی ما ورای قوانین طبیعت قرار خواهد داشت و نه در محدوده آن. اما این الزاماً بدان معنا نیست که ما انسانهایی غیرطبیعی خواهیم بود، بلکه بدن ما متفاوت خواهد بود، با قابلیت‌هایی بیشتر از بدنی که در این دنیا داریم.  
۴۵:۱۵ وقتی مسیح از مردگان بر خاست، «روح



- ۵۰:۱۵  
متی ۱۷:۱۶  
یو ۵:۳۳
- ۵۱:۱۵  
قرن ۲-۴  
فیل ۲۱:۳  
اتسا ۱۶:۴ و ۱۶
- ۵۲:۱۵  
متی ۳۱:۲۴
- ۵۳:۱۵  
قرن ۲-۴
- ۵۴:۱۵  
اش ۸:۲۵
- ۵۵:۱۵  
هو ۱۴:۱۳  
روم ۱۵:۴
- ۵۷:۱۵  
روم ۲۵-۲۳:۷  
یو ۴:۵
- بدنی خواهیم داشت، مانند بدن مسیح.<sup>۵۰</sup> ای عزیزان، مقصودم اینست که بدن خاکی که از گوشت و خون ساخته شده است، نمی تواند وارد ملکوت خدا شود، و این بدنهای فانی ما، در خور زندگی جاوید نیستند.
- ۵۱ حال می خواهیم رازی عجیب با شما در میان بگذارم: ما همه نخواهیم مرد، بلکه به همه ما بدنی نو داده خواهد شد.<sup>۵۲</sup> زمانی که شیپور آخر از آسمان به صدا درآید، در یک لحظه، در یک چشم بر هم زدن، همه ایماندارانی که مرده اند، با بدنی فناپذیر زنده خواهند شد. آنگاه ما نیز که هنوز زنده ایم، ناگهان تبدیل خواهیم پذیرفت و بدنی نو خواهیم یافت.<sup>۵۳</sup> زیرا بدن خاکی ما که فانی و از بین رفتنی است، باید به بدن آسمانی تبدیل شود، بدنی که هرگز نابود نخواهد شد و همیشه زنده خواهد ماند.
- ۵۴ هنگامی که این امر اتفاق بیفتد، یعنی بدن خاکی و فانی ما به بدن آسمانی و جاودانی تبدیل شود، آنگاه این پیشگویی کتاب آسمانی عملی خواهد گردید که می فرماید: «زندگی بر مرگ پیروز شد.»<sup>۵۵</sup> ای مرگ پیروزی تو کجاست؟ نیش تو چه شد؟<sup>۵۶</sup> گناه یعنی همان نیشی که باعث مرگ می شود، از بین خواهد رفت، و شریعت که گناهان ما را به ما نشان می دهد، دیگر بر ما داور نخواهد بود.<sup>۵۷</sup> خدا را شکر برای تمام اینها! اوست که ما را بوسیله خداوندان عیسی مسیح پیروز می گرداند.
- ۵۸ بنابراین، ای عزیزان، از آنجا که پیروزی ما در آینده حتمی است، پس در ایمان قوی و ثابت قدم بمانید و همواره مشغول خدمت به خداوند باشید، چون می دانید که خدمتتان به خداوند بی نتیجه نیست، و در قیامت هر کس پاداش اعمال خود را خواهد یافت.

۵۴:۱۵-۵۶ شیطاں در باغ عدن (پیدایش ۳) و نیز زمانی که مسیح بر روی صلیب مرد، در ظاهر پیروز شد (مرقس ۱۵:۲۲-۲۴). اما وقتی عیسی مسیح از مردگان بر خاست، خدا پیروزی ظاهری شیطاں را به شکست تبدیل کرد (کولسیان ۲:۱۵؛ عبرانیان ۲:۱۴ و ۱۵). بنابراین دیگر مرگ موجب ترس و وا همه نمی شود. مسیح بر مرگ غالب شد، و یک روز ما هم بر آن غالب خواهیم آمد. مرگ شکست خورده است و ما امیدی ورای مرگ داریم.

۵۸:۱۵ پولس می گوید که با تکیه بر قیام مسیح، هیچیک از خدماتی که ما انجام می دهیم، بی نتیجه نیست. گاهی در انجام عمل نیک مردم می مانیم چرا که هیچ نتیجه ای عاید ما نمی شود. اما اگر دید آسمانی را در خود حفظ کنیم، متوجه می شویم که نکات مثبتی را که نتیجه تلاشهای ماست، اغلب اوقات نمی بینیم. اگر ما حقیقتاً ایمان داشته باشیم که مسیح به فتح نهایی دست یافته است،

۵۰:۵۳-۵۱ همه ما ضعف هایی داریم. کسانی که دچار معلولیت جسمی، روانی، یا ذهنی هستند، بطور خاصی از این امر آگاهند. بعضی ها نابینا هستند، اما می توانند روش تازه ای برای زندگی کردن بیابند؛ برخی ناشنوا هستند، اما می توانند مژده نجات خدا را با گوش دل بشنوند. بعضی فلج هستند، اما می توانند در محبت خدا راه بروند. به علاوه، آنها به این دلگرمند که این معلولیت ها موقتی هستند. پولس به ما می گوید که وقتی عیسی باز گردد، بدن جدیدی بر خود خواهیم گرفت که بدون نقص خواهد بود و هرگز بیمار یا نابود نخواهد شد. این می تواند در مشکلات و رنجها به ما امید بخشد.

۵۲:۱۵ صدای شیپور از آسمان و زمین جدید بر خواهد خاست. یهودیان اهمیت این مسأله را کاملاً درک می کردند، چون همیشه شیپور به علامت شروع جشن ها و دیگر وقایع مخصوص به صدا در می آمد (اعداد ۱۰:۱۰).

## راهنمایی‌هایی در خصوص جمع‌آوری هدایا

اما در بارهٔ اعانات و هدایایی که در نظر دارید برای مسیحیان اورشلیم بفرستید، می‌توانید چنین عمل کنید (به کلیساهای ایالت «غلاطیه» نیز همین روش را پیشنهاد کردم):<sup>۱۶</sup> در نخستین روز هر هفته یعنی یکشنبه، هر یک از شما به نسبت درآمدی که داشته‌اید، مبلغی را برای این کار کنار بگذارید. برای جمع‌آوری این مبالغ، منتظر آمدن من نباشید. وقتی آمد، هدایای پرمهر شما را همراه نامه، بدست اشخاص قابل اعتمادی که خودتان تعیین کرده‌اید، به اورشلیم خواهیم فرستاد.<sup>۱۷</sup> اگر صلاح باشد که من هم با ایشان بروم، خواهم رفت.

## آخرین دستورات پولس

<sup>۱۵</sup> من نخست به «مقدونیه» خواهم رفت، اما در آنجا زیاد نخواهم ماند. سپس به دیدن شما خواهم آمد.<sup>۱۶</sup> احتمال دارد بتوانم کمی بیشتر نزد شما بمانم، شاید تمام زمستان را. آنگاه با کمک شما به سفر ادامه خواهم داد.<sup>۱۷</sup> زیرا این بار نمی‌خواهم فقط بر سر راه، شما را ملاقات کنم، بلکه به خواست خداوند در نظر دارم مدتی نزد شما بمانم.

<sup>۱۸</sup> اما تا عید پنطیکاست در اینجا یعنی در «افسس» خواهم ماند، زیرا برای اعلام و تعلیم پیغام انجیل فرصت خوبی وجود دارد، گر چه تعداد مخالفان نیز کم نیست.

<sup>۱۹</sup> هرگاه «تیموتائوس» نزد شما آید، از او به گرمی پذیرایی کنید، زیرا او نیز مانند من مشغول خدمت به خداوند است.<sup>۲۰</sup> مواظب باشید کسی به او بسبب جوانی‌اش، بی‌احترامی و بی‌اعتنایی نکند، بلکه او را در سفرش یاری دهید تا با

۱:۱۶  
اعما ۲۹:۱۱ ؛ ۱۷:۲۴ ؛  
روم ۲۶:۱۵  
قرن ۴:۸ ؛ ۱:۹  
غلا ۱۰:۲  
۲:۱۶  
لو ۱:۲۴  
اعما ۷:۲۰  
مکا ۱۰:۱  
۳:۱۶  
قرن ۱۹:۸-۲۱

۵:۱۶  
اعما ۲۱:۱۹  
اقرن ۱۹:۴  
قرن ۱۶:۱۵  
۶:۱۶  
اعما ۵:۲۱ ؛ ۵:۱۷ ؛ ۳:۱۵  
۷:۱۶  
اعما ۲۱:۱۸  
۸:۱۶  
اعما ۱:۲  
۹:۱۶  
اعما ۲۷:۱۴ ؛ ۸:۱۹-۱۰  
اقرن ۱۲:۲  
۱۰:۱۶  
اعما ۱:۱۶  
روم ۲۱:۱۶  
۱۱:۱۶  
اتیمو ۱۳ و ۱۲:۴

پولس به ایمانداران پیشنهاد می‌کند که هر هفته مبلغ اندکی کنار بگذارند و آن را به کلیسا بدهند تا وقتی او به قرتس می‌رسد، هدایا را دریافت کند و با خود به اورشلیم ببرد. پولس در نظر داشت که مستقیماً از افسس به قرتس برود؛ اما برنامه‌اش را تغییر داد (دوم قرتیان ۱:۲). بالاخره وقتی او به آنجا رسید، هدایا را دریافت کرد و تحویل کلیسای اورشلیم داد (اعمال ۱۸:۲۱ ؛ ۱۷:۲۴).

۱۱ و ۱۰:۱۶ پولس تیموتائوس را پیش از خود به قرتس فرستاد. پولس تیموتائوس را گرمی می‌داشت و از نزدیک با او کار کرده بود (فیلیپیان ۲:۲۰-۲۲)؛ تیموتائوس ۲:۱). اگرچه تیموتائوس جوان بود، اما پولس کلیسای قرتس را تشویق می‌کرد تا او را بپذیرند چون او خداوند را خدمت می‌کرد. کار خدا محدود به سن

این ایمان باید بر نحوه زندگی کنونی ما در این دنیا اثر بگذارد. اگر نتیجه تلاش‌هایتان را در ظاهر نمی‌بینید، اجازه ندهید دلسردی مانع خدمتتان شود. از فرصت‌هایی که برای انجام عمل نیک پیش می‌آید، استفاده کنید، با علم به اینکه عمل شما نتیجه‌ای جاودانی خواهد داشت.

۱:۱۶ پولس کمی پیش از این گفت که هیچ عمل نیکی بی‌نتیجه نخواهد بود (۵۸:۱۵). حالا او به بعضی از خدمات عملی که برای همه مسیحیان منفعت دارد، اشاره می‌کند. ۴-۱:۱۶ مسیحیان اورشلیم از فقر و گرسنگی در رنج بودند؛ از این رو، پولس برای آنان هدایایی جمع‌آوری می‌کرد. کلیسای اورشلیم جایی بود که مسیحیت از آنجا شروع شد، اما این کلیسا اکنون در شرایط سختی قرار داشت (مراجعه کنید به رومیان ۲۵:۱۵-۳۱ ؛ ۲ قرتیان ۴:۸ ؛ ۱:۹).

- دلگرمی نزد من باز گردد، زیرا چشم براه او و سایر برادران هستم. <sup>۱۲</sup> از  
 «اپلس» خواهش کردم که همراه ایشان به دیدن شما بیاید، اما به نظر او  
 خواست خدا نیست که اکنون بیاید. اما هرگاه فرصت کند، خواهد آمد.
- <sup>۱۳</sup> هشیار باشید که چیزی به ایمانتان صدمه نزند. به خداوند وفادار بمانید. قوی و  
 شجاع باشید. <sup>۱۴</sup> کارهای شما، همه با محبت و مهربانی توأم باشد.
- <sup>۱۵</sup> «استیفائوس» و خانواده او را قطعاً بیاد دارید. ایشان اولین کسانی بودند که در  
 یونان مسیحی شدند، و زندگی خود را صرف کمک و خدمت به مسیحیان  
 کرده‌اند. خواهش می‌کنم <sup>۱۶</sup> دستورات و راهنمایی‌های ایشان را بجا بیاورید، و  
 به آنان و تمام کسانی که با چنین صمیمیتی در کنار شما زحمت می‌کشند، تا  
 آنجا که می‌توانید کمک نمایید. <sup>۱۷</sup> بسیار شادم که استیفانوس، فرتوناتوس و  
 اخائیکوس برای دیدن من به اینجا آمده‌اند. ایشان جای خالی شما را پر می‌کنند  
 و بجای شما به من کمک می‌نمایند. <sup>۱۸</sup> آنان باعث شادی و دلگرمی من شدند و  
 یقین دارم که نسبت به شما هم همینطور بوده‌اند. امیدوارم قدر زحمات چنین  
 اشخاص را بدانید.
- <sup>۱۹</sup> کلیساهای ایالت آسیا سلام‌های گرم می‌فرستند. «اکیلا» و همسرش  
 «پرسکلا» و همچنین سایر کسانی که در خانه ایشان برای عبادت جمع  
 می‌شوند، به شما سلام می‌رسانند. <sup>۲۰</sup> اینجا، تمام دوستان از من خواسته‌اند که  
 سلامشان را به شما برسانم. وقتی دور هم جمع می‌شوید، یکدیگر را بجای ما  
 روبوسی کنید.
- <sup>۲۱</sup> من، پولس، این سلامها را بدست خودم می‌نویسم.

۱۲:۱۶  
 اعما ۲۴:۱۸  
 اقرن ۱۲:۱  
 تیظ ۱۳:۳

۱۳:۱۶  
 متی ۴۲:۲۴  
 فیل ۱:۴ ؛ ۲۷:۱  
 اتسا ۸:۷؛ ۳  
 اتسا ۱۵:۲

۱۴:۱۶  
 اقرن ۱:۱۴

۱۵:۱۶  
 اقرن ۱۶:۱۴

۱۶:۱۶  
 اتسا ۱۳:۵؛ ۱۳

۱۹:۱۶  
 روم ۵:۱۶  
 فلیپ ۲  
 مکا ۱۱:۴؛ ۱  
 ۲۱:۱۶  
 روم ۲۲:۱۶  
 غلا ۱۱:۶  
 کول ۱۸:۴  
 اتسا ۱۷:۳  
 فلیپ ۱۹

بازگشت مسیح را انتظار می‌کشیم، باید همین دستورات را  
 دنبال کنیم.

**۱۹:۱۶** آکیلا و پرسکلا خیمه‌دوز (یا چرم‌دوز) بودند و  
 پولس در قرتس با آنها آشنا شد (اعمال ۱:۱۸-۳). آنها  
 پولس را تافسس همراهی نمودند و با او در آنجا زندگی  
 کردند و پولس را در تعلیم دیگران یاری می‌دادند  
 (رومیان ۳:۱۶-۵). بسیاری در کلیسای قرتس این زوج  
 مسیحی را می‌شناختند. همچنین در اعمال ۱۸:۱۸، ۲۶؛  
 رومیان ۳:۱۶ و ۲ تیموتائوس ۱۹:۴ به آنان اشاره شده است.  
**۲۱:۱۶** پولس یک دستیار یا یک منشی داشت که این  
 نامه را از زبان او به قلم می‌آورد. اما پولس آخرین کلمات  
 را با دستخط خودش نوشت، مانند پی‌نوشتی که با دستخط  
 به نامه تایپ‌شده اضافه می‌شود. دستخط پولس این مطلب  
 را تأیید می‌کرد که نامه واقعاً از زبان خودش نوشته شده  
 است و جعلی نیست.

خاصی نمی‌شود. پولس دو نامه شخصی به تیموتائوس  
 نوشته است که در عهدجدید باقی مانده است.

**۱۲:۱۶** اپلس که قبلاً در قرتس موعظه کرده بود،  
 اکنون به کار بشارت در یونان مشغول بود (مراجعه کنید  
 به اعمال ۱۸:۲۴-۲۸؛ ۱ قرتیان ۳:۳ و ۴). یکی از دلایلی که  
 باعث شد اپلس فوراً به قرتس نرود، این بود که او از  
 اختلافات آنجا باخبر بود و نمی‌خواست به شقاق‌ها دامن  
 بزند. احتمالاً پولس این اختیار را داشت که اپلس را به  
 قرتس نفرستد. اما او را مجبور به رفتن نکرد، چون اپلس  
 فکر نمی‌کرد که رفتن او خواست خدا باشد.

**۱۴:۱۳ و ۱۶** در حین اینکه قرتیان منتظر دیدار بعدی  
 پولس بودند، دستور داشتند که (۱) نسبت به خطرات  
 روحانی هشیار باشند؛ (۲) نسبت به خداوند وفادار باشند؛  
 (۳) مانند بالغین رفتار کنند؛ (۴) قوی باشند؛ (۵) همه  
 کارها را با محبت انجام دهند. امروز، درحالی که

۲۲ اگر کسی خداوند را دوست ندارد، لعنت بر او باد! ای خداوند مسیح، بیا!  
 ۲۳ فیض خداوند ما عیسی مسیح، با شما باشد. ۲۴ همه شما که از آن عیسی مسیح  
 هستید، محبت‌های قلبی مرا بپذیرید. آمین.

۲۲:۱۶

غلا ۱:۹

عبر ۱۰:۲۶

و اختلافات، خودخواهی‌ها، استفاده نسنجیده از آزادی، بی‌نظمی در عبادت، استفاده نابجا از عطایای روحانی، و طرز فکرهای غلط درباره قیامت، به مقابله پرداخت. در هر کلیسایی، آنقدر مشکلات وجود دارد که باعث بروز شکاف و جدایی شود. ما نباید مشکلات موجود در کلیسا یا در زندگی خودمان را نادیده بگیریم یا روی آنها سرپوش بگذاریم. بلکه، مانند پولس باید به محض بروز مشکل با آن برخورد کنیم. درسی که از اول قرن‌تیان می‌آموزیم، این است که اتحاد و محبت در کلیسا بسیار مهم‌تر از رهبران و عناوین هستند.

۲۲:۱۶ خداوند عیسای مسیح دوباره به جهان باز می‌گردد. برای پولس این امید شادی‌بخشی بود، عالی‌ترین چیزی که بی‌صبرانه انتظارش را می‌کشید. او نه تنها از دیدن مسیح ترسی نداشت بلکه از اشتیاق دیدار او، انتظار برایش دشوار بود! آیا شما هم مثل پولس مشتاقانه در انتظارید؟ کسانی که مسیح را دوست دارند، با اشتیاق منتظر روز بازگشت او هستند (تیطوس ۲:۱۳).  
 ۲۴:۱۶ کلیسا در قرن‌تس، کلیسایی بود با مشکلات. پولس با محبت و با قدرت در مقابل مشکلاتشان ایستاد و آنان را دوباره متوجه محبت مسیح ساخت. او با شقاق‌ها